

گام ها به سوی مسیح

1	 فصل اول—عشق خدا به انسان
18	 فصل 2—نیاز گناهکار به مسیح
31	 فصل 3—توبه
65	 فصل 4—اعتراف
77	 فصل 5—تقدیس
90	 فصل 6—ایمان و پذیرش
106	 فصل 7—امتحان شاگردی
127	 فصل 8—رشد کردن به مسیح
149	 فصل 9—کار و زندگی
166	 فصل 10—یک شناخت خدا
183	 فصل 11—امتیاز دعا
213	 فصل 12—باشک چه باید کرد
234	 فصل 13—خوشحال شدن در خداوند

فصل اول—عشق خدا به انسان

طبیعت و وحی به یکسان گواه عشق خدا هستند. پدر ما در بهشت منبع زندگی، حکمت و شادی است. به چیزهای شگفت انگیز و زیبای طبیعت نگاه کنید. در مورد سازگاری شگفت انگیز آنها با نیازها و خوشبختی، نه تنها انسان، بلکه تمام موجودات زنده فکر کنید. آفتاب و باران، که زمین، تپه ها و دریاها و دشت ها را شاد و تازه میکند، همه با ما از عشق خالق صحبت میکنند. این خداست که نیازهای روزمره تمام مخلوقات خود را برآورده میسازد. به کلمات زیبای زبور نویس—

"چشم های همه منتظر تو هستند؛
و تو به آنها گوشت آنها را در فصل مناسب
میدهی.

تو دست خود را باز میکنی،
و میل هر موجود زنده را برآورده میسازد.
مزمور 145:15، 16.

خدا انسان را کاملاً مقدس و خوشحال ساخت؛ و
زمین منصف، طوریکه از دست خالق آمده بود،
هیچ زیان پوسیدگی یا سایه لعنت را نداشت. این
تخلف از قانون خدا است – قانون عشق – که
سبب وسوسه و مرگ شده است. مگر حتی در
میان رنج که از گناه بوجود میاید، عشق خدا
آشکار میشود. نوشته شده که خداوند به خاطر
انسان زمین را لعنت کرد. پیدایش 3:17. خار و
خار—مشکلات و آزمایشات که زندگی او را
از زحمت و مراقبت میسازد—برای خیر او
منحیث بخش از آموزش مورد نیاز در پلان خدا
برای بالا بردن او از ویرانی و انحطاط که گناه

بوجود آورده است منصوب شده بودند. جهان،
اگرچه سقوط کرده است، همه غم و بدبختی
نیست. در خود طبیعت پیام های امید و راحتی
وجود دارد. روی خارها گل وجود دارد و
خارها با گلاب پوشانده شده اند.

"خدا عشق است" روی هر جوانه باز کننده،
روی هر مناره علف بهاری نوشته شده است.
پرندگان دوست داشتنی که هوا را با آهنگ های
شادشان صدا میدهند، گل های ظریف رنگ
آمیزی شده در کمال شان که هوا را خوشبو
میسازد، درختان بلند جنگل با شاخ و برگ های
غنی سبز زنده شان—همه گواه مراقبت لطیف
و پدرا نه خدای ما و برای تمایل او برای
خوشحال ساختن اولاد هایش.

کلام خدا شخصیت او را آشکار میسازد. او خود عشق و ترحم بی نهایت خود را اعلام کرده است. زمانیکه موسی دعا کرد، "جلال خود را به من نشان بده"، خداوند پاسخ داد، "من تمام خوبی های خود را از پیش تو خواهم گذرانم." خروج 33:18، 19. این جلال او است. خداوند از قبل موسی گذشت و اعلام کرد، "خداوند، خداوند خدا، مهربان و مهربان، صبور، و در خوبی و حقیقت فراوان است، برای هزاران نفر رحمت میکند، گناه و تخلف و گناه را میبخشد." خروج 34:6، 7. او "در خشم آهسته است، و از مهربانی زیاد است،" "زیرا او از رحمت لذت میبرد." یونس 4:2؛ میکا 7:18.

خدا قلب های ما را با نشانه های بی شمار در بهشت و زمین به خود بسته است. از طریق

چیزهای طبیعت، و عمیق ترین و ملایم ترین
پیوندهای زمینی که قلب های انسان میتواند
بداند، او تلاش کرده است تا خود را به ما
آشکار سازد. مگر اینها بشکل ناقص نشان
دهنده عشق او است. درحالیکه تمام این شواهد
ارائه شده است، دشمن خوب ذهن انسان ها را
کور کرد، از اینرو آنها به خدا با ترس نگاه
کردند؛ آنها او را شدید و نابخشودنی فکر
میکردند. شیطان مردان را به این تصور سوق
داد که خدا را به عنوان موجودی که ویژگی
اصلی آن عدالت سخت است، تصور کنند، –
کسی که یک قاضی سختگیر، یک کریدیت
دهنده خشن و سختگیر است. او خالق را به
عنوان موجودی تصور کرد که با چشم حسودانه
تماشا می کند تا اشتباهات و اشتباهات انسان ها
را تشخیص دهد، تا او بتواند بر آنها قضاوت

کند. این برای از بین بردن این سایه تاریک بود، با آشکار ساختن عشق بی نهایت خدا به جهان، که عیسی آمد تا در بین انسان ها زندگی کند.

پسر خدا از بهشت آمد تا پدر را آشکار سازد. هیچ کس هیچگاه خدا را ندیده است؛ یگانه پسر، که در آغوش پدر است، او را اعلام کرده است. یوحنا 1:18. "نه هیچکس پدر را میشناسد مگر پسر، و کسیکه پسر او را به او آشکار میسازد. "متی 11:27. زمانیکه یکی از شاگردان

درخواست کرد، "پدر را به ما نشان دهید،" عیسی پاسخ داد، "آیا من اینقدر مدت با شما بوده ام، و تا حالا مرا نمیشناسید، فیلیپ؟ کسیکه مرا دیده است پدر را دیده است؛ و چگونه تو

میگویی، پدر را به ما نشان بده؟" یوحنا 14:8،
9.

در تشریح ماموریت زمینی اش، عیسی گفت،
خداوند "مرا مسح کرده است تا انجیل را به فقرا
تبلیغ کنم؛ او مرا فرستاده است تا دل شکسته ها
را شفا دهم، تا به اسیران نجات را موعظه کنم،
و به نابینایان بازیابی بینایی را تبلیغ کنم، تا
آنهاييکه زخمی شده اند را آزاد کنم. لوقا 4:18.
این کار او بود. او به انجام کارهای خوب و
التیام بخشیدن به همه کسانی که توسط شیطان
تحت ستم قرار گرفته بودند، رفت. تمام قریه
جات وجود داشت جاییکه در هیچ خانه ناله
بیماری وجود نداشت، بخاطریکه او از آنها
عبور کرده بود و تمام بیماران آنها را شفا داده
بود. کار او شواهد مسح الهی او را ارائه کرد.

عشق، رحمت، و شفقت در هر عمل زندگی او آشکار میشد؛ قلب او در همدردی ملایم با اولاد انسان ها بیرون رفت. او طبیعت انسان را گرفت، تا به خواسته های انسان برسد. فقیرترین و متواضع ترین ها از نزدیک شدن به او نمی ترسیدند. حتی اطفال کوچک به او جذب میشدند. آنها دوست داشتند که روی زانوهای او بالا شوند و به صورت متفکر او که از عشق خوش طبع بود نگاه کنند.

عیسی یک کلمه حقیقت را سرکوب نکرد، مگر او آنرا همیشه با عشق بیان میکرد. او بزرگترین تدبیر و توجه متفکرانه و مهربان را در روابط خود با مردم اعمال کرد. او هیچگاه بی ادب نبود، هیچگاه بی نیاز یک کلمه سخت نمیگفت، هیچگاه درد بی مورد را به یک روح

حساس نمیداد. او ضعف انسان را محکوم نکرد.
او حقیقت را گفت، مگر همیشه عاشق بود. او
ریاکاری، بی باوری و بی عدالتی را محکوم
کرد؛ مگر زمانیکه او سرزنش های تند خود را
ابراز میکرد اشک در صدای او بود. او برای
بیت المقدس گریه کرد، شهری که او دوست
داشت، که از پذیرش او، راه، حقیقت و زندگی
امتناع ورزید. آنها او را، نجات دهنده، رد کرده
بودند، مگر او به آنها با لطافت ترحم آمیز نگاه
میکرد. زندگی او یکی از خود-انکار و مراقبت
متفکرانه برای دیگران بود. هر روح در نظر
او گرانبها بود. درحالیکه او همیشه خود را با
وقار الهی تحمل میکرد، او با لطیف ترین
احترام به هر عضوه خانواده خدا تعظیم میکرد.
در تمام مردان او روح های سقوط کرده را دید
که نجات دادن آنها مأموریت او بود.

این شخصیت مسیح است طوریکه در زندگی او آشکار شده است. این شخصیت خدا است. این از قلب پدر است که جریان های شفقت الهی، که در مسیح آشکار است، به فرزندان انسان ها جریان دارد. عیسی، نجات دهنده مهربان و دلسوز، خدا بود که "در جسم آشکار شده است".

1 تیموتی 3:16.

این برای رستگاری ما بود که عیسی زندگی کرد و رنج برد و فوت کرد. او یک "مرد غم" شد، تا ما شریک شادی ابدی شویم. خدا به پسر محبوب خود اجازه داد، که مملو از فیض و حقیقت بود، از یک جهان جلال غیرقابل توصیف، به یک جهان که با گناه آلوده و آلوده شده بود، که با سایه مرگ و لعنت تاریک شده

بود، بیاید. او به او اجازه داد تا سینه عشق خود،
ستایش فرشتگان را ترک کند تا شرم، توهین،
تحقیر، نفرت و مرگ را متحمل شود. "مجازات
صلح ما بالای او بود؛ و با زخم های او ما شفا
یافتیم. اشعیا 53:5. او را در بیابان، در
گتسمنی، روی صلیب ببینید! پسر بی عیب خدا
بار گناه را بر دوش گرفت. او کسیکه با خدا
یکی بود، در روح خود جدایی وحشتناک را که
گناه بین خدا و انسان ایجاد میکند احساس کرد.
این فریاد غم انگیز را از لب های او بیرون
کشید، "خدای من، خدای من، چرا مرا ترک
کردی؟" متی 27:46. این بار گناه بود، حس
عظمت وحشتناک آن، جدایی روح از خدا—این
چیزی بود که قلب پسر خدا را شکست.

مگر این فداکاری بزرگ برای ایجاد عشق در
قلب پدر برای انسان صورت نگرفت، نه اینکه
او را مایل به نجات سازد. نه، نه! "خداوند
جهان را چنان دوست داشت که پسر تنها زاده
خود را داد. "یوحنا 3:16. پدر ما را دوست
دارد، نه به دلیل کفاره بزرگ، بلکه او کفاره را
به دلیل اینکه ما را دوست دارد، فراهم کرد.
مسیح وسیله بود که از طریق آن او میتواند
عشق بی نهایت خود را روی یک جهان سقوط
کرده بریزد. "خدا در مسیح بود، جهان را با
خود آشتی میداد. "2 کورینتیان 5:19. خدا با
پسرش رنج برد. در درد و رنج گتسمنی، مرگ
کالواری، قلب عشق بی نهایت قیمت رستگاری
ما را پرداخت.

عیسی گفت، "از اینرو پدرم مرا دوست دارد،
بخاطریکه من زندگی خود را میگذارم تا دوباره
آنها بگیرم. " جان 10:17. یعنی، "پدر من شما
را چنان دوست داشته است که او حتی مرا
بیشتر دوست دارد بخاطر اینکه زندگی خود را
برای رستگاری شما داده ام. در تبدیل شدن به
جانشین و ضامن شما، با تسلیم کردن زندگی
من، با گرفتن مسئولیت های شما، تخلفات شما،
من به پدرم محبوب میشوم؛ زیرا با قربانی من،
خدا میتواند عادل باشد، و در عین حال توجیه
کننده کسی است که به عیسی ایمان دارد.

هیچ کس مگر پسر خدا نمیتوانست رستگاری ما
را انجام دهد؛ بخاطریکه فقط کسیکه در آغوش
پدر بود میتواند او را اعلام کند. فقط کسیکه
ارتفاع و عمق عشق خدا را میدانست میتواندست

آنها را آشکار سازد. هیچ چیز کمتر از قربانی بی نهایت که توسط مسیح به نفع انسان سقوط کرده انجام شده است نمیتواند عشق پدر را به بشریت از دست رفته بیان کند.

"خداوند جهان را چنان دوست داشت که پسر تنها زاده خود را داد. " او او را نه تنها داد تا در بین انسان ها زندگی کند، گناهان آنها را تحمل کند، و قربانی آنها بمیرد. او او را به نژاد سقوط کرده داد. مسیح باید خود را با منافع و نیازهای بشریت شناسایی میکرد. او کسیکه با خدا یکی بود خود را با اولاد انسان ها توسط پیوندهای که هیچگاه شکسته نمیشود پیوند داده است. عیسی "از برادر نامیدن آنها شرمنده نیست" (عبرانیان 2:11)؛ او قربانی ما است، مدافع ما، برادر ما، که شکل انسانی ما را قبل

از تخت پدر حمل میکند، و در طول عصرهای
ابدی یک با نژاد که او نجات داده است—پسر
انسان است. و تمام اینها تا انسان از ویرانی و
انحطاط گناه بالا برود تا او عشق خدا را
منعکس سازد و در شادی تقدس شریک گردد.

قیمت پرداخت شده برای رستگاری ما، قربانی
بی نهایت پدر آسمانی ما در دادن پسرش تا
برای ما بمیرد، باید به ما مفاهیم عالی در مورد
اینکه ما از طریق مسیح چه خواهیم شد بدهد.
طوریکه رسول الهام شده جان ارتفاع، عمق، و
وسعت عشق پدر را نسبت به نژاد در حال
نابودی دید، او با ستایش و احترام پر شد؛ و، در
یافتن زبان مناسب که در آن عظمت و لطافت
این عشق را بیان کند، او از جهان خواست تا
آنها ببینند. "ببینید، پدر چه نوع محبت را به ما

داده است، که ما باید پسران خدا نامیده شویم. "

1 یوحنا 3:1. این چه ارزشی را برای انسان قایل است! از طریق تخلف پسران انسان تابع شیطان میشوند. از طریق ایمان به قربانی کفاره مسیح پسران آدم ممکن پسران خدا شوند. با فرض کردن طبیعت انسان، مسیح بشریت را بالا میبرد. مردان سقوط کرده جایی قرار میگیرند که از طریق ارتباط با مسیح، آنها ممکن در حقیقت لایق نام "فرزندان خدا" شوند.

چنین عشقی بدون موازی است. فرزندان پادشاه بهشتی! وعده گرانبها! موضوع برای عمیق ترین مراقبه! عشق بی نظیر خداوند به جهانی که او را دوست نداشت! فکر یک قدرت مطیع کننده بالای روح دارد و ذهن را به اسارت اراده خدا میآورد. هر چه بیشتر ما شخصیت الهی را

در روشنی صلیب مطالعه کنیم، بیشتر رحمت،
لطافت و بخشش را با انصاف و عدالت آمیخته
می بینیم و هر چه واضح تر شواهد بی شماری
از عشق بی نهایت و ترحم لطیف فراتر از
همدردی مشتاقانه مادر برای طفل سرکش اش.

فصل 2—نیاز گناهکار به مسیح

انسان در ابتداء با قدرت های نجیب و یک ذهن متعادل اعطا شده بود. او در وجود خود کامل بود و با خدا هماهنگ بود. افکار او پاک بود، اهداف او مقدس بود. مگر از طریق نافرمانی، قدرت های او منحرف شد، و خودخواهی جای عشق را گرفت. طبیعت او از طریق تخلف چنان ضعیف شد که برای او، با قدرت خود، مقاومت در برابر قدرت شر ناممکن بود. او توسط شیطان اسیر شده بود و اگر خدا به طور خاص مداخله نمی کرد، برای همیشه چنین می ماند. این هدف وسوسه کننده بود تا پلان الهی را در خلقت انسان خنثی سازد، و زمین را با وای و ویرانی پر کند. و به این همه شرارت به

عنوان نتیجه کار خدا در آفرینش انسان اشاره می‌کرد.

در حالت بی گناه خود، انسان با او که "در او تمام گنجینه های حکمت و دانش پنهان است" ارتباط شادی داشت. کولسیان 2:3. مگر بعد از گناه اش، او دیگر نتوانست در تقدس شادی پیدا کند، و او در جستجوی پنهان شدن از حضور خدا بود. این هنوز هم وضعیت قلب تجدید نشده است. این با خدا در هماهنگی نیست و در ارتباط با او هیچ لذت نمی یابد. گناهکار نمیتوانست در حضور خدا خوشحال باشد؛ او از رفاقت موجودات مقدس دور میشد. اگر به او اجازه داده میشد تا به بهشت داخل شود، این برای او هیچ خوشحالی نخواهد داشت. روح عشق بی خود که آنجا حکمرانی میکند—هر

قلب که به قلب عشق بی نهایت پاسخ
میدهد—هیچ وتر پاسخ دهنده را در روح او
لمس نخواهد کرد. افکار او، علایق او، انگیزه
های او، برای آنهاییکه ساکنین بی گناه را آنجا
تحریک میکنند بیگانه خواهد بود. او یک
یادداشت ناسازگار در ملودی بهشت خواهد بود.
بهشت برای او یک مکان شکنجه خواهد بود؛
او آرزو دارد که از کسیکه نور آن است و
مرکز شادی آن است پنهان شود. این یک فرمان
خودسرانه از طرف خدا نیست که شریران را
از بهشت محروم میسازد؛ آنها توسط ناتوانی
خودشان برای همراهی آن از بین رفته اند.
جلال خدا برای آنها یک آتش سوزان خواهد
بود. آنها از تباهی استقبال میکردند، تا آنها از
چهره کسیکه برای نجات دادن آنها فوت کرد
پنهان شوند.

این برای ما، از خود ما، ناممکن است تا از
گودال گناه که در آن غرق شده ایم فرار کنیم.
قلب های ما شیطانی است، و ما نمیتوانیم آنها را
تغییر دهیم. "چه کسی میتواند یک چیز پاک را
از یک ناپاک بیرون بیاورد؟ نه یکی. "ذهن
جسمی دشمنی علیه خدا است: بخاطریکه این
تابع قانون خدا نیست، و نه در حقیقت میتواند
باشد. " ایوب 4:14؛ رومیان 7:8. آموزش،
فرهنگ، اعمال اراده، تلاش انسانی، همه حوزه
مناسب خود را دارند، اما در اینجا ناتوان
هستند. آنها ممکن یک درستی ظاهری رفتار را
تولید کنند، مگر آنها نمیتوانند قلب را تغییر
دهند؛ آنها نمیتوانند چشمه های زندگی را پاک
کنند. قبل از اینکه مردان از گناه به تقدس تغییر
کنند، باید یک قدرت از درون کار کند، یک

زندگی جدید از بالا. آن قدرت مسیح است. لطف او به تنهایی میتواند استعدادهای بی جان روح را سریع سازد و آنرا به خدا، به تقدس جذب کند.

نجات دهنده گفت، "مگر اینکه یک مرد از بالا تولد شود،" مگر اینکه او یک قلب جدید، خواهشات، اهداف، و انگیزه های جدید را بدست بیاورد که منتج به یک زندگی جدید میشود، "او نمیتواند پادشاهی خدا را ببیند. " جان 3:3، حاشیه. این نظریه که این فقط برای توسعه خوبی که در انسان توسط طبیعت وجود دارد لازمی است، یک فریب کشنده است. "انسان طبیعی چیزهای روح خدا را دریافت نمیکند: بخاطریکه آنها برای او حماقت است: نه هم او میتواند آنها را بشناسد، بخاطریکه آنها از

نظر روحانی تشخیص میشوند. " "تعجب نکنید
که من به شما گفتم، شما باید دوباره تولد شوید.
" 1 کورینثیان 2:14؛ جان 3:7. در مورد مسیح
نوشته شده است، "در او زندگی بود؛ و زندگی
نور مردان بود"—تنها "نام تحت آسمان که در
بین انسان ها داده شده است، که ما باید از
طریق آن نجات یابیم. " جان 1:4؛ اعمال 4:12.

این کافی نیست که مهربانی خدا را درک کنیم،
تا خیرخواهی، لطافت پدران، شخصیت او را
ببینیم. این کافی نیست که حکمت و عدالت قانون
او را تشخیص دهیم، تا ببینیم که این قانون بر
اساس اصل ابدی عشق استوار است. پولس
رسول تمام اینها را زمانیکه فریاد زد دید، "من
با قانون موافقت میکنم که این خوب است. "
"قانون مقدس است، و دستور مقدس، و عادلانه

و خوب است. " مگر او در تلخی رنج و
ناامیدی روح اش اضافه کرد، "من جسمی
هستم، تحت گناه فروخته شده ام. " رومیان
7:16، 12، 14. او برای پاکی، صداقت، که در
خود او در بدست آوردن آن ناتوان بود، مشتاق
بود و فریاد زد، "ای مرد بدبخت که من هستم!
چه کسی مرا از این بدن مرگ نجات خواهد
داد؟" رومیان 7:24، حاشیه. چنین فریاد است
که از قلب های باردار در تمام سرزمین ها و
در تمام اعصار بالا رفته است. برای همه، فقط
یک پاسخ وجود دارد، "بره خدا را ببینید،
کسیکه گناه جهان را از بین میبرد. " جان
1:29.

بسیاری از ارقام وجود دارد که توسط آنها روح
خدا تلاش کرده است تا این حقیقت را توضیح

دهد و آنرا برای روحانی که آرزوی رهایی از
بار گناه را دارند، واضح سازد. زمانیکه، بعد
از گناه اش در فریب دادن عیسو، یعقوب از
خانه پدرش فرار کرد، او با یک حس گناه
سنگین شد. طوریکه او تنها و طرد شده بود، از
همه چیز که زندگی را عزیز ساخته بود جدا
شده بود، یک فکر که بالای همه دیگران بالای
روح او فشار آورده بود، ترس بود که گناه او او
را از خدا جدا کرده بود، که او از بهشت رها
شده بود. در غم و اندوه او روی زمین برهنه
دراز کشید تا استراحت کند، در اطراف او فقط
تپه های تنها، و بالا، آسمان های روشن با
ستاره ها. زمانیکه او میخواست، یک نور
عجیب روی دید او میشکست؛ و ببینید، از دشت
که او روی آن خوابیده بود، معلوم میشد که زینه
های سایه دار وسیع به دروازه های بهشت

هدایت میکند، و فرشتگان خدا از روی آنها بالا
و پایین میگذشتند؛ در حالیکه از جلال بالا،
صدای الهی در یک پیام راحتی و امید شنیده
میشد. از اینرو به یعقوب چیزی که نیاز و
آرزوی روح او را برآورده میکرد شناخته
شد—یک نجات دهنده. با خوشحالی و
سپاسگزاری او یک راه را دید که از طریق آن
او، یک گناهکار، میتواند به ارتباط با خدا
بازگردانده شود. نردبان عرفانی رویای او
عیسی را نشان میداد، یگانه وسیله ارتباطات
بین خدا و انسان.

آیا ما رحمت خدا را در نظر نگیریم؟ او چه
بیشتر میتواند انجام دهد؟ بیایید خود را در
رابطه درست با او قرار دهیم که ما را دوست
داشته است این همان شخصیت است که مسیح

در گفتگوی خود با نتانایل به آن اشاره کرد،
زمانیکه او گفت، "شما بهشت را باز خواهید
دید، و فرشتگان خدا را که بالای پسر صعود و
پایین می آیند خواهید دید از انسان. جان 1:51.
در ارتداد، انسان خود را از خدا بیگانه کرد؛
زمین از بهشت جدا شد. در آنسوی خلیج که در
بین قرار داشت، هیچ ارتباط وجود نداشت. مگر
از طریق مسیح، زمین دوباره با بهشت وصل
شده است. با شایستگی های خود، مسیح خلیج را
که گناه ایجاد کرده بود پر کرده است، تا
فرشتگان خدمت کننده بتوانند با انسان ارتباط
داشته باشند. مسیح انسان سقوط کرده را در
ضعف و ناتوانی اش با منبع قدرت بی نهایت
وصل میسازد.

مگر رویاهای پیشرفت مردان بیهوده است، تمام تلاش ها برای بالا بردن بشریت بیهوده است، اگر آنها از یک منبع امید و کمک برای نژاد سقوط کرده غفلت کنند. "هر هدیه خوب و هر هدیه کامل" (یعقوب 1:17) از خدا است. هیچ تعالی واقعی شخصیت به غیر از او وجود ندارد. و یگانه راه به خدا مسیح است. او میگوید، "من راه، حقیقت، و زندگی هستم: هیچکس به پدر نمی آید مگر از طریق من." یوحنا 14:6.

قلب خدا با عشق قوی تر از مرگ برای فرزندان زمینی خود مشتاق است. در رها کردن پسرش، او بهشت را در یک هدیه برای همه ما ریخت. زندگی و مرگ و شفاعت نجات دهنده، وزارت فرشتگان، التماس روح، پدر که بالای

همه و از طریق همه کار میکند، علاقه بی وقفه
موجودات بهشتی،—همه از طرف رستگاری
انسان ثبت نام شده اند.

آه، بیایید در مورد فداکاری شگفت انگیزی که
برای ما انجام شده است، تامل کنیم! بیایید تلاش
کنیم تا کار و انرژی را که بهشت برای بازیابی
گمشده ها هزینه می کند، درک کنیم و آنها را به
خانه پدر برگردانیم. انگیزه های قوی تر، و
ادارات قوی تر، هیچگاه نمیتوانند به کار انداخته
شوند؛ پاداش های بیش از حد برای انجام دادن
درست، لذت بردن از بهشت، جامعه فرشتگان،
ارتباط و عشق خدا و پسرش، ارتقا و گسترش
تمام قدرت های ما در طول عصرهای ابدی –
آیا اینها مشوق ها و تشویق های قوی برای

تشویق نیستند ما را تا خدمت محبت آمیز قلب را
به خالق و رستگاری خود ارائه دهیم؟

و، در دست دیگر، احکام خدا که علیه گناه،
قصاص اجتناب ناپذیر، تنزل شخصیت ما، و
نابودی نهایی اعلام شده است، در کلام خدا
ارائه شده است تا ما را از خدمت به شیطان
هشدار دهد.

عشق شگفت انگیز. بیایید از وسایلی که برای
ما فراهم شده است استفاده کنیم تا ما به شباهت
او تبدیل شویم و به رفاقت با
فرشتگان خدمت کننده، به هماهنگی و ارتباط با
پدر و پسر بازگردانده شویم.

فصل 3—توبه

چگونه یک مرد باید با خدا عادل باشد؟ چگونه گناهکار عادل خواهد شد؟ این فقط از طریق مسیح است که ما میتوانیم با خدا، با تقدس هماهنگ شویم؛ مگر ما چگونه به مسیح میرسیم؟ بسیاری ها همان پرسش را میپرسند که جمعیت در روز پنتکست، زمانی که آنها به گناه محکوم شده بودند، فریاد زدند، "ما چه کنیم؟" اولین کلمه پاسخ پیتر این بود، "توبه کنید." اعمال 2:37، 38. در یک زمان دیگر، اندکی بعد، او گفت، "توبه کنید، ... و تبدیل شوید، تا گناهان شما پاک شود." اعمال 3:19.

توبه شامل غم و اندوه برای گناه و دور شدن از آن است. ما گناه را رها نخواهیم کرد مگر اینکه گناهکار بودن آنرا ببینیم؛ تا زمانی که ما در قلب

از آن دور نشویم، هیچ تغییر واقعی در زندگی وجود نخواهد داشت.

بسیاری وجود دارند که در درک ماهیت واقعی توبه ناکام میمانند. بسیاری از مردم غمگین اند که آنها گناه کرده اند و حتی یک اصلاح ظاهری را انجام میدهند بخاطریکه آنها میترسند که عمل نادرست آنها سبب رنج بر خود شان خواهد شد. مگر این به مفهوم کتاب مقدس توبه نیست. آنها به عوض گناه از رنج زاری میکنند. چنین غم و اندوه عیسو بود زمانیکه او دید که حق تولد برای همیشه از او از دست رفته است. بلعام، که از فرشته ای که با شمشیر کشیده شده در مسیر او ایستاده بود وحشت زده شده بود، گناه خود را اعتراف کرد که مبادا زندگی خود را از دست بدهد؛ مگر هیچ توبه واقعی برای

گناه، هیچ تغییر هدف، هیچ نفرت از شر وجود
نداشت. یهودا اسکریوت، بعد از خیانت به
پروردگارش، فریاد زد، "من گناه کرده ام که به
خون بی گناه خیانت کرده ام. " متی 27:4.

اعتراف از روح گناهکار او توسط یک حس
وحشتناک محکومیت و جستجوی ترسناک برای
قضاوت اجباری شد. عواقب که قرار بود برای
او بوجود بیاید او را با وحشت پر میکرد، مگر
هیچ غم عمیق و دلخراش در روح او وجود
نداشت، که او به پسر بی عیب خدا خیانت کرده
و مقدس اسرائیل را انکار کرده باشد. فرعون،
زمانیکه تحت قضاوت های خدا رنج میبرد،
گناه خود را تصدیق کرد تا از مجازات بیشتر
فرار کند، مگر به زودی که بلاها متوقف شد به
سرپیچی خود از بهشت برگشت. اینها همه از

نتایج گناه زاری کردند، مگر برای خود گناه
غمگین نبودند.

مگر زمانی که قلب به نفوذ روح خدا تسلیم
میشود، وجدان سریع خواهد شد، و گناهکار
چیزی از عمق و تقدس قانون مقدس خدا، اساس
حکومت او در بهشت و زمین را تشخیص
خواهد داد. "نور، که هر مردی را که به جهان
می آید روشن می کند"، اتاق های مخفی روح
را روشن می کند و چیزهای پنهان تاریکی
آشکار می شوند. یوحنا 1:9. اعتقاد ذهن و قلب
را در بر میگیرد. گناهکار یک حس صداقت
یهوه را دارد و وحشت ظاهر شدن را در گناه و
ناپاکی خود در مقابل جستجوگر قلب ها احساس
میکند. او عشق خدا، زیبایی تقدس، شادی پاکی

را میبیند؛ او آرزو دارد که پاک شود و به
ارتباط با بهشت برگردد.

دعای داود بعد از سقوط اش، ماهیت غم واقعی
برای گناه را توضیح میدهد. توبه او صادقانه و
عمیق بود. هیچ تلاشی برای تسکین گناه او
وجود نداشت؛ هیچ تمایل به فرار از قضاوت
تهدید نمیشد، دعای او را الهام بخشید. دیوید
عظمت تخلف خود را دید؛ او آلودگی روح خود
را دید؛ او از گناه خود متنفر بود. این فقط برای
بخشش نبود که او دعا کرد، بلکه برای پاکی
قلب بود. او مشتاق لذت تقدس بود—تا به
هماهنگی و ارتباط با خدا برگردانده شود. این
بود زبان روح او:

«خوشا به کسی که گنااهش بخشیده شده است،

که گناهش پوشانده شده است.
خوشا به حال آن مردی که پروردگار به او
بی عدالتی را محاسبه نمیکند،
و در روح کسیکه هیچ فریب وجود ندارد.
مزمور 32:1، 2.

«به من رحم کن، ای خدا، طبق
مهربانی تو:
نظر به کثرت لطیف تو
رحمت ها تخلفات من را پاک میکند....
زیرا من تخلفات خود را اعتراف می کنم: و من
گناه همیشه در پیش روی من است....
مرا با هیزوپ پاک کن، و من پاک خواهم شد:
مرا بشوی، و من از برف سفیدتر خواهم شد....
در من یک قلب پاک آفرید، ای خدا؛
و یک روحیه درست را در من تجدید کنید.

مرا از حضور خود دور نکن؛
و روح مقدس خود را از من نگیر.
شادی نجات خود را به من برگردان؛
و مرا با روح آزاد خود حمایت کن....
مرا از خونریزی نجات بده، ای خدا، تو
خدای نجات من:
و زبان من با صدای بلند از تو آواز خواهد
خواند

عدالت. مزمور 14-51:1.

یک توبه مانند این، فراتر از دسترس قدرت
خود ما برای انجام دادن آن است؛ این فقط از
مسیح بدست میاید، کسیکه به بالا رفت و به
انسان ها هدیه داده است.

فقط اینجا یک نقطه است که بسیاری ممکن در آن اشتباه کنند، و از اینرو آنها در دریافت کمک که مسیح میخواهد به آنها بدهد ناکام میمانند. آنها فکر میکنند که آنها نمیتوانند به مسیح بیایند مگر اینکه نخست توبه کنند، و توبه برای بخشش گناهان آنها آماده میسازد. این درست است که توبه قبل از بخشش گناهان است؛ بخاطریکه این فقط قلب شکسته و پشیمان است که نیاز به یک نجات دهنده را احساس خواهد کرد. مگر آیا گناهکار باید منتظر بماند تا زمانیکه توبه کند قبل از اینکه بتواند به عیسی بیاید؟ آیا توبه باید یک مانع بین گناهکار و نجات دهنده گردد؟

انجیل یاد نمیدهد که گناهکار باید توبه کند قبل از اینکه بتواند به دعوت مسیح گوش دهد، "به من بیایید، همه شما که زحمت کشیده اید و بار

سنگین دارید، و من به شما آرامش خواهم داد." متی 11:28. این فضیلت است که از مسیح بیرون می آید و منجر به توبه واقعی می شود. پیتر این موضوع را در بیانیه خود به اسرائیلیان واضح ساخت زمانیکه او گفت، "خداوند او را با دست راست خود به عنوان شاهزاده و نجات دهنده بالا برده است تا به اسرائیل توبه و بخشش گناهان بدهد." اعمال 5:31. ما بیشتر نمیتوانیم بدون روح مسیح برای بیدار کردن وجدان توبه کنیم طوریکه ما بدون مسیح میتوانیم بخشیده شویم.

مسیح منبع هر انگیزه درست است. او تنها کسی است که میتواند دشمنی علیه گناه را در قلب کاشته کند. هر خواهش برای حقیقت و پاکیزگی، هر اعتقاد به گناهکار بودن خود ما،

گواهی است که روح او بر قلب های ما حرکت می کند.

عیسی گفته است، "من، اگر از زمین بالا شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشاند." جان 12:32. مسیح باید به گناهکار منحیث نجات دهنده که برای گناهان جهان میمیرد آشکار گردد؛ و طوریکه ما بره خدا را روی صلیب کلواری میبینیم، راز رستگاری شروع به آشکار شدن در ذهن ما میکند و نیکی خدا ما را به توبه سوق میدهد. در مردن برای گناهکاران، مسیح یک عشق را که غیرقابل درک است نشان داد؛ و طوریکه گناهکار این عشق را میبیند، این قلب را نرم میکند، ذهن را متاثر میسازد، و در روح پشیمانی را الهام میبخشد.

این درست است که مردان بعضی اوقات از راه
های گناهکارانه شان شرمنده میشوند و بعضی
از عادت های شیطانی شان را قبل از اینکه
متوجه شوند که به مسیح کشیده میشوند دست
میکشند. مگر هر زمانیکه آنها تلاش میکنند تا
اصلاح کنند، از یک تمایل صادقانه برای انجام
دادن درست، این قدرت مسیح است که آنها را
به خود جلب میکند. یک تاثیر که آنها ناخودآگاه
هستند بالای روح کار میکند، و وجدان سریع
میشود، و زندگی ظاهری اصلاح میشود. و
طوری که مسیح آنها را میکشد تا به صلیب خود
نگاه کنند، تا او را که گناهان آنها سوراخ کرده
است ببینند، دستور به وجدان میرسد. شرارت
زندگی آنها، گناه عمیق روح، برای آنها آشکار
میشود. آنها شروع به درک چیزی از صداقت
مسیح میکنند و فریاد میزنند، "گناه چیست، که

باید چنین قربانی را برای رستگاری قربانی اش
نیاز داشته باشد؟ آیا تمام این عشق، تمام این
رنج، تمام این تحقیر، خواسته شده بود، تا ما از
بین نرویم، مگر زندگی ابدی داشته باشیم؟"

گناهکار ممکن در مقابل این عشق مقاومت کند،
ممکن از جذب شدن به مسیح خودداری کند؛
مگر اگر او مقاومت نکند او به عیسی کشیده
خواهد شد؛ دانش پلان نجات او را به پای
صلیب در توبه گناهان اش که سبب رنج های
پسر عزیز خدا شده است هدایت خواهد کرد.

همان ذهن الهی که روی چیزهای طبیعت کار
میکند با قلب های انسان ها صحبت میکند و
یک اشتیاق غیرقابل بیان را برای چیزی که آنها
ندارند ایجاد میکند. چیزهای دنیا نمیتواند اشتیاق

آنها را برآورده سازد. روح خدا از آنها التماس میکند تا در جستجوی آن چیزهایی باشند که فقط میتواند صلح و استراحت را بدهد—فضل مسیح، شادی تقدس. از طریق تاثیرات دیده و نادیده، نجات دهنده ما بشکل دوامدار در حال کار است تا ذهن انسان ها را از لذت های غیررضایت بخش گناه به نعمت های بی نهایت که ممکن در او باشد جذب کند. به تمام این روح ها، کسانی که بیهوده در جستجوی نوشیدن از مخزن های شکسته این جهان هستند، پیام الهی خطاب شده است، "بگذارید کسی که تشنه است بیاید. و هر کس بخواهد، آب زندگی را رایگان بگیرد. مکاشفه 22:17.

شما که در قلب تان آرزوی چیزی بهتر از چیزی را که این جهان میتواند بدهد، این اشتیاق

را به عنوان صدای خدا به روح خود بشناسید.
از او بخواهید تا به شما توبه بدهد، تا مسیح را
در عشق بی نهایت اش، در پاکی کامل اش به
شما آشکار سازد. در زندگی نجات دهنده اصول
قانون خدا – عشق به خدا و انسان – کاملاً مثال
داده شده بود. خیرخواهی، عشق بی خودی،
زندگی روح او بود. این طوری است که ما او
را میبینیم، طوری که نور از نجات دهنده ما
بالای ما میافتد، که ما گناهکار بودن قلب های
خود را میبینیم.

ما ممکن خود را چاپلوسی کرده باشیم، طوری که
نیکو دیموس انجام داد، که زندگی ما راست بوده
است، که شخصیت اخلاقی ما درست است، و
فکر میکنیم که ما نیازی به فروتن کردن قلب
در مقابل خدا نداریم، مانند گناهکار معمولی:

مگر زمانیکه نور از مسیح به ما میدرخشد روح
ها، ما خواهیم دید که ما چقدر ناپاک هستیم؛ ما
خودخواهی انگیزه، دشمنی علیه خدا را که هر
عمل زندگی را آلوده کرده است، تشخیص
خواهیم داد. بعد ما خواهیم دانست که عدالت
خود ما در حقیقت مانند پارچه های کثیف است،
و اینکه خون مسیح فقط میتواند ما را از آلودگی
گناه پاک کند، و قلب های ما را به شباهت خود
او تجدید کند.

یک شعاع جلال خدا، یک درخشش خلوص
مسیح، که در روح نفوذ میکند، هر نقطه آلودگی
را به طور دردناک متمایز میسازد، و ناهنجاری
و نواقص شخصیت انسان را آشکار میسازد.
این خواهشات نامقدس، خیانت قلب، ناخالصی
لب ها را آشکار میسازد. اعمال بی وفایی

گناهکار در باطل ساختن قانون خدا، در معرض دید او قرار میگیرد، و روح او تحت تاثیر جستجوگر روح خدا ضربه خورده و رنج میبرد. او از خود متنفر است زیرا او شخصیت خالص و بی نقص مسیح را می بیند.

زمانیکه دانیال پیامبر جلال پیرامون پیام آور آسمانی را که به او فرستاده شده بود دید، او با یک حس ضعف و نقص خود غرق شد. او در توضیح تاثیر صحنه شگفت انگیز میگوید، "هیچ قدرتی در من باقی نماند: زیرا زیبایی من در من به فساد تبدیل شد و من هیچ قدرتی را حفظ نکردم." دانیال 10:8. روح که اینگونه لمس شده است از خودخواهی خود نفرت خواهد کرد، از عشق به خود نفرت خواهد کرد و از طریق صداقت مسیح، خلوص قلب را که با

قانون خدا و شخصیت مسیح در هماهنگی است،
جستجو خواهد کرد.

پولس میگوید که من حیث "لمس کردن عدالت که
در قانون است"—تا آنجا که به اعمال ظاهری
مربوط میشد—او "بی عیب" بود (فیلیپیان
3:6)؛ مگر زمانیکه شخصیت روحانی قانون
تشخیص شد، او خود را یک گناهکار دید.

قضاوت شده توسط حرف قانون طوریکه مردان
آنها در زندگی ظاهری بکار میبرند، او از گناه
پرهیز کرده بود؛ مگر زمانیکه او به اعماق
احکام مقدس آن نگاه کرد، و خود را طوریکه
خدا او را میدید دید، او در ذلت تعظیم کرد و
گناه خود را اعتراف کرد. او میگوید، "من یک
بار بدون قانون زنده بودم: مگر زمانیکه فرمان
آمد، گناه زنده شد، و من مردم. " رومیان 7:9.

زمانیکه او ماهیت روحانی قانون را دید، گناه
در نفرت واقعی اش ظاهر شد، و عزت نفس او
از بین رفت.

خدا تمام گناهان را به اندازه مساوی نمی داند؛
در تخمین او و همچنان در تخمین انسان درجات
گناه وجود دارد؛ مگر هر چند که این یا آن عمل
نادرست در نظر انسان ها بی اهمیت به نظر
برسد، هیچ گناه در نظر خدا کوچک نیست.
قضاوت انسان جزئی، ناکامل است؛ مگر خدا
تمام چیزها را طوریکه واقعاً هستند تخمین
میکند. مست مورد تحقیر قرار میگیرد و به او
گفته میشود که گناه او او را از بهشت خارج
خواهد کرد؛ درحالیکه غرور، خودخواهی، و
طمع اغلب اوقات بدون سرزنش میمانند. مگر
این گناهان است که مخصوصاً برای خدا توهین

آمیز است؛ زیرا آنها برخلاف خیرخواهی
شخصیت او هستند، برخلاف آن عشق بی
خودی که خود فضای جهان سقوط نکرده است.
کسیکه در بعضی از گناهان فاحش سقوط میکند
ممکن یک حس شرم و فقر و نیاز خود به فیض
مسیح را احساس کند؛ مگر غرور هیچ نیازی
احساس نمیکند، و از اینرو این قلب را در مقابل
مسیح و برکات بی نهایت که او برای دادن آمده
است میبندد.

مالیه گیر بیچاره کسیکه دعا میکرد، "خداوند به
من گناهکار رحم کن" (لوقا 18:13)، خود را
یک مرد بسیار شریر میدانست، و دیگران به او
در همان نور نگاه میکردند؛ مگر او نیاز خود
را احساس کرد، و با بار گناه و شرم خود به
پیش خدا آمد و از او رحمت خواست. قلب او

برای روح خدا باز بود تا کار لطفی خود را
انجام دهد و او را از قدرت گناه آزاد کند. دعای
مغرورانه و خودخواهانه فریسی نشان داد که
قلب او در مقابل نفوذ روح القدس بسته شده
است. به دلیل دوری از خدا، برخلاف کمال
تقدس الهی، حسی از آلودگی خود نداشت. او
هیچ نیازی احساس نکرد و هیچ چیزی دریافت
نکرد.

اگر شما گناهکار بودن خود را میبینید، منتظر
نباشید تا خود را بهتر بسازید. چند نفر وجود
دارند که فکر میکنند آنها به اندازه کافی خوب
نیستند تا به مسیح بیایند. آیا شما توقع دارید که
از طریق تلاش های خودتان بهتر شوید؟ آیا
حبشی میتواند پوست خود را تغییر دهد، یا
پلنگ لکه های خود را؟ بعد شما همچنان

میتوانید خوب انجام دهید، کسانی که به انجام دادن بد عادت دارید. ارمیا 13:23. کمک برای ما فقط در خدا وجود دارد. ما نباید منتظر ترغیب های قوی تر، فرصت های بهتر یا خلق و خوی مقدس تر باشیم. ما از خود هیچ کاری کرده نمیتوانیم. ما باید طوریکه هستیم به مسیح بیاییم.

مگر اجازه ندهید هیچکس خود را با این فکر فریب دهد که خدا، در عشق و رحمت بزرگ اش، حتی رد کنندگان لطف خود را نجات خواهد داد. گناهکاری بیش از حد گناه فقط در روشنی صلیب تخمین شده میتواند. زمانی که مردان تشویق میکنند که خدا برای دور کردن گناهکار خیلی خوب است، بگذارید آنها به کالوری نگاه کنند. این به علت این بود که هیچ

راه دیگری وجود نداشت که در آن انسان نجات یابد، بخاطریکه بدون این قربانی برای نسل بشر ناممکن بود تا از قدرت ناپاک گناه فرار کند، و به ارتباط با موجودات مقدس برگردد،—برای آنها دوباره ناممکن بود شریک زندگی روحانی شوید،—این به علت این بود که مسیح گناه نافرمان را بر عهده گرفت و به جای گناهکار رنج برد. عشق و رنج و مرگ پسر خدا همه به عظمت وحشتناک گناه گواهی میدهند و اعلام میکنند که هیچ راه فراری از قدرت آن وجود ندارد، هیچ امیدی به زندگی بالاتر وجود ندارد، مگر از طریق تسلیم شدن روح به مسیح.

توبه کنندگان بعضی اوقات خود را با گفتن در مورد عیسویان معتبر بهانه میکنند، "من به اندازه آنها خوب هستم. آنها در رفتار خود بیشتر

از من خود انکار، هوشیار یا محتاط نیستند. آنها لذت و خودخواهی را همانند من دوست دارند. به این ترتیب آنها عیب های دیگران را بهانه ای برای غفلت از وظیفه خود می سازند. مگر گناهان و نواقص دیگران هیچکس را عفو نمیکند، بخاطریکه پروردگار یک الگوی گمراه کننده انسانی را به ما نداده است. پسر بی نقص خدا به عنوان مثال ما داده شده است، و آنهاییکه از مسیر نادرست عیسویان ادعا شده شکایت میکنند آنهایی هستند که باید زندگی های بهتر و مثال های نجیب را نشان دهند. اگر آنها یک مفهوم خیلی بالا در مورد اینکه یک عیسوی باید چه باشد داشته باشند، آیا گناه خود شان خیلی بزرگتر نیست؟ آنها میدانند که چه درست است، و با این حال از انجام دادن آن امتناع میورزند.

مراقب تعلل باشید. کار ترک گناهان تان و جستجوی خلوص قلب از طریق عیسی را کنار نگذارید. اینجا جایبست که هزاران نفر به از دست دادن ابدی خود اشتباه کرده اند. من اینجا روی کوتاهی و تردید زندگی تمرکز نخواهم کرد؛ مگر یک خطر وحشتناک وجود دارد—یک خطر که به اندازه کافی درک نشده است—در تاخیر در تسلیم شدن به صدای التماس کننده روح القدس خدا، در انتخاب کردن برای زندگی کردن در گناه؛ برای چنین این تاخیر واقعاً است. گناه، هر چند که کوچک محسوب گردد، فقط در خطر از دست دادن بی نهایت میتواند در آن غرق گردد. چیزی که ما بر آن غلبه نمیکنیم، بر ما غلبه خواهد کرد و تخریب ما را انجام خواهد داد.

آدم و حوا خود را متقاعد کردند که در یک موضوع کوچک مانند خوردن میوه ممنوعه نمیتواند چنین عواقب وحشتناک را که خدا اعلام کرده بود بوجود بیاورد. اما این امر کوچک تجاوز از شریعت غیرقابل تغییر و مقدس خدا بود و انسان را از خدا جدا کرد و دروازه های سیلاب مرگ و وای ناگفته را بر جهان ما گشود. سن به سن یک فریاد دوامدار سوگواری از زمین ما بالا رفته است، و تمام خلقت در نتیجه نافرمانی انسان با هم در درد ناله و زایمان میکند. بهشت خود اثرات شورش او را علیه خدا احساس کرده است. کلواری به عنوان یک یادبود از قربانی شگفت انگیز مورد نیاز برای کفاره تخلف از قانون الهی ایستاده است.

بیا باید گناه را به عنوان یک چیز بی اهمیت تلقی نکنیم.

هر عمل تخلف، هر بی توجهی یا رد کردن فیض مسیح، به خود تان واکنش نشان میدهد؛ این قلب را سخت میکند، اراده را خراب میکند، درک را بی حس میکند، و نه تنها شما را کمتر تمایل به تسلیم شدن دارد، بلکه کمتر قادر به تسلیم شدن به التماس لطیف روح القدس خدا میسازد.

بسیاری ها وجدان پریشان را با این فکر که آنها میتوانند زمانیکه بخواهند یک مسیر شر را تغییر دهند، آرام میکنند. که آنها میتوانند با دعوت های رحمت بازی کنند، و در عین حال بارها و بارها متاثر شوند. آنها فکر میکنند که

بعد از انجام دادن با وجود روح فیض، بعد از انداختن نفوذ خود در طرف شیطان، در یک لحظه افراط و حشمتناک آنها میتوانند مسیر خود را تغییر دهند. مگر این به آسانی انجام نمیشود. تجربه، آموزش، یک زندگی، شخصیت را چنان کاملاً شکل داده است که تعداد کمی بعداً میخواهند تصویر عیسی را دریافت کنند.

حتی یک ویژگی اشتباه شخصیت، یک خواهش گناهکار، که بشکل دوامدار گرامی داشته میشود، بالاخره تمام قدرت انجیل را خنثی خواهد کرد. هر اغراق گناه آمیز نفرت روح را از خدا تقویت میبخشد. مردی که یک سختی کافری را نشان میدهد، یا یک بی تفاوتی سرسخت به حقیقت الهی، فقط حاصل چیزی را که خودش کاشته است درو میکند. در تمام کتاب

مقدس هیچ هشدار ترسناک تر در مورد بی اهمیت ساختن با شر وجود ندارد نسبت به کلمات مرد عاقل که گناهکار "با ریسمان های گناهان خود گرفته خواهد شد." امثال 5:22.

مسیح آماده است تا ما را از گناه آزاد کند، مگر او اراده را مجبور نمیسازد؛ و اگر با تخلف دوامدار خود اراده کاملاً به شر متمرکز باشد، و ما نمیخواهیم که آزاد شویم، اگر ما لطف او را قبول نکنیم، او چه بیشتر میتواند انجام دهد؟ ما خود را با رد کردن مصمم عشق او نابود کرده ایم. "ببینید، حالا زمان قبول شده است؛ ببینید، حالا روز نجات است." امروز اگر شما صدای او را میشنوید، قلب های تان را سخت نکنید. "2 کورینتیان 6:2؛ عبرانیان 3:7، 8.

"انسان به ظاهر ظاهری نگاه میکند، مگر
خداوند به قلب نگاه میکند"—قلب انسان، با
احساسات متضاد شادی و غم اش؛ قلب
سرگردان و سرکش، که محل سکونت این همه
ناخالصی و فریب است. 1 ساموئل 16:7. او
انگیزه ها، مقاصد و مقاصد آنرا میداند. با روح
خود که همه چیز لکه دار است به سوی او
بروید. مانند زبور نویس، اتاق های خود را به
چشم همه بیننده باز کند و فریاد بزند، "ای خدا،
مرا جستجو کن، و قلب من را بشناس: مرا
آزمایش کن، و افکار من را بشناس: و ببین که
آیا در من راه شیطانی وجود دارد، و هدایت کن
من در راه ابدی. مزمور 139:23، 24.

بسیاری ها یک دین فکری را قبول میکنند، یک
نوع خداپرستی، زمانیکه قلب پاک نشده باشد.

بگذارید این دعای شما باشد، "ای خدا، در من
یک قلب پاک ایجاد کن؛ و یک روحیه درست
را در من تجدید کنید. مزمور 51:10. واقعاً با
روح خود تان برخورد کنید. به اندازه که اگر
زندگی فانی شما در خطر بود، جدی و پایدار
باشید. این یک موضوع است که باید بین خدا و
روح خود تان حل گردد، که برای ابدیت حل
گردد. یک امید فرضی، و هیچ چیز بیشتر،
ویرانی شما را ثابت خواهد کرد.

کلام خدا را با دعا مطالعه کنید. آن کلمه در
قانون خدا و زندگی مسیح، اصول بزرگ تقدس
را که بدون آن "هیچ کس خداوند را نخواهد
دید" در مقابل شما ارائه می دهد. عبرانیان
12:14. این گناه را متقاعد میسازد؛ این واضحاً
راه نجات را آشکار میسازد. به آن به عنوان

صدای خدا که با روح شما صحبت میکند توجه کنید.

طوری که شما عظمت گناه را میبینید، طوری که شما خود را طوری که واقعاً هستید میبینید، به ناامیدی تسلیم نشوید. این گناهکاران بودند که مسیح برای نجات آنها آمد. ما نباید خدا را با خود آشتی دهیم، مگر—ای عشق شگفت انگیز!—خدا در مسیح "جهان را با خود آشتی میدهد." 2 کورینتیان 5:19. او با عشق ملایم خود قلب های فرزندان گمراه خود را جذب می کند. هیچ پدر و مادر زمینی نمیتواند در مقابل اشتباهات و اشتباهات اطفال خود به اندازه خدا صبور باشد، طوری که خدا با آنها یکی که او در جستجوی نجات آنها است است. هیچکس نمیتوانست با متخلف بیشتر از این التماس کند.

هیچ لب انسانی هیچگاه التماس های ملایم تر از او را به سرگردان ریخته است. تمام وعده های او، هشدارهای او، فقط نفس کشیدن عشق غیرقابل بیان است.

زمانیکه شیطان میاید تا به شما بگوید که شما یک گناهکار بزرگ هستید، به فدایی تان نگاه کنید و در مورد شایستگی های او صحبت کنید. چیزی که به شما کمک خواهد کرد این است که به نور او نگاه کنید. گناه خود را تصدیق کنید، مگر به دشمن بگویید که "مسیح عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات دهد" و شما ممکن توسط عشق بی نظیر او نجات یابید. 1 تیموتی 1:15. عیسی از سیمون یک پرسش در مورد دو بدهکار پرسید. یکی به پروردگار خود یک مبلغ کوچک مدیون بود، و دیگری به او یک

مبلغ بسیار بزرگ مدیون بود؛ مگر او هر دوی
آنها را بخشید، و مسیح از سیمون پرسید که
کدام مدیون پروردگار خود را بیشتر دوست
خواهد داشت. سیمون پاسخ داد، "آن کسیکه
بیشترین پول را به او بخشیده است. " لوقا
7:43. ما گناهکاران بزرگ بوده ایم، مگر
مسیح فوت کرد تا ما بخشیده شویم. شایستگی
های قربانی او برای ارائه کردن به پدر از
طرف ما کافی است. آنهاییکه او بیشتر آنها را
بخشیده است او را بیشتر دوست خواهند داشت،
و به تخت او نزدیک خواهند بود تا او را برای
عشق بزرگ و فداکاری بی نهایت اش ستایش
کنند. این زمانی است که ما عشق خدا را کاملاً
درک میکنیم که ما گناهکار بودن گناه را به
بهترین وجه درک میکنیم. زمانیکه ما طول
زنجیر را که برای ما رها شده است میبینیم،

زمانیکه ما چیزی از قربانی بی نهایت که مسیح
از طرف ما انجام داده است درک میکنیم، قلب
با لطافت و پشیمانی ذوب میشود.

فصل 4—اعتراف

"کسیکه گناهان خود را بپوشاند موفق نخواهد شد: مگر هر کسی که اعتراف کند و آنها را ترک کند رحم خواهد کرد. " امثال 28:13.

شرایط بدست آوردن رحمت خداوند ساده و عادلانه و معقول است. خداوند از ما نمیخواهد که یک کار سنگین را انجام دهیم تا بتوانیم بخشش گناه را داشته باشیم. ما نیازی به زیارت های طولانی و خسته کننده نداریم، یا توبه های دردناک انجام دهیم، تا روح خود را به خدای بهشت تقدیم کنیم یا تخلف خود را کفاره کنیم؛ مگر کسیکه اعتراف میکند و گناه خود را ترک میکند رحم خواهد کرد.

رسول میگوید، "گناه های خود را به یکدیگر
اعتراف کنید، و برای یکدیگر دعا کنید تا شما
شفا یابید. " جیمز 5:16. گناهان خود را به خدا
اعتراف کنید، کسیکه فقط میتواند آنها را ببخشد،
و اشتباهات خود را به یکدیگر اعتراف کنید.
اگر شما به دوست یا همسایه تان توهین کرده
اید، شما باید اشتباه خود را تصدیق کنید، و این
وظیفه او است که شما را آزادانه ببخشد. بعد
شما باید از خدا بخشش بخواهید، بخاطریکه
برادری که شما زخمی کرده اید ملکیت خدا
است، و در زخمی کردن او شما در مقابل خالق
و فدایی اش گناه کرده اید. این قضیه به یگانه
میانجی واقعی، کاهن بزرگ ما، کسیکه "در
تمام نقاط مانند ما وسوسه شده بود، مگر بدون
گناه" و کسیکه "با احساس ضعف های ما لمس

شده است" و قادر به پاک کردن است، آورده شده است از هر لکه شرارت. عبرانیان 4:15.

کسانی که در اعتراف به گناه خود نفس خود را در برابر خداوند فروتن نکرده اند، هنوز شرط اول مقبولیت را برآورده نکرده اند. اگر ما آن توبه را که نباید از آن توبه کرد تجربه نکرده باشیم، و با تحقیر واقعی روح و شکستگی روح گناهان خود را اعتراف نکرده باشیم، و از گناه خود نفرت داشته باشیم، ما هیچگاه واقعاً در جستجوی بخشش گناه نبوده ایم؛ و اگر ما هیچگاه جستجو نکرده باشیم، ما هیچگاه صلح خدا را نیافته ایم. یگانه دلیل که چرا ما بخشش گناهان گذشته را نداریم این است که ما حاضر نیستیم قلب های خود را فروتن کنیم و به شرایط کلام حق پیروی کنیم. در مورد این موضوع

دستور العمل های صریح داده شده است.
اعتراف به گناه، چه علنی و چه خصوصی، باید
صمیمانه و آزادانه بیان شود. این از گناهکار
تشویق نشده است. این نباید به یک شیوه بی
پروا و بی احتیاط ساخته شود، یا از آنهاییکه
هیچ حس درک کننده از شخصیت نفرت انگیز
گناه ندارند اجبار گردد. اعتراف که تراوش
باطنی ترین روح است راه خود را به خدای
ترحم بیکران می یابد. زبور نویس میگوید،
"خداوند به آنهاییکه قلب شکسته دارند نزدیک
است؛ و کسانی را که روح پشیمان دارند نجات
میدهد. مزمور 34:18.

اعتراف واقعی همیشه دارای یک شخصیت
مشخص است، و گناهان مشخص را تصدیق
میکند. آنها ممکن از چنین ماهیتی باشند که فقط

در مقابل خدا آورده شوند؛ آنها ممکن اشتباهات باشند که باید به افرادی که از طریق آنها آسیب دیده اند اعتراف گردد؛ یا آنها ممکن دارای شخصیت عامه باشند، و بعد باید بشکل عام اعتراف گردد. مگر تمام اعترافات باید قطعی و به نقطه باشد، با تصدیق کردن گناهان که شما در آن گناهکار هستید.

در روزهای سامویل اسرائیلی ها از خدا دور شدند. آنها از عواقب گناه رنج میبردند؛ بخاطریکه آنها ایمان خود را به خدا از دست داده بودند، تشخیص قدرت و حکمت او را برای حکومت کردن بر ملت از دست داده بودند، اعتماد خود را در توانایی او در دفاع و توجیه قضیه او از دست داده بودند. آنها از حاکم بزرگ جهان روی آوردند و میخواستند که مانند

ملت های اطراف شان اداره شوند. قبل از اینکه آنها صلح پیدا کنند آنها این اعتراف قطعی را انجام دادند: "ما به تمام گناهان خود این شر را اضافه کرده ایم، تا از ما یک پادشاه بخواهیم." 1 ساموئل 12:19. گناه که آنها به آن محکوم شده بودند باید اعتراف میکردند. ناسپاسی آنها روح آنها را تحت ستم قرار داد و آنها را از خدا جدا کرد.

اعتراف بدون توبه صادقانه و اصلاح نزد خداوند مقبول نخواهد بود. باید تغییرات تصمیم گیرانه در زندگی وجود داشته باشد؛ هر چیزی که برای خدا توهین آمیز است باید دور انداخته شود. این نتیجه غم واقعی برای گناه خواهد بود. کار که ما باید از طرف خود انجام دهیم واضحاً در مقابل ما قرار دارد: "شما را بشوید، شما را

پاک کنید؛ بد اعمال خود را از جلوی چشمان
من دور کنید؛ از انجام دادن بد دست بردارید؛
یاد بگیرید که خوب انجام دهید؛ قضاوت را
جستجو کنید، مظلوم را تخفیف دهید، یتیم ها را
قضاوت کنید، برای بیوه زن التماس کنید. اشعیا
1:16، 17. "اگر شریر وثیقه را بازگرداند،
آنچه را که او سرقت کرده بود دوباره بدهد،
بدون مرتکب گناه در قوانین زندگی قدم بزند؛
او یقیناً زندگی خواهد کرد، او نخواهد مرد.
حزقیال 33:15. پولس میگوید، در مورد کار
توبه صحبت میکند: "شما بعد از یک نوع
خدایی غمگین شدید، چه احتیاطی در شما ایجاد
کرد، آره، چه پاکسازی خودتان، آری، چه
خشم، آری، چه ترس، آری، چه خواهش شدید،
آری، چه غیرت، آره، چه انتقام! در تمام چیزها

شما خود را تایید کرده اید که در این مورد
واضح باشید. 2 کورینتیان 7:11.

زمانیکه گناه ادراک اخلاقی را از بین میبرد،
مجرم نه نواقص شخصیت خود را تشخیص
میدهد و نه عظمت شرارت را که مرتکب شده
است درک میکند؛ و تا زمانیکه او به قدرت
محکوم کننده روح القدس تسلیم نشود او در
کوری جزئی در مقابل گناه خود باقی میماند.
اعترافات او صادقانه و جدی نیست. به هر
تصدیق گناه خود او یک عذرخواهی را به بهانه
کورس خود اضافه میکند و اعلام میکند که اگر
این برای شرایط معین نبود او این کار را انجام
نمیداد یا آن را که بخاطر آن سرزنش شده است.

بعد از اینکه آدم و حوا از میوه ممنوعه خوردند، آنها با یک حس شرم و وحشت پر شدند. در ابتداء تنها فکر آنها این بود که چگونه گناه خود را عفو کنند و از مجازات وحشتناک مرگ فرار کنند. زمانیکه خداوند در مورد گناه آنها پرسید، آدم پاسخ داد، گناه را تا حدی بالای خدا و تا حدی بالای همدم اش گذاشت: "زنی که تو او را دادی تا با من باشد، او به من از درخت داد، و من خوردم." زن ملامت را بر دوش مار گذاشت و گفت: «مار مرا فریب داد و من خوردم». پیدایش 3:12، 13. چرا شما مار را ساختید؟ چرا شما به او اجازه دادید تا به عدن بیاید؟ این پرسش های بود که در بهانه او برای گناه اش ضمنی بود، از اینرو خدا را مسئولیت سقوط آنها متهم میکرد. روحیه خود توجیه از پدر دروغ سرچشمه گرفته و توسط تمام پسران

و دختران آدم به نمایش گذاشته شده است.
اعترافات این نظم توسط روح الهی الهام نشده
است و برای خدا قابل قبول نخواهد بود. توبه
واقعی سبب خواهد شد تا انسان گناه خود را
خودش تحمل کند و بدون فریب یا ریاکاری به
آن اعتراف کند. مانند مالیه گیرنده بیچاره، که
چشمانش را به آسمان بالا نمیکند، او فریاد
خواهد زد، "خداوند به من گناهکار رحم کن،"
و آنهاییکه گناه خود را تصدیق میکنند توجیه
خواهند شد، بخاطریکه عیسی خون خود را به
نفع روح توبه کننده.

مثال های در کلام خدا توبه و ذلت واقعی یک
روحیه اعتراف را آشکار میسازد که در آن هیچ
بهانه ای برای گناه یا تلاش برای توجیه خود
وجود ندارد. پولس در جستجوی محافظت از

خود نبود؛ او گناه خود را در تاریک ترین
رنگ آن نقاشی میکند، نه اینکه تلاش کند گناه
خود را کاهش دهد. او میگوید، "من بسیاری از
مقدسین را در زندان زندانی کردم، زیرا از
کاهنان ارشد صلاحیت دریافت کرده بودم؛ و
زمانیکه آنها اعدام شدند، من صدای خود را
علیه آنها دادم. و من آنها را بارها در هر کنیسه
مجازات کردم و آنها را مجبور به کفر کردن
کردم؛ و اینکه علیه آنها خیلی عصبانی بودم،
آنها را حتی تا شهر های غریبه آزار و اذیت
کردم. اعمال 10:26، 11. او در اعلام کردن
اینکه "مسیح عیسی برای نجات گناهکاران به
جهان آمد؛ که من رئیس آنها هستم. 1 تیموتی
1:15.

قلب فروتن و شکسته، که توسط توبه واقعی فرو
رفته است، چیزی از عشق خدا و هزینه
کالواری را درک خواهد کرد؛ و طوریکه یک
پسر به یک پدر دوست داشتنی اعتراف میکند،
همچنان یک توبه کننده واقعاً تمام گناهان خود
را در مقابل خدا خواهد آورد. و این نوشته شده
است، "اگر ما به گناهان خود اعتراف کنیم، او
وفادار و عادل است تا گناهان ما را ببخشد، و
ما را از هر ناعادلانه پاک کند." 1 یوحنا 1:9.

فصل 5—تقدیس

و عده خدا این است، "شما مرا جستجو خواهید کرد، و مرا خواهید یافت، زمانیکه شما مرا با تمام قلب تان جستجو کنید." ارمیا 29:13.

تمام قلب باید به خدا تسلیم گردد، در غیر آن تغییر هیچگاه در ما ایجاد شده نمیتواند که توسط آن ما باید به شباهت او برگردانده شویم. ما توسط طبیعت از خدا بیگانه هستیم. روح القدس وضعیت ما را با کلمات مانند این تشریح میکند: "در تخلفات و گناهان مرده؛" "تمام سر مریض است، و تمام قلب بیهوش است؛" "هیچ صدا در آن وجود ندارد." ما در دام شیطان محکم نگهداشته شده ایم، "توسط او به اراده خود اسیر گرفته شده ایم." افسسیان 2:1؛ اشعیا 1:5، 6؛ 2 تیموتی 2:26. خدا میخواهد ما را شفا دهد، تا ما

را آزاد سازد. مگر بخاطریکه این نیاز به یک
تغییر کامل دارد، یک تجدید تمام طبیعت ما، ما
باید خود را کاملاً به او تسلیم کنیم.

جنگ علیه خود بزرگترین جنگ است که تا
حالا جنگیده شده است. تسلیم شدن خود، تسلیم
کردن همه چیز به اراده خدا، نیاز به یک
مبارزه دارد؛ مگر روح باید به خدا تسلیم شود
قبل از اینکه در تقدس تجدید گردد.

دولت خدا، طوریکه شیطان آنرا نشان میدهد،
بر اساس یک تسلیم کور، یک کنترل
غیرمنطقی استوار نیست. این به عقل و وجدان
توسل میکند. "حالا بیایید، و بیایید با هم استدلال
کنیم" دعوت خالق به موجوداتی است که او
آفریده است. اشعیا 1:18. خداوند اراده مخلوقات

خود را به زور نمیکند. او نمیتواند یک احترام را که با رضایت و هوشمندانه داده نشده باشد قبول کند. یک تسلیم اجباری ساده از تمام انکشاف واقعی ذهن یا شخصیت جلوگیری میکند؛ این انسان را به یک اتومات ساده تبدیل خواهد کرد. این هدف خالق نیست. او میخواهد که انسان، کار تاج گذاری قدرت خلاق او، به بالاترین پیشرفت ممکن برسد. او اوج برکت را که میخواهد ما را از طریق فیض خود به آن برساند، در مقابل ما قرار میدهد. او از ما دعوت میکند تا خود را به او بدهیم، تا او اراده خود را در ما انجام دهد. این برای ما باقی میماند تا انتخاب کنیم که آیا ما از بند گناه آزاد خواهیم شد یا خیر، تا آزادی باشکوه پسران خدا را شریک سازیم.

در دادن خود به خدا، ما باید لزوماً از همه چیز که ما را از او جدا میکند دست بکشیم. از اینرو نجات دهنده میگوید، "هر کسی از شما باشد که تمام چیزی که دارد را ترک نکند، او نمیتواند شاگرد من باشد." لوقا 14:33. هر چیزی که قلب را از خدا دور کند باید ترک شود. مامون بت بسیاری است. عشق به پول، تمایل به ثروت، زنجیره طلایی است که آنها را به شیطان میندد. شهرت و عزت دنیوی توسط یک طبقه دیگر پرستش میشود. زندگی آسانی خودخواهانه و رهایی از مسئولیت بت دیگران است. مگر این گروه های برده داری باید شکسته شوند. ما نمیتوانیم نصف پروردگار و نصف جهان باشیم. ما اولاد خدا نیستیم مگر اینکه ما کاملاً چنین باشیم.

کسانی هستند که ادعا میکنند به خدا خدمت میکنند، درحالیکه آنها روی تلاش های خود شان برای اطاعت از قانون او، برای تشکیل یک شخصیت درست، و تأمین نجات اتکاء میکنند. قلب های آنها توسط هیچ حس عمیق عشق مسیح حرکت نمیکند، مگر آنها در جستجوی انجام وظایف زندگی عیسوی هستند طوریکه خدا از آنها برای بدست آوردن بهشت میخواهد. چنین دینی هیچ ارزشی ندارد. زمانیکه مسیح در قلب زندگی میکند، روح چنان پر از عشق او، با لذت ارتباط با او خواهد شد، که به او بچسبید؛ و در تفکر او، خود فراموش خواهد شد. عشق به مسیح چشمه عمل خواهد بود. آنهاييکه عشق محدود کننده خدا را احساس میکنند، نمیپرسند که چقدر کم ممکن برای برآورده ساختن شرایط خدا داده شود؛ آنها

پایین ترین معیار را نمیخواهند، مگر هدف شان
انطباق کامل با اراده فدایی شان است. با میل
جدی آنها همه چیز را تسلیم میدهند و یک علاقه
متناسب با ارزش شی که آنها در جستجوی آن
هستند را نشان میدهند. یک مسلک مسیح بدون
این عشق عمیق فقط صحبت کردن، رسمیت
خشک، و زحمت سنگین است.

آیا شما احساس میکنید که این یک قربانی خیلی
بزرگ است تا همه چیز را به مسیح تسلیم کنید؟
از خود بپرسید، "مسیح برای من چه داده
است؟" پسر خدا همه چیز را—زندگی و عشق
و رنج—برای رستگاری ما داد. و آیا این
ممکن است که ما، اشیای بی ارزش عشق
بزرگ، قلب های خود را از او دریغ کنیم؟ هر
لحظه زندگی ما شریک برکات فیض او بوده

ایم، و به همین دلیل ما نمیتوانیم عمق جهالت و بدبختی را که از آن نجات یافته ایم کاملاً درک کنیم. آیا ما میتوانیم به کسی که گناهان ما او را سوراخ کرده است نگاه کنیم، و با وجود تمام عشق و فداکاری او حاضر به انجام آن باشیم؟ با توجه به ذلت بی نهایت پروردگار جلال، آیا ما باید زمزمه کنیم زیرا ما فقط از طریق درگیری و خودخواهی میتوانیم وارد زندگی شویم؟

پرس و جو بسیاری از قلب های مغرور این است، "چرا من باید در توبه و تحقیر بروم قبل از اینکه بتوانم اطمینان از پذیرش خود را با خدا داشته باشم؟" من شما را به مسیح اشاره میکنم. او بی گناه بود، و بیشتر از این، او شاهزاده بهشت بود؛ مگر از طرف انسان او برای نژاد گناه شد. "او در بین متخلفین شماره گذاری شده

بود؛ و او گناه بسیاری را به دوش کشید و برای متخلفین شفاعت کرد. اشعیا 53:12.

مگر ما از چه چیزی دست میکشیم، زمانی که همه چیز را می‌دهیم؟ یک قلب آلوده به گناه، برای عیسی تا پاک کند، تا توسط خون خود پاک گردد، و تا توسط عشق بی نظیر اش نجات یابد. و با این حال مردان فکر میکنند که رها کردن همه چیز سخت است! من از شنیدن اینکه در مورد آن صحبت شده است شرمنده ام، از نوشتن آن شرمنده ام.

خدا از ما نمیخواهد که از چیزی که حفظ کردن آن به نفع ما باشد دست بکشیم. در تمام چیزی که او انجام می‌دهد، او سلامتی اطفال خود را در نظر دارد. آیا تمام کسانی که مسیح را انتخاب

نکرده اند ممکن درک کنند که او چیزی خیلی
بهتر از آنچه که آنها برای خود جستجو میکنند
برای آنها ارائه میکند. انسان زمانی بزرگترین
صدمه و ظلم را به نفس خود می زند که
برخلاف اراده خداوند فکر و عمل می کند. هیچ
شادی واقعی در مسیر ممنوع شده توسط کسیکه
میداند چه بهترین است و کسیکه برای خیر
مخلوقات اش برنامه ریزی میکند یافت شده
نمیتواند. راه فسق راه بدبختی و نابودی است.

این یک اشتباه است که این فکر را سرگرم کنیم
که خدا از دیدن رنج بردن اولاد هایش خرسند
است. تمام بهشت به سعادت انسان علاقه دارد.
پدر بهشتی ما راه های شادی را به هیچ یک از
مخلوقات خود نمی بندد. شرایط الهی از ما
میخواهد تا از آن لذت های که رنج و ناامیدی را

به ارمغان میآورد، که دروازه خوشبختی و بهشت را به ما میبندد، دوری کنیم. فدایی جهان مردان را طوریکه هستند، با تمام خواسته ها، نقص ها، و ضعف های شان قبول میکند؛ و او نه تنها از گناه پاک خواهد کرد و از طریق خون خود نجات خواهد داد، بلکه اشتیاق قلبی همه کسانی را که موافقت می کنند یوغ او را بیپوشند، تا بار او را تحمل کنند، برآورده خواهد کرد. این هدف او است تا به همه کسانی که برای نان زندگی به او می آیند، صلح و استراحت بدهد. او از ما میخواهد تا فقط آن وظایف را انجام دهیم که قدم های ما را به ارتفاعات سعادت که نافرمان هیچگاه نمیتواند به آن برسد هدایت خواهد کرد. زندگی واقعی و شاد روح این است که مسیح در درون اش شکل گرفته باشد، امید جلال.

بسیاری ها میپرسند، "من چگونه میتوانم خود را به خدا تسلیم کنم؟" شما میخواهید که خود را به او بدهید، مگر شما در قدرت اخلاقی، در بردگی شک، و توسط عادت های زندگی گناه تان کنترل شده اید. وعده ها و مصوبات شما مانند طناب های ریگ است. شما نمیتوانید افکار، انگیزه ها، و محبت های تانرا کنترل کنید. دانش وعده های شکسته و تعهدات از دست رفته شما اعتماد شما را در صداقت خود تضعیف میکند و سبب میگردد تا شما احساس کنید که خدا شما را قبول کرده نمیتواند؛ مگر شما نیازی به ناامیدی ندارید. چیزی که شما باید بدانید نیروی واقعی اراده است. این قدرت حاکم در ذات انسان است، قدرت تصمیم گیری، یا انتخاب. همه چیز به عمل درست اراده بستگی

دارد. قدرت انتخاب که خدا به مردان داده است؛ این از آنها است که ورزش کنند. شما نمیتوانید قلب خود را تغییر دهید، شما نمیتوانید از خود تان محبت های آنرا به خدا بدهید؛ مگر شما میتوانید انتخاب کنید که به او خدمت کنید. شما میتوانید اراده خود را به او بدهید؛ او بعد در شما کار خواهد کرد تا بخواهید و نظر به رضایت خوب او انجام دهید. از اینرو تمام طبیعت شما تحت کنترل روح مسیح آورده خواهد شد؛ محبت های شما روی او متمرکز خواهد بود، افکار شما با او در هماهنگی خواهد بود.

خواسته های خوبی و تقدس تا آنجا که میروند درست است؛ مگر اگر شما اینجا توقف کنید، آنها هیچ فایده ای نخواهند داشت. بسیاری از

آنها در حالیکه امیدوار و میخواهند که عیسوی باشند از دست خواهند رفت. آنها به حدی نمی رسند که اراده را به خدا تسلیم کنند. آنها حالا انتخاب نمیکنند که عیسوی باشند.

از طریق استفاده درست اراده، یک تغییر کامل ممکن در زندگی شما ایجاد گردد. با تسلیم کردن اراده خود به مسیح، شما خود را با قدرتی که بالاتر از تمام سلطنت ها و قدرت ها است متحد می کنید. شما از بالا قدرت خواهید داشت تا شما را ثابت نگه دارد، و از اینرو از طریق تسلیم شدن دوامدار به خدا شما قادر به زندگی جدید، حتی زندگی ایمان خواهید بود.

فصل 6—ایمان و پذیرش

طوری‌که وجدان شما توسط روح القدس زنده شده است، شما چیزی از شر گناه، قدرت آن، گناه آن، وای آن را دیده اید؛ و شما به آن با نفرت نگاه میکنید. شما احساس میکنید که گناه شما را از خدا جدا کرده است، که شما در بند قدرت شر هستید. هر چه بیشتر برای فرار تلاش کنید، بیشتر به ناتوانی خود پی می‌برید. انگیزه‌های شما ناپاک است؛ قلب شما ناپاک است. شما میبینید که زندگی شما با خودخواهی و گناه پر شده است. شما آرزو میکنید که بخشیده شوید، پاک شوید، آزاد شوید. هماهنگی با خدا، شباهت به او—شما برای بدست آوردن آن چه میتوانید انجام دهید؟

این صلح است که شما نیاز دارید—بخشش
بهشت و صلح و عشق در روح. پول نمیتواند
آنها خریداری کند، عقل نمیتواند آنها تهیه کند،
حکمت نمیتواند به آن برسد؛ شما هیچگاه
نمیتوانید با تلاش های خودتان امیدوار باشید که
آنها تأمین کنید. مگر خدا آنها به شما منحیث
یک هدیه، "بدون پول و بدون قیمت" ارائه
میکند. اشعیا 55:1. این از شما است اگر شما
بخواهید دستتان را دراز کنید و آنها بگیرید.
خداوند میگوید، "اگرچه گناهان شما مانند سرخ
باشد، آنها مانند برف سفید خواهند بود؛
درحالیکه آنها مانند قرمز سرخ باشند، آنها مانند
پشم خواهند بود. اشعیا 1:18. "من به شما یک
قلب جدید خواهم داد، و یک روح جدید را در
شما خواهم گذاشت. " حزقیال 36:26.

شما گناهان خود را اعتراف کرده اید، و در قلب
آنها را کنار گذاشته اید. شما تصمیم گرفته اید
که خود را به خدا بدهید. حالا به او بروید، و
بخواهید که او گناهان شما را بشوید و به شما
یک قلب جدید بدهد. بعد باور کنید که او این کار
را انجام میدهد بخاطریکه او وعده داده است.
این درسی است که عیسی زمانیکه روی زمین
بود تدریس کرد، که هدیه که خدا به ما وعده
میدهد، ما باید باور کنیم که ما آنرا دریافت
میکنیم، و این از ما است. عیسی مردم را از
امراض شان زمانیکه آنها به قدرت او ایمان
داشتند شفا داد؛ او به آنها در چیزهای که آنها
میتوانستند ببینند کمک کرد، از اینرو آنها را با
اعتماد به او در مورد چیزهای که آنها
نمیتوانستند ببینند الهام بخشید—که آنها را به
باور داشتن به قدرت او برای بخشیدن گناهان

سوق داد. این را او واضحاً در التیام مرد مبتلا به فلج بیان کرد: "تا شما بدانید که پسر انسان در زمین قدرت بخشیدن گناهان را دارد، (بعد او به فلج میگوید،) بلند شو، تخت خود را بردار، و به خانه خود برو. متی 9:6. همچنان جان مبشر میگوید، در مورد معجزات مسیح صحبت میکند، "اینها نوشته شده اند تا شما باور داشته باشید که عیسی مسیح، پسر خدا است؛ و با باور کردن اینکه شما میتوانید از طریق نام او زندگی داشته باشید. جان 20:31.

از روایت ساده کتاب مقدس در مورد اینکه چگونه عیسی بیماران را شفا داد، ما ممکن چیزی در مورد اینکه چگونه به او برای بخشش گناهان ایمان بیاوریم یاد بگیریم. بیایید به داستان فلج در بیتسدا برگردیم. رنج دیده بیچاره ناتوان

بود؛ او برای سی و هشت سال از اعضای بدن خود استفاده نکرده بود. مگر عیسی به او دستور داد، "برخیز، تخت خود را بردار، و راه برو." مرد بیمار ممکن گفته باشد، "خداوند، اگر تو مرا شفا بدهی، من از کلمه تو اطاعت خواهم کرد." مگر، نه، او به کلمه مسیح باور داشت، باور داشت که او کامل شده است، و او فوراً تلاش کرد؛ او خواست که راه برود، و او راه رفت. او به کلمه مسیح عمل کرد و خدا قدرت را داد. او کامل ساخته شد.

به همین ترتیب شما یک گناهکار هستید. شما نمیتوانید گناهان گذشته تان را کفاره کنید؛ شما نمیتوانید قلب خود را تغییر دهید و خود را مقدس بسازید. مگر خدا وعده میدهد که تمام اینها را از طریق مسیح برای شما انجام خواهد

داد. شما به آن وعده باور دارید. شما به گناهان خود اعتراف میکنید و خود را به خدا میدهید. شما میخواهید که به او خدمت کنید. طوریکه شما این کار را انجام میدهید، خدا کلمه خود را به شما برآورده خواهد کرد. اگر شما به وعده باور دارید، —باور کنید که شما بخشیده شده و پاک شده اید، —خداوند حقیقت را فراهم میسازد؛ شما کامل شده اید، طوریکه مسیح به فلج قدرت راه رفتن را داد زمانیکه مرد باور داشت که او شفا یافته است. اگر شما باور کنید این چنین است.

منتظر نباشید تا احساس کنید که شما کامل شده اید، مگر بگویید، "من این را باور دارم؛ این چنین است، نه بخاطریکه من آنرا احساس میکنم، بلکه بخاطریکه خدا وعده داده است.

عیسی میگوید، "هر چیزی که شما میخواهید،
زمانیکه دعا میکنید، باور کنید که شما آنها را
دریافت کرده اید، و شما آنها را خواهید داشت.
" مارک 11:24. این وعده یک شرط وجود
دارد—که ما نظر به اراده خدا دعا کنیم. مگر
این اراده خدا است تا ما را از گناه پاک کند، ما
را اولاد های خود بسازد، و ما را قادر سازد تا
یک زندگی مقدس داشته باشیم. پس شاید ما این
نعمت ها را بخواهیم، و باور داشته باشیم که
آنها را دریافت میکنیم، و خدا را شکر کنیم که
آنها را بدست آورده ایم. این امتیاز ما است که
به نزد عیسی برویم و پاک شویم، و بدون شرم
یا پشیمانی در مقابل قانون بایستیم. "از اینرو
حالا هیچ محکومیت برای آنهاییکه در مسیح
عیسی هستند وجود ندارد، کسانی که نه به اساس

جسم، بلکه به اساس روح قدم میزنند. " رومیان
8:1.

از این به بعد شما از خود نیستید؛ شما با یک
قیمت خریداری شده اید. "شما با چیزهای فاسد
مانند نقره و طلا نجات نیافتید؛ ... مگر با خون
گرانیه‌ها مسیح، مانند یک بره بدون عیب و بدون
لکه. 1 پطرس 1:18، 19. از طریق این عمل
ساده باور کردن به خدا، روح القدس یک
زندگی جدید را در قلب شما بوجود آورده است.
شما مانند یک طفل هستید که در خانواده خدا
تولد شده اید، و او شما را طوریکه پسرش را
دوست دارد دوست دارد.

حالا که شما خود را به عیسی داده اید، عقب
نشینی نکنید، خود را از او دور نکنید، مگر

روز به روز بگویید، "من از مسیح هستم؛ من خودم را به او داده‌ام؛ و از او بخواهید تا روح خود را به شما بدهد و شما را با لطف خود نگه دارد. طوریکه با دادن خود به خدا، و باور کردن به او، شما فرزند او میشوید، پس شما باید در او زندگی کنید. رسول میگوید، "طوریکه شما مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اید، در او قدم بزنید. "کولسیان 2:6.

معلوم میشود که بعضی‌ها احساس میکنند که آنها باید در آزمایش باشند، و باید به پروردگار ثابت کنند که آنها اصلاح شده‌اند، قبل از اینکه بتوانند برکت او را ادعا کنند. مگر آنها ممکن حتی حالا ادعای برکت خدا کنند. آنها باید لطف او، روح مسیح را داشته باشند تا به ضعف‌هایشان کمک کند، در غیر آن آنها نمیتوانند در

مقابل شر مقاومت کنند. عیسی دوست دارد که ما به او بیاییم طوریکه هستیم، گناهکار، ناتوان، وابسته. ما ممکن با تمام ضعف، حماقت، گناه خود بیاییم، و در توبه به پای او بیفتیم. این جلال او است که ما را در آغوش عشق خود احاطه کند و زخم های ما را ببندد، تا ما را از تمام ناخالصی پاک کند.

اینجا جایست که هزاران نفر شکست میخورند؛ آنها باور ندارند که عیسی آنها را شخصاً و انفرادی میبخشد. آنها خدا را به کلمه او نمی گیرند. این امتیاز همه کسانی است که از شرایط پیروی می کنند تا برای خود بدانند که عفو برای هر گناه آزادانه تمدید می شود. این سوء ظن را دور بگذارید که وعده های خدا برای شما نیست. آنها برای هر متخلف توبه کننده هستند.

قدرت و فیض از طریق مسیح فراهم شده است
تا توسط فرشتگان خدمت کننده به هر روح
مومن آورده شود. هیچکدام آنقدر گناهکار
نیستند که نتوانند در عیسی که برای آنها فوت
کرد، قدرت، پاکیزگی و صداقت را پیدا کنند. او
منتظر است تا لباس های آلوده و آلوده به گناه
آنها را در بیاورد و لباس های سفید صداقت را
روی آنها بپوشد؛ او به آنها امر میکند که زندگی
کنند و نمیرند.

خدا با ما طوری برخورد نمیکند که مردان
محدود با یکدیگر برخورد میکنند. افکار او
افکار رحمت، عشق، و لطیف ترین شفقت
است. او میگوید، "بگذارید شریر راه خود را
ترک کند، و انسان ناعادل افکار خود را: و
بگذارید او به خداوند برگردد، و او بالای او

رحم خواهد کرد؛ و به خدای ما، زیرا او به
وفور عفو خواهد کرد. "من مانند یک ابر
ضخیم، تخلفات تو را پاک کردم، و مانند یک
ابر، گناهان تو را پاک کردم. " اشعیا 55:7؛
44:22.

خداوند می گوید: "من از مرگ کسی که می
میرد لذت ندارم: بنابراین خود را برگردانید و
زندگی کنید." حزقیال 18:32. شیطان آماده
است تا اطمینان های مبارک خدا را بدزدد. او
میخواهد که هر درخشش امید و هر شعاع نور
را از روح بگیرد؛ مگر شما نباید به او اجازه
دهید که این کار را انجام دهد. به وسوسه کننده
گوش ندهید، مگر بگویید، "عیسی مرده است تا
من زنده بمانم. او مرا دوست دارد، و نمیخواهد
که من از بین بروم. من یک پدر بهشتی دلسوز

دارم؛ و درحالیکه من از عشق او سوء استفاده کرده ام، درحالیکه نعمت های که او به من داده است هدر رفته است، من برخاستم، و به پدرم خواهم رفت، و خواهم گفت، 'من علیه بهشت و در مقابل تو گناه کرده ام، و دیگر شایسته بودن نیستم پسر خود را صدا زد: مرا به عنوان یکی از خدمتکاران اجیر خود بساز.' "این تمثیل به شما میگوید که چگونه سرگردان پذیرفته خواهد شد: "هنگامیکه او هنوز دور بود، پدرش او را دید، و شفقت کرد، و دوید، و سقوط کرد روی گردن او، و او را بوسید. لوقا 15:18-20.

مگر حتی این تمثیل، لطیف و لمس کننده طوریکه است، در بیان شفقت بی نهایت پدر بهشتی کوتاه می آید. خداوند توسط پیامبر خود اعلام میکند، "من تو را با یک عشق ابدی

دوست داشتم: از اینرو من تو را با مهربانی
کشیده ام. " ارمیا 31:3. در حالیکه گناهکار
هنوز از خانه پدر دور است، و مواد خود را در
یک کشور غریبه هدر میدهد، قلب پدر برای او
مشتاق است؛ و هر اشتیاق که در روح برای
برگشت به خدا بیدار میشود فقط التماس ملایم
روح او است، جلب توجه کردن، التماس کردن،
کشیدن سرگردان به قلب عشق پدرش.

با وعده های غنی کتاب مقدس که در پیش روی
شما است، آیا میتوانید به شک جای بدهید؟ آیا
شما میتوانید باور کنید که زمانیکه گناهکار
بیچاره مشتاق برگشت است، مشتاق ترک
گناهان خود است، خداوند او را از آمدن به پای
خود در توبه به شدت منع میکند؟ دور از چنین
افکار! هیچ چیز نمیتواند به روح شما بیشتر از

سرگرم کردن چنین یک مفهوم پدر بهشتی ما
صدمه برساند. او از گناه نفرت دارد، مگر او
گناهکار را دوست دارد، و او خود را در
شخص مسیح داد، تا تمام کسانی که می‌خواهند
نجات یابند و در پادشاهی جلال برکت ابدی
داشته باشند. چه زبان قوی تر یا ملایم تر از
آنچه که او انتخاب کرده است می‌توانست بکار
برده شود تا در آن عشق خود را نسبت به ما
ابراز کند؟ او اعلام می‌کند، "آیا یک زن می‌تواند
طفل شیرخوار خود را فراموش کند، که او نباید
به پسر رحم خود شفقت کند؟ بله، آنها ممکن
فراموش کنند، مگر من تو را فراموش نخواهم
کرد. اشعیا 49:15.

بالا را نگاه کنید، شما که شک می‌کنید و
میلرزید؛ برای عیسی زندگی می‌کند تا برای ما

شفاعت کند. خدا را برای هدیه پسر عزیزش
شکر کنید و دعا کنید که او برای شما بیهوده
نمرده باشد. روح شما را امروز دعوت میکند.
با تمام قلب تان به عیسی بیایید، و شما میتوانید
برکت او را ادعا کنید.

طوری که شما وعده ها را میخوانید، به یاد داشته
باشید که آنها بیان عشق و ترحم غیر قابل بیان
است. قلب بزرگ عشق بی نهایت با شفقت بی
حد و حصر به طرف گناهکار کشیده میشود.
"ما از طریق خون او رستگاری داریم، بخشش
گناهان. " افسسیان 1:7. بلی فقط باور کنید که
خداوند یاور شماست. او میخواهد تصویر
اخلاقی خود را در انسان بازگرداند. طوری که
شما با اعتراف و توبه به او نزدیک میشوید، او
با رحمت و بخشش به شما نزدیک خواهد شد.

فصل 7—امتحان شاگردی

"اگر هر کسی در مسیح باشد، او یک مخلوق جدید است: چیزهای کهنه از بین رفته است؛ ببین، همه چیز جدید شده است. 2 کورینتیان 5:17.

یک شخص ممکن قادر به گفتن زمان یا مکان دقیق نباشد، یا تمام زنجیره شرایط را در پروسه تبدیل ردیابی کند؛ مگر این ثابت نمیسازد که او تغییر نکرده است. مسیح به نیکودیموس گفت، "باد هر جا که میخواهد میوزد، و تو صدای آنرا میشنوی، مگر نمیتوانی بگویی که از کجا میاید و به کجا میرود: هر کسی که از روح تولد شده است چنین است. " جان 3:8. مانند باد، که نامرئی است، مگر اثرات آن واضحاً دیده و

احساس میشود، روح خدا در کار خود روی قلب انسان است. آن قدرت بازسازی کننده، که هیچ چشم انسان نمیتواند آنرا ببیند، یک زندگی جدید را در روح بوجود میآورد؛ این یک موجود جدید را در تصویر خدا ایجاد میکند. درحالیکه کار روح خاموش و غیرقابل درک است، اثرات آن آشکار است. اگر قلب توسط روح خدا تجدید شده باشد، زندگی شاهد این حقیقت خواهد بود. درحالیکه ما نمیتوانیم هیچ کار را انجام دهیم تا قلب های خود را تغییر دهیم یا خود را با خدا هماهنگ کنیم؛ درحالیکه ما نباید به خود یا کارهای خود اعتماد کنیم، زندگی ما نشان خواهد داد که آیا فیض خدا در ما زندگی میکند یا خیر. یک تغییر در شخصیت، عادت ها، و تعقیب ها دیده خواهد شد. تفاوت بین چیزی که آنها بوده اند و چیزی

که هستند واضح و تصمیم گرفته خواهد شد.
شخصیت آشکار میشود، نه توسط اعمال خوب
گاه به گاه و گاه به گاه بدکاری ها، بلکه توسط
تمایل به کلمات و اعمال عادت شده.

این درست است که ممکن یک درستی ظاهری
رفتار بدون قدرت تجدید کننده مسیح وجود
داشته باشد. عشق به نفوذ و تمایل به عزت
دیگران ممکن یک زندگی منظم را بوجود
بیاورد. احترام به خود ممکن ما را به اجتناب از
ظهور شر سوق دهد. یک قلب خودخواه ممکن
اعمال سخاوتمندانه را انجام دهد. پس، ما باید با
چه وسیله تعیین کنیم که در طرف کی هستیم؟

کی دل دارد؟ افکار ما با کیست؟ ما دوست
داریم در مورد کی صحبت کنیم؟ کی گرمترین

محبت ها و بهترین انرژی های ما را دارد؟ اگر ما از مسیح باشیم، افکار ما با او است، و شیرین ترین افکار ما در مورد او است. تمام چیزی که ما داریم و هستیم به او اختصاص داده شده است. ما آرزو داریم تا تصویر او را حمل کنیم، روح او را تنفس کنیم، اراده او را انجام دهیم، و او را در همه چیز خرسند سازیم.

آنهاييکه در مسيح عيسي مخلوقات جديد ميشوند
میوه های روح را به ارمغان خواهند آورد،
"عشق، شادی، صلح، صبر، نرمی، نیکی،
ایمان، نرمی، اعتدال. " غالتیان 5:22، 23. آنها
دیگر خود را مطابق به شهوت های قبلی شکل
نخواهند داد، مگر با ایمان به پسر خدا آنها قدم
های او را دنبال خواهند کرد، شخصیت او را
منعکس خواهند کرد، و خود را پاک خواهند

کرد حتی طوریکه او پاک است. چیزهایی که آنها یک زمان از آنها نفرت داشتند حالا آنها را دوست دارند، و چیزهای که آنها یک زمان دوست داشتند آنها از آنها نفرت دارند. مغرور و خود قاطع در قلب نرم و پست میشوند. بیهوده و بیهوده جدی و غیرقابل توجه میشوند. مست ها هوشیار میشوند، و ولخرج پاک میشوند. رسوم و فیشن های بیهوده جهان کنار گذاشته شده اند. عیسویان در جستجوی "تزئین ظاهری" نیستند، بلکه "مرد پنهان قلب، در چیزی که قابل فساد نیست، حتی تزئین یک روح ملایم و آرام" خواهند بود. 1 پطرس 3:3، 4.

هیچ شواهدی از توبه واقعی وجود ندارد مگر اینکه اصلاحات را انجام دهد. اگر او تعهد را بازگرداند، دوباره بدهد که او دزدی کرده است،

گناهان خود را اعتراف کند، و خدا و هموعان خود را دوست داشته باشد، گناهکار ممکن یقین داشته باشد که او از مرگ به زندگی عبور کرده است.

زمانیکه، منحیث موجودات گمراه و گناهکار، ما به مسیح می آییم و شریک فیض بخشنده او میشویم، عشق در قلب بوجود میاید. هر بار سبک است، زیرا یوغ که مسیح تحمیل میکند آسان است. وظیفه به یک لذت تبدیل میشود، و قربانی کردن به یک لذت تبدیل میشود. مسیری که قبلاً در تاریکی پوشانده شده به نظر میرسید، با پرتوهای آفتاب صداقت روشن میشود.

دوست داشتنی شخصیت مسیح در پیروان او دیده خواهد شد. این لذت او بود که اراده خدا را

انجام دهد. عشق به خدا، غیرت برای جلال او، قدرت کنترل کننده در زندگی نجات دهنده ما بود. عشق تمام اعمال او را زیبا و نجیب ساخت. عشق از خدا است. قلب غیر مقدیس نمیتواند آنرا بوجود بیاورد یا تولید کند. این فقط در قلب جاییکه عیسی سلطنت میکند یافت میشود. "ما دوست داریم، بخاطریکه او نخست ما را دوست داشت. " 1 جان 4:19، R.V. در قلب که توسط فیض الهی تجدید شده است، عشق اصل عمل است. این شخصیت را اصلاح میکند، انگیزه ها را اداره میکند، اشتیاق ها را کنترل میکند، دشمنی را مطیع میسازد، و محبت ها را نجیب میسازد. این عشق، که در روح گرامی داشته میشود، زندگی را شیرین میسازد و یک تاثیر تصفیه کننده را روی همه جا می اندازد.

دو اشتباه وجود دارد که اطفال خدا در مقابل
آن—مخصوصاً آنهاییکه تازه به فیض او اعتماد
کرده اند—مخصوصاً باید محافظت کنند.
نخست، که قبلاً روی آن تمرکز شده است، این
است که به کارهای خود شان نگاه کنند، به هر
چیزی که میتوانند انجام دهند اعتماد کنند، تا
خود را با خدا در هماهنگی بیاورند. کسیکه
تلاش میکند تا با کارهای خود در رعایت قانون
مقدس شود، یک ناممکن را تلاش میکند. تمام
چیزی که انسان بدون مسیح میتواند انجام دهد با
خودخواهی و گناه آلوده شده است. این فقط
فیض مسیح است، از طریق ایمان، که میتواند
ما را مقدس سازد.

اشتباه بر عکس و نه کمتر خطرناک این است که ایمان به مسیح مردان را از رعایت قانون خدا آزاد میسازد؛ بخاطریکه ما فقط با ایمان شریک فیض مسیح میشویم، کارهای ما هیچ ربطی به رستگاری ما ندارد.

مگر اینجا توجه کنید که اطاعت فقط یک انطباق ظاهری نیست، بلکه خدمت به عشق است. قانون خدا بیانگر ذات او است؛ این یک تجسم اصل بزرگ عشق است، و از اینرو اساس دولت او در بهشت و زمین است. اگر قلب های ما در شباهت خدا تجدید گردد، اگر عشق الهی در روح کاشته شود، آیا قانون خدا در زندگی اجرا نخواهد شد؟ زمانیکه اصل عشق در قلب کاشته میشود، زمانیکه انسان بعد از تصویر او که او را آفریده است تجدید

میشود، و عده پیمان جدید برآورده میشود، "من
قوانین خود را در قلب های آنها خواهم گذاشت،
و در ذهن آنها آنها را خواهم نوشت. " عبرانیان
10:16. و اگر قانون در قلب نوشته شود، آیا
زندگی را شکل نخواهد داد؟ اطاعت—خدمت و
وفاداری عشق—نشانه واقعی شاگردی است. از
اینرو کتاب مقدس میگوید، "این عشق خدا
است، که ما احکام او را رعایت کنیم. " "کسیکه
میگوید، من او را میشناسم، و احکام او را
رعایت نمیکند، دروغگو است، و حقیقت در او
نیست. " 1 جان 3:5؛ 2:4. به عوض رهایی
انسان از اطاعت، این ایمان است، و فقط ایمان،
که ما را شریک فیض مسیح میسازد، که ما را
قادر به ارائه اطاعت میسازد.

ما با اطاعت خود نجات بدست نمی آوریم؛ زیرا
نجات هدیه رایگان خدا است که باید با ایمان
دریافت شود. مگر اطاعت ثمره ایمان است.
"شما میدانید که او برای از بین بردن گناهان ما
آشکار شد؛ و در او هیچ گناه وجود ندارد. هر
کسی که در او بماند گناه نمیکند: هر کسی که
گناه میکند نه او را دیده است و نه او را شناخته
است. 1 یوحنا 3:5، 6. این امتحان واقعی است.
اگر ما در مسیح بمانیم، اگر عشق خدا در ما
ساکن باشد، احساسات، افکار ما، اهداف ما،
اعمال ما با اراده خدا طوریکه در احکام قانون
مقدس او بیان شده است در هماهنگی خواهد
بود. "بچه های کوچک، اجازه ندهید هیچ کس
شما را فریب دهد: کسیکه عدالت را انجام میدهد
عادل است، طوریکه او عادل است. " 1 یوحنا
3:7. صداقت توسط معیار قانون مقدس خدا

تعریف شده است، طوریکه در ده دستور داده شده در سینا بیان شده است.

به اصطلاح ایمان به مسیح که ادعا میکند انسان ها را از مکلفیت اطاعت از خدا آزاد میکند، ایمان نیست، بلکه فرضیه است. "شما توسط فیض از طریق ایمان نجات یافته اید. " مگر "ایمان، اگر کار نداشته باشد، مرده است. "

افسیان 2:8؛ جیمز 2:17. عیسی قبل از آمدن به زمین در مورد خود گفت، "من خرسند هستم که اراده تو را انجام دهم، ای خدای من: آره، قانون تو در قلب من است." مزمور 40:8. و درست قبل از اینکه او دوباره به بهشت صعود کند او اعلام کرد، "من احکام پدرم را رعایت کرده ام و در عشق او میمانم." یوحنا 15:10. کتاب مقدس میگوید، "از این طریق ما میدانیم که ما

او را می‌شناسیم، اگر ما احکام او را رعایت کنیم.... کسیکه می‌گوید در او باقی میماند باید خودش همچنان طوریکه او راه رفته است راه برود. " 1 یوحنا 2:3-6. "زیرا مسیح همچنان برای ما رنج برد و برای ما یک مثال گذاشت، تا شما قدم های او را دنبال کنید. " 1 پطرس 2:21.

وضعیت زندگی ابدی حالا همان چیزی است که همیشه بوده است،—فقط همان چیزی است که در بهشت قبل از سقوط والدین اول ما بود،—اطاعت کامل از قانون خدا، صداقت کامل. اگر زندگی ابدی به هر شرط کمتر از این اعطاء میشد، درینصورت خوشبختی تمام جهان به خطر میافتید. راه برای گناه باز خواهد بود،

با تمام قطار بدبختی و بدبختی اش، تا جاویدان
گردد.

این برای آدم، قبل از سقوط، ممکن بود تا با
اطاعت از قانون خدا یک شخصیت صالح را
تشکیل دهد. مگر او در انجام دادن این کار ناکام
ماند، و بخاطر گناه او طبیعت های ما سقوط
کرده است و ما نمیتوانیم خود را صالح بسازیم.
بخاطریکه ما گناهکار، نامقدس هستیم، ما
نمیتوانیم کاملاً از قانون مقدس اطاعت کنیم. ما
هیچ عدالت خود نداریم که با آن ادعاهای قانون
خدا را برآورده کنیم. مگر مسیح یک راه فرار
را برای ما باز کرده است. او در میان آزمایش
ها و وسوسه های که ما باید با آن روبرو شویم
روی زمین زندگی کرد. او یک زندگی بدون
گناه داشت. او برای ما فوت کرد، و حالا او

پیشنهاد میکند که گناهان ما را بگیرد و صداقت خود را به ما بدهد. اگر شما خود را به او بدهید و او را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرید، پس، به اندازه که زندگی شما گناهکار بوده باشد، به خاطر او شما صالح محسوب می شوید. شخصیت مسیح بجای شخصیت شما ایستاده است، و شما در مقابل خدا قبول میشوید طوریکه گویا شما گناه نکرده اید.

بیشتر از این، مسیح قلب را تغییر میدهد. او با ایمان در قلب شما میماند. شما باید این ارتباط را با مسیح توسط ایمان و تسلیم دوامدار اراده خود به او حفظ کنید؛ و تا زمانی که شما این کار را انجام دهید، او در شما کار خواهد کرد تا بخواهید و نظر به رضایت خوب او انجام دهید. از اینرو شما میتوانید بگویید، "زندگی که من

حالا در جسم زندگی میکنم من توسط ایمان به
پسر خدا زندگی میکنم، کسیکه مرا دوست
داشت، و خود را برای من داد. " غالتیان 2:20.
از اینرو عیسی به شاگردان خود گفت، "این شما
نیستید که صحبت میکنید، بلکه روح پدر تان
هستید که در شما صحبت میکند. " متی 10:20.
بعد با کار کردن مسیح در شما، شما همان روح
را نشان خواهید داد و همان کارهای خوب را
انجام خواهید داد—کارهای عدالت، اطاعت.

پس ما در خود چیزی نداریم که به آن لاف
بزنیم. ما هیچ زمینه ای برای خودنمایی نداریم.
یگانه زمینه امید ما در صداقت مسیح است که
به ما نسبت داده شده است، و در آن که توسط
روح او که در ما و از طریق ما کار میکند،
ایجاد شده است.

زمانیکه ما در مورد ایمان صحبت میکنیم، یک تمایز وجود دارد که باید در ذهن داشته باشیم. یک نوع باور وجود دارد که کاملاً از ایمان متمایز است. وجود و قدرت خدا، حقیقت کلام او، حقایقی است که حتی شیطان و میزبانانش نمی توانند در قلب خود انکار کنند. انجیل میگوید که "شیاطین نیز باور دارند و می لرزند؛" مگر این ایمان نیست. جیمز 2:19. جاییکه نه تنها باور به کلام خدا وجود دارد، بلکه تسلیم شدن اراده به او وجود دارد؛ جاییکه قلب به او تسلیم میشود، محبت ها روی او ثابت شده است، ایمان وجود دارد—ایمان که توسط عشق کار میکند و روح را پاک میکند. از طریق این ایمان قلب در تصویر خدا تجدید میشود. و قلب که در حالت تجدید نشده اش تابع قانون خدا نیست، نه

در حقیقت میتواند باشد، حالا از احکام مقدس
اش لذت میبرد، و با زبور نویس فریاد میزند،
"ای چقدر من قانون تو را دوست دارم! این تمام
روز مراقبه من است. مزمور 119:97. و
صداقت قانون در ما برآورده شده است،
"کسانی که نه به اساس جسم، بلکه به اساس روح
قدم میزنیم." رومیان 8:1.

کسانی هستند که عشق بخشنده مسیح را شناخته
اند و واقعاً میخواهند فرزندان خدا باشند، مگر
آنها درک میکنند که شخصیت آنها ناقص است،
زندگی آنها دارای نقص است، و آنها آماده اند تا
شک کنند که آیا قلب های آنها توسط روح
القدس تجدید شده است یا خیر. به چنین چیزی
من میگویم، در ناامیدی عقب نشینی نکنید. ما
اغلب اوقات باید بخاطر کمبودها و اشتباهات

خود در پای عیسی تعظیم و گریه کنیم، مگر ما نباید دلسرد شویم. حتی اگر ما توسط دشمن مغلوب شویم، ما دور انداخته نمیشویم، نه رها و رد شده توسط خدا. نه؛ مسیح در دست راست خدا است، کسیکه همچنان برای ما شفاعت میکند. جان محبوب گفت، "من این چیزها را برای شما می نویسم تا گناه نکنید. و اگر کسی گناه کند، ما یک مدافع نزد پدر داریم، عیسی مسیح عادل. 1 جان 2:1. و کلمات مسیح را فراموش نکنید، "خود پدر شما را دوست دارد. "یوحنا 16:27. او میخواهد که شما را به خود برگرداند، تا خلوص و تقدس خود را در شما منعکس شده ببیند. و اگر شما فقط خود را به او تسلیم کنید، کسیکه یک کار خوب را در شما آغاز کرده است آنرا تا روز عیسی مسیح پیش خواهد برد. با جدیت بیشتر دعا کنید؛ بیشتر

باور کنید. طوریکه ما به قدرت خود بی اعتماد
میشویم، بیایید به قدرت فدایی خود اعتماد کنیم،
و ما او را که صحت صورت ما است ستایش
خواهیم کرد.

هر چه به عیسی نزدیکتر شوید، در نظر خود
تان بیشتر ناقص ظاهر خواهید شد؛ زیرا دید
شما واضح تر خواهد بود، و نواقص شما در
تضاد گسترده و متمایز با طبیعت کامل او دیده
خواهد شد. این شواهد است که توهمات شیطان
قدرت خود را از دست داده است؛ که نفوذ زنده
کننده روح خدا شما را تحریک میکند.

هیچ عشق عمیق برای عیسی نمیتواند در قلب
که گناهکار بودن خود را درک نکند زندگی
کند. روح که توسط فیض مسیح تغییر میکند

شخصیت الهی او را تحسین خواهد کرد؛ مگر
اگر ما نقص اخلاقی خود را نبینیم، این شواهد
غیرقابل انکار است که ما دید زیبایی و تعالی
مسیح را نداشته ایم.

هر چه کمتر در خود ما احترام بگذاریم، بیشتر
در خلوص و دوست داشتنی بی نهایت نجات
دهنده خود احترام خواهیم دید. یک دید
گناهکاری ما را به سوی کسیکه میتواند
ببخشد سوق میدهد؛ و زمانیکه روح، درک
کردن ناتوانی خود، به دنبال مسیح دراز میکند،
او خود را در قدرت آشکار خواهد کرد. هر چه
حس نیاز ما را به او و کلام خدا سوق دهد،
دیدگاه های بیشتری در مورد شخصیت او
خواهیم داشت و تصویر او را به طور کامل
منعکس خواهیم کرد.

فصل 8—رشد کردن به مسیح

تغییر قلب که توسط آن ما فرزندان خدا میشویم در انجیل به عنوان تولد صحبت شده است. باز هم، این با جوانه زدن تخم خوب که توسط دهقان کاشته شده است مقایسه میشود. به همین ترتیب آنهاییکه فقط به مسیح تبدیل شده اند، "به عنوان نوزادان تازه متولد شده" هستند تا به قامت مردان و زنان در مسیح عیسی "رشد" کنند. 1 پطرس 2:2؛ افسسیان 4:15. یا مانند تخم خوب که در مزرعه کاشته شده است، آنها باید رشد کنند و میوه بدهند. اشعیا میگوید که آنها "درختان عدالت نامیده خواهند شد، کاشتن خداوند، تا او جلال یابد." اشعیا 61:3. از اینرو از زندگی طبیعی، تصاویر کشیده شده اند تا به

ما کمک کند تا حقایق اسرار آمیز زندگی
روحانی را بهتر بدانیم.

تمام خرد و مهارت انسان نمی تواند حیات را
در کوچکترین جسم طبیعت تولید کند. این فقط
از طریق زندگی است که خود خدا داده است،
که یا نبات یا حیوان میتواند زندگی کند. پس این
فقط از طریق زندگی از طرف خدا است که
زندگی روحانی در قلب های انسان ها بوجود
میاید. مگر اینکه یک مرد "از بالا تولد شده
باشد"، او نمیتواند شریک زندگی شود که مسیح
آمده است تا بدهد. جان 3:3، حاشیه.

طوری که در زندگی است، در مورد رشد نیز
چنین است. این خداست که جوانه را به شکوفه
و گل را به میوه میرساند. این توسط قدرت او

است که تخم رشد میکند، "نخست تیغه، بعد گوش، بعد از آن ذرت پر در گوش. " مارک 4:28. و پیامبر هوشع در مورد اسرائیل میگوید، که "او مانند سوسن رشد خواهد کرد. " "آنها مانند ذرت زنده خواهند شد و مانند تاک رشد خواهند کرد. " هوشیا 14:5، 7. و عیسی به ما میگوید "سوسن ها را در نظر بگیرید که چگونه رشد میکنند. " لوقا 12:27. نباتات و گل ها نه با مراقبت یا اضطراب یا تلاش خودشان رشد میکنند، بلکه با دریافت چیزی که خدا برای خدمت به زندگی آنها فراهم کرده است. طفل نمیتواند، با هیچ اضطراب یا قدرت خود، به قامت خود بیفزاید. شما دیگر نمیتوانید، با اضطراب یا تلاش خودتان، رشد روحانی را تضمین کنید. نبات، طفل، با دریافت از محیط اطراف اش چیزی که به زندگی اش کمک

میکند رشد میکند—هوا، آفتاب، و غذا. این هدیه های طبیعت برای حیوانات و نباتات چه است، مسیح برای آنهاییکه به او اعتماد دارند چنین است. او "نور ابدی" آنها است، "آفتاب و سپر". اشعیا 60:19؛ مزمور 84:11. او مانند "شمن برای اسرائیل" خواهد بود. "او مانند باران روی چمن چمن خورده خواهد آمد. " هوشیا 14:5؛ مزمور 72:6. او آب زنده است، "نان خدا ... که از بهشت پایین می آید و به جهان زندگی می دهد." جان 6:33.

در هدیه بی نظیر پسرش، خدا تمام جهان را با یک فضای فیض به اندازه هوای واقعی که در سراسر جهان میچرخد احاطه کرده است. تمام کسانی که انتخاب میکنند تا این فضای زندگی

بخش را تنفس کنند تا به قامت مردان و زنان در
مسیح عیسی زندگی و رشد خواهند کرد.

طوری که گل به آفتاب برمیگردد، تا شعاع های
درخشان ممکن در تکمیل کردن زیبایی و تقارن
آن کمک کند، ما باید به آفتاب عدالت برگردیم،
تا نور بهشت بالای ما بدرخشد، تا شخصیت ما
به شباهت مسیح توسعه یابد .

عیسی همان چیزی را تدریس میکند زمانی که او
میگوید، "در من بمانید، و من در شما. طوریکه
شاخه نمیتواند از خود میوه بدهد، مگر اینکه در
تاک بماند؛ شما دیگر نمیتوانید، مگر اینکه در
من بمانید.... بدون من شما هیچ کار کرده
نمیتوانید. یوحنا 4:15، 5. شما به همان اندازه
متکی به مسیح هستید تا یک زندگی مقدس

داشته باشید، طوریکه شاخه برای رشد و
باروری روی ذخیره والدین است. جدا از او
شما هیچ زندگی ندارید. شما هیچ قدرتی برای
مقاومت در برابر وسوسه یا رشد در فیض و
تقدس ندارید. با ماندن در او، شما ممکن رونق
بگیرید. با گرفتن زندگی تان از او، شما نه
پژمرده خواهید شد و نه بی ثمر خواهید بود.
شما مانند درختی خواهید بود که در کنار
رودخانه های آب کاشته شده است.

بسیاری این نظریه دارند که آنها باید بخشی از
کار را به تنهایی انجام دهند. آنها برای بخشش
گناه به مسیح اعتماد کرده اند، مگر حالا آنها با
تلاش های خود شان در جستجوی زندگی
درست هستند. مگر هر چنین تلاش باید ناکام
گردد. عیسی میگوید، "بدون من شما هیچ کار

کرده نمیتوانید. "رشد ما در فیض، شادی ما، مفیدیت ما،—همه به اتحاد ما با مسیح بستگی دارد. این با ارتباط با او است، روزانه، ساعتی،—با ماندن در او،—که ما باید در فیض رشد کنیم. او نه تنها مؤلف است، بلکه پایان دهنده ایمان ما است. این مسیح اول و آخر و همیشه است. او باید با ما باشد، نه تنها در شروع و پایان مسیر ما، بلکه در هر قدم راه. دیوید میگوید، "من خداوند را همیشه در مقابل خود قرار داده ام: بخاطریکه او در دست راست من است، من تکان نخواهم خورد." مزمو 16:8.

آیا شما میپرسید، "من چگونه میتوانم در مسیح بمانم؟" به همان شیوه که شما او را در ابتداء دریافت کردید. "طوریکه شما مسیح عیسی

خداوند را پذیرفته اید، در او قدم بزنید. " "عادل با ایمان زندگی خواهد کرد. " کولسیان 2:6؛ عبرانیان 10:38. شما خود را به خدا دادید تا کاملاً او باشید، تا از او خدمت و اطاعت کنید، و شما مسیح را به عنوان نجات دهنده خود گرفتید. شما نمیتوانستید خودتان برای گناهانتان کفاره کنید یا قلبتان را تغییر دهید؛ مگر اینکه خود را به خدا داده اید، شما باور دارید که او به خاطر مسیح همه اینها را برای شما انجام داده است. با ایمان شما از مسیح شدید، و با ایمان شما باید در او رشد کنید — با دادن و گرفتن. شما باید همه چیز را بدهید، —قلبتان، ارادهتان، خدمتتان، —خودتان را به او بدهید تا از تمام شرایط او اطاعت کنید؛ و شما باید همه را بگیرید، —مسیح، کامل بودن تمام برکتها، تا در قلب شما بماند، تا قدرت شما، صداقت

شما، کمک کننده ابدی شما باشد،—تا به شما
قدرت اطاعت بدهد.

صبح خود را به خدا وقف کنید؛ این را نخستین
کار تان بسازید. بگذارید دعای شما این باشد،
"ای پروردگار، مرا به عنوان کاملاً از خود
بگیرید. من تمام پلان هایم را به پای تو
میگذارم. امروز از من در خدمت خود استفاده
کن. با من بمان، و بگذار تمام کار من در تو
انجام شود. این یک موضوع روزانه است. هر
صبح خود را برای آن روز به خدا وقف کنید.
تمام پلان های خود را به او تسلیم کنید، تا
طوری که تدبیر او نشان می دهد انجام یارها
گردد. از اینرو روز به روز شما ممکن زندگی
خود را به دستان خدا بدهید، و از اینرو زندگی

شما بعد از زندگی مسیح بیشتر و بیشتر شکل
خواهد گرفت.

یک زندگی در مسیح یک زندگی آرامش است.
ممکن هیچ وجد احساس وجود نداشته باشد،
مگر باید یک اعتماد پایدار و صلح آمیز وجود
داشته باشد. امید شما به خودتان نیست؛ این در
مسیح است. ضعف شما با قدرت او، جهالت
شما با حکمت او، ضعف شما با قدرت پایدار او
متحد شده است. از اینرو شما نباید به خودتان
نگاه کنید، اجازه ندهید که ذهنتان روی خود
تان تمرکز کند، مگر به مسیح نگاه کنید.
بگذارید ذهن روی عشق او، روی زیبایی، کمال
شخصیت او تمرکز کند. مسیح در انکار خود،
مسیح در تحقیر اش، مسیح در پاکی و تقدس
اش، مسیح در عشق بی نظیر اش—این

موضوع تفکر روح است. این با دوست داشتن او، تقلید از او، اتکاء کاملاً به او است که شما باید به شباهت او تبدیل شوید.

عیسی میگوید، "در من بمانید." این کلمات نظریه استراحت، ثبات، اعتماد را انتقال میدهد. او دوباره دعوت میکند، "به من بیایید، ... و من به شما استراحت خواهم داد." متی 11:28. کلمات زبور نویس همان فکر را بیان میکند: "در خداوند استراحت کن، و با صبر برای او منتظر باش." و اشعیا اطمینان میدهد، "در سکوت و در اعتماد به نفس قدرت شما خواهد بود." مزمور 37:7؛ اشعیا 30:15. این استراحت در غیرفعالیت یافت نمیشود؛ زیرا در دعوت نجات دهنده وعده استراحت با فراخوان به کار یکجا شده است: "یوغ من را بر دوش

بگیرید: ... و شما استراحت خواهید یافت." متی 11:29. قلب که کاملاً روی مسیح استوار است در کار برای او بسیار جدی و فعال خواهد بود.

زمانیکه ذهن روی خود تمرکز میکند، از مسیح، منبع قدرت و زندگی دور میشود. از اینرو این تلاش دوامدار شیطان است تا توجه را از نجات دهنده منحرف نگه دارد و از اینرو از اتحاد و ارتباط روح با مسیح جلوگیری کند. لذت های جهان، دغدغه ها و حیرت ها و غم های زندگی، اشتباهات دیگران، یا اشتباهات و نواقص خود تان—به هر یک یا تمام اینها او در جستجوی منحرف کردن ذهن خواهد بود. توسط دستگاه های او گمراه نشوید. بسیاری از کسانی که واقعاً با وجدان هستند، و کسانی که میخواهند برای خدا زندگی کنند، او همچنان

اغلب اوقات سبب می‌گردد تا روی اشتباهات و ضعف‌های خود شان تمرکز کنند، و از اینرو با جدا کردن آنها از مسیح او امیدوار است که پیروزی را بدست بیاورد. ما نباید خود را مرکز قرار دهیم و در مورد اینکه آیا ما نجات خواهیم یافت یا خیر، اضطراب و ترس را غرق کنیم. تمام اینها روح را از منبع قدرت ما دور میکند. نگهداری روح خود را به خدا واگذار کنید، و به او اعتماد کنید. در مورد عیسی صحبت و فکر کنید. بگذارید خود در او گم شوید. تمام شک را دور کنید؛ ترس‌های خود را از بین ببرید. با پولس رسول بگویید، "من زندگی میکنم؛ مگر من نه، مگر مسیح در من زندگی میکند: و زندگی که من حالا در جسم زندگی میکنم من توسط ایمان به پسر خدا زندگی میکنم، کسیکه مرا دوست داشت، و خود را برای من داد.

غالتیان 2:20. در خدا آرام باش. او قادر به حفظ چیزی است که شما به او تعهد کرده اید. اگر شما خود را در دست او بگذارید، او شما را از طریق او که شما را دوست داشته است بیشتر از فاتح خواهد آورد.

زمانیکه مسیح طبیعت انسان را به خود گرفت، او بشریت را با یک گره عشق به خود پیوند داد که هیچگاه توسط هیچ قدرتی جز انتخاب خود انسان شکسته شده نمیتواند. شیطان بشکل دوامدار و سوسه های را ارائه خواهد کرد تا ما را وادار به شکستن این رابطه کند—تا انتخاب کنیم که خود را از مسیح جدا کنیم. اینجا جایبست که ما باید مراقب باشیم، تلاش کنیم، دعا کنیم، تا هیچ چیز ما را به انتخاب استاد دیگری و سوسه نکند؛ زیرا ما همیشه آزاد هستیم

تا این کار را انجام دهیم. مگر بیایید چشمان خود را به مسیح دوخته نگه داریم، و او ما را حفظ خواهد کرد. با نگاه کردن به عیسی، ما مصون هستیم. هیچ چیز نمیتواند ما را از دست او بیرون کند. در دیدن دوامدار او، ما "از جلال به جلال به همان تصویر تغییر میدهیم، حتی توسط روح خداوند. " 2 کورینتیان 3:18.

این طوری بود که شاگردان اولیه شباهت خود را به نجات دهنده عزیز بدست آوردند. زمانی که آن شاگردان کلمات عیسی را شنیدند، آنها نیاز خود را به او احساس کردند. آنها جستجو کردند، آنها یافتند، آنها او را دنبال کردند. آنها در خانه، در میز، در کمد، در مزرعه با او بودند. آنها با او منحیث شاگردان با یک معلم بودند، که روزانه از لب های او درس های

حقیقت مقدس را دریافت میکردند. آنها به او نگاه کردند، به عنوان خدمتکاران ارباب خود، تا وظیفه خود را یاد بگیرند. آن شاگردان مردانی بودند که "تابع اشتیاق های مانند ما بودند." جیمز 5:17. آنها با گناه همان جنگ را داشتند. آنها به همان لطف نیاز داشتند تا یک زندگی مقدس داشته باشند.

حتی جان، شاگرد محبوب، کسیکه شباهت نجات دهنده را کاملاً منعکس میکرد، بطور طبیعی دارای آن دوست داشتنی شخصیت نبود. او نه تنها خود قاطع و جاه طلب برای افتخار بود، بلکه در اثر جراحات پرشور و خشمگین بود. مگر طوریکه شخصیت الهی برای او تجلی یافت، او کمبود خود را دید و توسط علم فروتن شد. قدرت و صبر، قدرت و لطافت، عظمت و

نرمی که او در زندگی روزمره پسر خدا
مشاهده میکرد، روح او را با تحسین و عشق پر
میکرد. روز به روز قلب او به طرف مسیح
کشیده میشد، تا اینکه او خود را در عشق به
استادش از دست داد. خلق و خوی خشمگین و
بلند همت او به قدرت قالب سازی مسیح تسلیم
شد. نفوذ بازسازی کننده روح القدس قلب او را
تجدید کرد. قدرت عشق مسیح سبب تغییر
شخصیت شد. این نتیجه مطمئن اتحاد با عیسی
است. زمانیکه مسیح در قلب زندگی میکند، تمام
طبیعت تغییر میکند. روح مسیح، عشق او، قلب
را نرم میکند، روح را مطیع میسازد، و افکار و
خواسته ها را به سوی خدا و بهشت بالا میبرد.

زمانیکه مسیح به بهشت صعود کرد، حس
حضور او هنوز هم با پیروان او بود. این یک

حضور شخصی بود، پر از عشق و نور.
عیسی، نجات دهنده، کسیکه با آنها راه رفته و
صحبت کرده و دعا کرده بود، کسیکه به قلب
های آنها امید و تسلی گفته بود، در حالیکه پیام
صلح هنوز هم روی لب های او بود، از آنها به
بهشت برده شده بود، و لحن های صدای او به
آنها برگشت، طوریکه ابر فرشتگان او را
پذیرفتند— "ببینید، من همیشه با شما هستم، حتی
تا آخر جهان. " متی 28:20. او به شکل
انسانیت به آسمان صعود کرده بود. آنها
میدانستند که او در مقابل تخت خدا است، دوست
و نجات دهنده آنها هنوز هم؛ که همدردی های
او بدون تغییر بود؛ که او هنوز هم با بشریت
رنج دیده شناسایی میشد. او شایستگی های خون
گرانیهای خود را در مقابل خدا ارائه میکرد،
دست ها و پاهاى زخمى خود را نشان میداد، به

یاد قیمتی که او برای نجات یافتگان خود
پرداخت کرده بود. آنها میدانستند که او به
آسمان صعود کرده است تا برای آنها مکان ها
آماده سازد، و دوباره خواهد آمد و آنها را نزد
خود خواهد برد.

طوری که آنها بعد از صعود با هم ملاقات کردند
آنها مشتاق بودند تا درخواست های خود را به
نام عیسی به پدر ارائه کنند. در هیبت جدی آنها
در دعا تعظیم کردند و اطمینان را تکرار
کردند، "هر چه شما از پدر به نام من بخواهید،
او آنرا به شما خواهد داد. تا این لحظه شما هیچ
چیزی را به نام من نخواستید: بخواهید، و
دریافت خواهید کرد، تا شادی شما کامل شود.
یوحنا 16:23، 24. آنها دست ایمان را با این
استدلال قوی بالاتر و بالاتر دراز کردند، "این

مسیح است که فوت کرد، آره، کسیکه دوباره
زنده شد، کسیکه حتی در دست راست خدا
است، کسیکه همچنان شفاعت میکند برای ما.
رومیان 8:34. و پنتکست حضور تسلی دهنده
را برای آنها آورد، کسیکه مسیح در مورد اش
گفته بود، او "در شما خواهد بود." و او
همچنان گفته بود، "این برای شما مصلحت است
که من بروم: زیرا اگر من بروم، تسلی دهنده به
شما نخواهد آمد؛ مگر اگر من بروم، من او را
به شما خواهم فرستاد. یوحنا 14:17؛ 16:7. از
این به بعد از طریق روح، مسیح باید بشکل
دوامدار در قلب های اولاد هایش باقی بماند.
اتحاد آنها با او نزدیکتر از زمانی که او شخصاً با
آنها بود بود. نور، و عشق، و قدرت مسیح
ساکن از طریق آنها میدرخشید، از اینرو
مردان، با دیدن، "تعجب کردند؛ و آنها از آنها

آگاهی یافتند که آنها با عیسی بوده اند. اعمال
4:13.

تمام چیزی که مسیح برای شاگردان بود، او
میخواهد امروز برای اولاد هایش باشد؛ زیرا
در آن دعای آخر، با گروه کوچکی از شاگردان
که در اطراف او جمع شده بودند، او گفت، "من
نه تنها برای اینها دعا می کنم، بلکه برای
آنهاييکه از طریق کلام آنها به من ایمان خواهند
آورد نیز دعا می کنم." جان 17:20.

عیسی برای ما دعا کرد، و او خواست که ما با
او یکی باشیم، حتی طوریکه او با پدر یکی
است. این چه اتحادیه است! نجات دهنده در
مورد خود گفته است، "پسر نمیتواند از خود
هیچ کار انجام دهد؛" "پدر که در من زندگی

میکند، او کارها را انجام میدهد. " جان 5:19؛
14:10. بعد اگر مسیح در قلب های ما زندگی
میکند، او در ما کار خواهد کرد "هم برای اراده
و هم برای انجام دادن رضایت خوب او".
فیلیپیان 2:13. ما طوریکه او کار کرد کار
خواهیم کرد؛ ما همان روحیه را نشان خواهیم
داد. و از اینرو، دوست داشتن او و ماندن در
او، ما "در همه چیز که سر است، حتی مسیح،
به او رشد خواهیم کرد." افسسیان 4:15.

فصل 9—کار و زندگی

خدا منبع زندگی و نور و شادی برای جهان است. مانند شعاع های نور از آفتاب، مانند جریان های آب که از یک چشمه زنده می ترکد، برکات از او به تمام مخلوقات اش جریان دارد. و هر جا که زندگی خدا در قلب های انسان ها باشد، این با عشق و برکت به دیگران جاری خواهد شد.

خوشحالی نجات دهنده ما در بالا بردن و رستگاری مردان سقوط کرده بود. برای این او زندگی خود را برای خود عزیز نمی دانست، بلکه صلیب را تحمل کرد و شرم را تحقیر کرد. از اینرو فرشتگان همیشه در کار کردن برای خوشبختی دیگران مصروف اند. این شادی آنها

است. چیزی که قلب های خودخواه آنها خدمت
تحقیر آمیز میدانند، خدمت کردن به آنهاست که
بدبخت هستند و از هر نظر در شخصیت و رتبه
پایین تر هستند، کار فرشتگان بی گناه است.
روح عشق فداکاری مسیح روح است که بهشت
را نفوذ میکند و جوهر سعادت آن است. این
روحیه است که پیروان مسیح آنها خواهند
داشت، کار که آنها انجام خواهند داد.

زمانیکه عشق مسیح در قلب جا گرفته باشد،
مانند عطر شیرین این پنهان شده نمیتواند. نفوذ
مقدس آن توسط همه کسانی که ما با آنها در تماس
هستیم احساس خواهد شد. روح مسیح در قلب
مانند یک چشمه در صحرا است که جریان دارد
تا همه را تازه کند و آنهاست که آماده از بین رفتن
هستند را مشتاق نوشیدن آب زندگی میسازد.

عشق به عیسی در یک تمایل به کار کردن
طوریکه او برای برکت و بالا بردن بشریت
کار کرد، آشکار خواهد شد. این منتج به عشق،
لطف، و همدردی نسبت به تمام مخلوقات
مراقبت پدر بهشتی ما خواهد شد.

زندگی نجات دهنده در زمین زندگی آسانی و
ارادت به خود نبود، مگر او با تلاش دوامدار،
جدی و خستگی ناپذیر برای نجات بشریت
گم شده زحمت کشید. از آخور تا کلواری او راه
انکار از خود را دنبال کرد و تلاش کرد تا از
وظایف دشوار، سفرهای دردناک و مراقبت و
کار طاقت فرسا رها نشود. او گفت، "پسر
انسان نیامده است تا به او خدمت شود، بلکه
برای خدمت کردن و تا زندگی خود را به

عنوان فدیة برای بسیاری ها بدهد، نیامده است." متی 20:28. این یکی از هدف های بزرگ زندگی او بود. همه چیز دیگر ثانویه و مطیع بود. این گوشت و نوشیدنی او بود تا اراده خدا را انجام دهد و کار او را به پایان برساند. خود و منفعت شخصی در کار او هیچ نقشی نداشت.

از اینرو آنهاییکه شریک فیض مسیح هستند آماده خواهند بود تا هر قربانی را انجام دهند، تا دیگران که او برای آنها فوت کرد بتوانند هدیه آسمانی را شریک سازند. آنها هر کاری که میتوانند انجام خواهند داد تا جهان را برای اقامت شان در آن بهتر سازند. این روح رشد مطمئن یک روح است که واقعاً تبدیل شده است. به زودی که کسی به مسیح می آید در قلب او یک میل متولد می شود تا به دیگران بفهماند که

او در عیسی چه دوست گرانبها یافته است؛
حقیقت نجات دهنده و تقدیس کننده نمیتواند در
قلب او بسته شود. اگر ما با صداقت مسیح
پوشیده باشیم و با شادی روح ساکن او پر شویم،
ما قادر به حفظ آرامش خود نخواهیم بود. اگر ما
چشیده باشیم و دیده باشیم که خداوند خوب است
ما چیزی برای گفتن خواهیم داشت. مانند فیلیپ
زمانیکه او نجات دهنده را یافت، ما دیگران را
به حضور او دعوت خواهیم کرد. ما در
جستجوی ارائه جاذبه های مسیح و واقعیت های
نادیده جهان آینده به آنها خواهیم بود. شدت میل
برای دنبال کردن در مسیری که عیسی قدم
گذاشته بود وجود خواهد داشت. یک اشتیاق
جدی وجود خواهد داشت که آنها را در
اطراف ما هستند ممکن "بره خدا را ببینند،

کسیکه گناه جهان را از بین میبرد. " جان
1:29.

و تلاش برای برکت دادن به دیگران در برکت
دادن به خود ما واکنش نشان خواهد داد. این
هدف خدا در دادن یک بخش به ما برای عمل
کردن در پلان رستگاری بود. او به مردان این
امتیاز را داده است که شریک شدن در طبیعت
الهی شوند و به نوبه خود، بخش کردن برکات
به هموعان خود باشند. این بالاترین افتخار،
بزرگترین شادی است که برای خدا ممکن است
به انسان ها اعطا کند. آنهاییکه از اینرو
اشتراک کننده در کارهای عشق میشوند به خالق
شان نزدیک میشوند.

خدا ممکن پیام انجیل و تمام کار وزارت دوست
داشتنی را به فرشتگان آسمانی واگذار کرده
باشد. او ممکن وسایل دیگری را برای تحقق
هدف خود بکار برده باشد. مگر در عشق بی
نهایت اش او انتخاب کرد تا ما را با خود، با
مسیح و فرشتگان همکار بسازد، تا ما بتوانیم
برکت، شادی، بالا بردن روحانی را که نتیجه
این وزارت بی خودی است شریک سازیم.

ما از طریق رفاقت با رنج های او با مسیح به
همدردی آورده شده ایم. هر عمل فداکاری برای
خیر دیگران روحیه خیرخواهی را در قلب هدیه
کننده تقویت میبخشد و او را با فدایی جهان
نزدیکتر میسازد، کسیکه "ثروتمند بود، مگر
بخاطر شما ... فقیر شد، که شما از طریق فقر
او ممکن غنی باشد. 2 کورینثیان 8:9. و این

فقط زمانی است که ما هدف الهی را در خلقت خود برآورده میسازیم که زندگی میتواند برای ما یک نعمت باشد.

اگر شما به کار بروید طوری که مسیح طرح میکند که شاگردان اش باید انجام دهند، و روح ها را برای او بدست بیاورید، شما نیاز به یک تجربه عمیق تر و دانش بیشتر در چیزهای الهی را احساس خواهید کرد، و بعد از صداقت گرسنه و تشنه خواهید شد. شما با خدا التماس خواهید کرد، و ایمان شما تقویت خواهد شد، و روح شما در چاه نجات آب های عمیق تر خواهد نوشید. مواجه شدن با مخالفت و آزمایشات شما را به کتاب مقدس و دعا سوق خواهد داد. شما در فیض و دانش مسیح رشد

خواهید کرد و یک تجربه غنی را توسعه
خواهید داد.

روحیه کار بی خودی برای دیگران عمق، ثبات
و دوست داشتنی مسیحی را به شخصیت می
دهد و به صاحب آن صلح و خوشبختی می
آورد. آرزوها بالا رفته است. هیچ جای برای
تنبلی یا خودخواهی وجود ندارد. آنها بیکه از
اینرو از لطف های عیسوی استفاده میکنند رشد
خواهند کرد و برای کار کردن برای خدا قوی
خواهند شد. آنها درک های واضح روحانی،
یک ایمان ثابت و در حال رشد، و یک قدرت
افزایش یافته در دعا خواهند داشت. روح خدا،
که بالای روح آنها حرکت میکند، هارمونی
های مقدس روح را در پاسخ به لمس الهی فرا
میخواند. آنها بیکه از اینرو خود را به تلاش بی

خودی برای خیر دیگران وقف میکنند یقیناً در حال کار کردن برای نجات خود هستند.

یگانه راه رشد در فیض این است که بی علاقه ای کار را که مسیح به ما امر کرده است انجام دهیم – تا حد توانایی ما، در کمک کردن و برکت دادن به آنهاییکه نیاز به کمک که ما میتوانیم به آنها بدهیم دخیل شویم. قدرت از ورزش بدست میاید؛ فعالیت شرط زندگی است. آنهاییکه تلاش میکنند تا زندگی عیسوی را با قبول کردن غیرفعال نعمت های که از طریق فیض بدست میاید حفظ نمایند، و هیچ کار برای مسیح انجام ندهند، فقط تلاش میکنند تا با خوردن بدون کار کردن زندگی کنند. و در روحانی مانند جهان طبیعی، این همیشه منجر به انحطاط و زوال میگردد. مردی که از تمرین

اندام خود امتناع می ورزد به زودی تمام قدرت استفاده از آنها را از دست می دهد. از اینرو عیسوی کسیکه قدرت های خدادادی خود را استفاده نخواهد کرد نه تنها در رشد کردن به مسیح ناکام میماند، بلکه او قدرت را که از قبل داشت از دست میدهد.

کلیسای مسیح اداره منصوب شده خدا برای نجات انسان ها است. ماموریت آن انتقال انجیل به جهان است. و این مکلفیت بر عهده تمام عیسویان است. هر کس، تا حد استعداد و فرصت خود، باید ماموریت نجات دهنده را انجام دهد. عشق مسیح، که به ما آشکار شده است، ما را مدیون همه کسانی که او را نمیشناسند میسازد. خدا به ما نور داده است، نه تنها برای خود ما، بلکه برای ریختن روی آنها.

اگر پیروان مسیح برای وظیفه بیدار بودند،
هزاران نفر وجود داشت جاییکه امروز یکی
وجود دارد که انجیل را در زمین های کافر
اعلام میکند. و تمام کسانی که شخصاً نمیتوانستند
در کار دخیل شوند، با وسایل، همدردی و
دعاهای شان آنها را حفظ میکردند. و در
کشورهای عیسوی برای روح ها کار بیشتر
جدی وجود خواهد داشت.

ما نیازی به رفتن به سرزمین های کافر نداریم،
یا حتی حلقه باریک خانه را ترک کنیم، اگر
وظیفه ما در آنجا باشد، تا برای مسیح کار کنیم.
ما میتوانیم این کار را در حلقه خانه، در کلیسا،
در بین آنها، با آنها ارتباط داریم، و با آنها
تجارت میکنیم انجام دهیم.

بخش بیشتر زندگی نجات دهنده ما روی زمین
در زحمت صبور در دکان نجار در ناصرت
سپری شد. فرشتگان خدمت کننده در حالیکه او
در کنار دهاقین و کارگران، ناشناخته و بدون
احترام قدم میزد، در کنار پروردگار زندگی
حضور یافتند. او در حالیکه در تجارت متواضع
خود کار میکرد با وفاداری ماموریت خود را
انجام میداد طوری که او بیماران را شفا میداد یا
روی امواج طوفان زده جلیله قدم میزد. از اینرو
در فروتنترین وظایف و پایین ترین موقعیت
های زندگی، ما ممکن با عیسی قدم بزنیم و کار
کنیم.

رسول میگوید، "بگذارید هر مرد، در آنجا که
فراخوانده شده است، در آنجا با خدا بماند. " 1

کورینثیان 7:24. تاجر ممکن تجارت خود را به یک طریقه انجام دهد که به دلیل وفاداری استاد او را تجلیل کند. اگر او یک پیرو واقعی مسیح باشد او دین خود را به هر چیزی که انجام میشود انتقال خواهد داد و روح مسیح را به مردان آشکار خواهد ساخت. میخانیک ممکن یک نماینده کوشا و وفادار او باشد کسیکه در قدم زدن های پست زندگی در بین تپه های جلیله رحمت کشیده است. هر کسی که نام مسیح را نامگذاری میکند باید طوری کار کند که دیگران، با دیدن کارهای خوب او، ممکن به تجلیل از خالق و فدایی خود سوق داده شوند.

بسیاری خود را از ارائه هدیه های خود به خدمت مسیح معاف کرده اند زیرا دیگران دارای اوقاف و مزایای برتر بودند. این نظر

غالب شده است که فقط آنهاییکه مخصوصاً با استعداد هستند ملزم اند تا توانایی های خود را به خدمت خدا وقف کنند. این توسط بسیاری ها درک شده است که استعدادها فقط به یک طبقه مشخص مورد علاقه داده میشود تا دیگران را که البته از آنها خواسته نشده اند تا در زحمت ها یا پاداش ها شریک شوند، داده میشود. مگر این در تمثیل چنین نشان داده نشده است. زمانیکه صاحب خانه خدمتکاران خود را فراخواند، کار خود را به هر مرد داد.

با یک روحیه دوست داشتنی ما ممکن فروتنانه ترین وظایف زندگی را "مانند خداوند" انجام دهیم. کولسیان 3:23. اگر عشق خدا در قلب باشد، در زندگی تجلی خواهد کرد. بوی شیرین

مسیح ما را احاطه خواهد کرد، و نفوذ ما را بالا خواهد برد و برکت خواهد داد.

شما نباید منتظر مناسبت های عالی باشید یا توقع توانایی های فوق العاده را قبل از اینکه برای خدا کار کنید داشته باشید. شما نیازی به فکر کردن در مورد اینکه جهان در مورد شما چه فکر خواهد کرد ندارید. اگر زندگی روزمره شما گواه پاکی و صداقت ایمان شما باشد، و دیگران باور داشته باشند که شما میخواهید به آنها نفع برسانید، تلاش های شما کاملاً از بین نخواهد رفت.

متواضع ترین و فقیرترین شاگردان عیسی میتواند برای دیگران یک نعمت باشد. آنها ممکن متوجه نشوند که آنها هیچ خیر خاصی

انجام میدهند، مگر توسط نفوذ ناخودآگاه آنها
آنها ممکن امواج برکت را آغاز کنند که وسیع و
عمیق تر خواهد شد، و نتایج مبارک را آنها
ممکن تا روز پاداش نهایی هیچگاه ندانند. آنها
احساس نمیکند یا نمیدانند که آنها چیزی عالی
انجام میدهند. آنها نیازی ندارند که خود را با
اضطراب در مورد موفقیت خسته کنند. آنها فقط
باید بی سروصدا به جلو بروند، و با وفاداری
کار را که تدبیر خدا تعیین میکند انجام دهند، و
زندگی آنها بیهوده نخواهد بود. روح های خود
آنها بیشتر و بیشتر به شباهت مسیح رشد خواهد
کرد؛ آنها در این زندگی با خدا کار میکنند و از
اینرو برای کار بالاتر و شادی بی سایه زندگی
آینده مناسب هستند.

فصل 10—یک شناخت خدا

راه های زیادی وجود دارد که در آن خدا در جستجوی این است تا خود را به ما شناخته و ما را با او به ارتباط بیاورد. طبیعت بدون توقف با حواس ما صحبت میکند. قلب باز با عشق و جلال خدا که از طریق کارهای دستان او آشکار شده است متاثر خواهد شد. گوش شنونده میتواند ارتباطات خدا را از طریق چیزهای طبیعت بشنود و درک کند. مزارع سبز، درختان بلند، جوانه ها و گل ها، ابر عبور کننده، باران باران، نهر لبخند زن، شکوه های آسمان ها، با قلب های ما صحبت میکنند، و ما را دعوت میکند تا با او که همه آنها را آفریده است آشنا شویم.

نجات دهنده ما دروس گرانبهای خود را با
چیزهای طبیعت پیوند داد. درختان، پرندگان،
گل های دره ها، تپه ها، جهیل ها، و بهشت های
زیبا، همچنان حوادث و محیط های زندگی
روزمره، همه با کلمات حقیقت پیوند خورده
بودند، که درس های او شاید از اینرو اغلب
اوقات باشد به ذهن یادآوری شد، حتی در میان
دغدغه های مصروف زندگی زحمت انسان.

خدا میخواهد که اولاد هایش از کارهای او
قدردانی کنند و از زیبایی ساده و آرام که خانه
زمینی ما را با آن تزئین کرده است لذت ببرند.
او عاشق زیبایی است، و بالای همه چیز که از
نظر ظاهری جذاب است او زیبایی شخصیت را
دوست دارد؛ او از ما میخواست تا خلوص و
سادگی، لطف های آرام گل ها را پرورش دهیم.

اگر ما فقط گوش دهیم، کارهای خلق شده خدا به ما درس های گرانبها اطاعت و اعتماد را یاد خواهد داد. از ستارگان که در مسیر های بی مسیر شان در فضا از سن به سن مسیر تعیین شده شان را دنبال میکنند، تا به کوچکترین اتوم، چیزهای طبیعت از اراده خالق اطاعت میکنند. و خدا به همه چیز اهمیت میدهد و هر چیزی را که آفریده است حفظ میکند. او کسیکه جهان های بی شمار را در سراسر ابعاد حمایت میکند، در عین زمان به خواسته های گنجشک قهوه ای کوچک که بدون ترس آهنگ فروتنانه خود را میخواند، مراقبت میکند. زمانیکه مردان به کار روزانه شان میروند، مانند زمانیکه آنها در دعا مشغول میشوند؛ زمانیکه آنها در شب دراز میکشند، و زمانیکه آنها در صبح بلند

میشوند؛ زمانیکه مرد ثروتمند در قصر خود
ضیافت میگیرد، یا زمانیکه مرد فقیر اطفال
خود را در اطراف تخته کم جمع میکند، هر
کدام توسط پدر آسمانی با ملایمت تحت نظر
قرار میگیرد. هیچ اشکی ریخته نمی شود که
خداوند متوجه آن نشود. هیچ لبخندی وجود
ندارد که او آنرا نشانی نکند.

اگر ما این را کاملاً باور می‌کردیم، تمام
اضطراب های بیجا از بین میرفت. زندگی ما به
اندازه حالا پر از ناامیدی نخواهد بود؛ برای
همه چیز، چه بزرگ یا کوچک، در دستان خدا
رها خواهد شد، کسیکه توسط تعدد مراقبت ها
گیج نمیشود، یا توسط وزن آنها غرق نمیشود.
بعداً ما باید از یک استراحت روح که بسیاری
از مردم با آن بیگانه بوده اند لذت ببریم.

طوری‌که حواس شما از زیبایی جذاب زمین لذت
می‌برند، در مورد جهان که در آینده است فکر
کنید، که هیچگاه آفت گناه و مرگ را نخواهد
شناخت؛ جایی‌که صورت طبیعت دیگر سایه
لعنت را نخواهد پوشید. اجازه دهید تخیل شما
خانه نجات یافته را تصور کند، و به یاد داشته
باشید که این خانه بیشتر از آنچه درخشان‌ترین
تخیل شما می‌تواند به تصویر بکشد، خواهد
بود. در هدایای متنوع خدا در طبیعت ما فقط
کمرنگ‌ترین درخشش جلال او را می‌بینیم. این
نوشته شده است، "چشم ندیده است، نه گوش
نشنیده است، و نه به قلب انسان داخل شده است،
چیزهایی که خدا برای آنهایی‌که او را دوست
دارند آماده کرده است. " 1 کورینثیان 2:9.

شاعر و طبیعت شناس در مورد طبیعت
چیزهای زیادی برای گفتن دارد، مگر این
عیسوی است که از زیبایی زمین با بالاترین
قدردانی لذت میبرد، بخاطریکه او کار دستی
پدرش را میشناسد و عشق او را در گل و بوته
و درخت درک میکند. هیچکس نمیتواند اهمیت
تپه و دره، دریا و بحر را بشکل کامل درک
کند، کسیکه به آنها منحیث یک بیان عشق خدا
به انسان نگاه نکند.

خدا از طریق کارهای احتیاطی خود و از
طریق تأثیر روح خود بر قلب با ما صحبت می
کند. در شرایط و محیط اطراف ما، در تغییرات
روزانه در اطراف ما، اگر قلب های ما برای
تشخیص آنها باز باشد، ما ممکن است درس
های باارزش پیدا کنیم. زبور نویس، با ردیابی

کار تدبیر خدا، میگوید، "زمین پر از نیکی های خداوند است." "هر کسی که عاقل باشد، و این چیزها را مشاهده کند، حتی آنها مهربانی خداوند را خواهند فهمید." مزمور 33:5؛ 107:43.

خدا در کلام خود با ما صحبت میکند. اینجا ما در خطوط واضح تر وحی شخصیت او، تعاملات او با مردان، و کار بزرگ رستگاری را داریم. اینجا تاریخ پدرشاهان و پیامبران و دیگر مردان مقدس قدیم در مقابل ما باز است. آنها مردانی بودند که "تابع اشتیاق های مانند ما بودند." جیمز 5:17. ما میبینیم که آنها چگونه با دلسردی های مانند ما دست و پنجه نرم کردند، چگونه آنها طوریکه ما انجام داده ایم تحت وسوسه قرار گرفتند، و با این حال دوباره دل گرفتند و از طریق فیض خدا پیروز شدند؛ و،

دیدن، ما در تلاش خود برای صداقت تشویق
میشویم. طوریکه ما در مورد تجارب گرانبها
که به آنها اعطا شده است، در مورد نور و
عشق و برکت که از آن لذت بردن از آنها بود،
و در مورد کار که آنها از طریق لطف داده شده
به آنها انجام دادند میخوانیم، روح که آنها را
الهام بخشید یک شعله تقلید مقدس را در قلب
های ما روشن میکند و یک تمایل برای اینکه
در شخصیت مانند آنها باشیم—مانند آنها تا با
خدا راه بروند.

عیسی در مورد متون مقدس عهد عتیق
گفت،—و این چقدر بیشتر در مورد جدید صدق
میکند،—"آنها آنهایی هستند که در مورد من
گواهی میدهند،" فدایی، کسیکه امیدهای ما برای
زندگی ابدی در او متمرکز است. جان 5:39.

بله، تمام کتاب مقدس در مورد مسیح میگوید. از نخستین ریکارد خلقت—برای "بدون او هیچ چیزی که ساخته شده بود ساخته نشده بود"—تا به وعده خاتمه دهنده، "ببینید، من زود می آیم،" ما کارهای او را می خوانیم و به صدای او گوش می دهیم. جان 1:3؛ مکاشفه 22:12. اگر شما میخواهید با نجات دهنده آشنا شوید، کتاب مقدس را مطالعه کنید.

تمام قلب را با کلمات خدا پر کن. آنها آب زنده هستند که تشنگی سوزان شما را رفع میکنند. آنها نان زنده از بهشت هستند. عیسی اعلام میکند، "مگر اینکه شما گوشت پسر انسان را نخورید، و خون او را بنوشید، شما در خود زندگی ندارید." و او خود را با گفتن این توضیح میدهد، "کلمات که من به شما میگویم،

آنها روح هستند، و آنها زندگی هستند. " یوحنا 6:53، 63. بدن ما از چیزی که ما میخوریم و مینوشیم ساخته شده است؛ و طوریکه در اقتصاد طبیعی است، در اقتصاد روحانی نیز: این چیزی است که ما در مورد اش فکر میکنیم که به طبیعت روحانی ما لحن و قدرت خواهد داد.

موضوع رستگاری چیزی است که فرشتگان میخواهند به آن نگاه کنند؛ این علم و آهنگ نجات یافته ها در طول عصرهای بی وقفه ابدیت خواهد بود. آیا این حالا ارزش تفکر و مطالعه دقیق را ندارد؟ رحمت و عشق بی نهایت عیسی، قربانی که از طرف ما انجام شده است، نیاز به جدی ترین و جدی ترین تامل دارد. ما باید روی شخصیت فدایی و شفیع عزیز خود تمرکز کنیم. ما باید در مورد ماموریت او

که آمده است تا مردم خود را از گناهان شان
نجات دهد، تفکر کنیم. طوریکه ما در مورد
موضوعات آسمانی تفکر میکنیم، ایمان و عشق
ما قوی تر خواهد شد، و دعا‌های ما برای خدا
بیشتر و بیشتر قابل قبول خواهد بود، بخاطریکه
آنها بیشتر و بیشتر با ایمان و عشق آمیخته
خواهد شد. آنها باهوش و پرشور خواهند بود.
اعتماد دوامدار بیشتر در عیسی وجود خواهد
داشت، و یک تجربه روزانه و زنده در قدرت
او برای نجات دادن به نهایی همه کسانی که
توسط او به خدا می آیند وجود خواهد داشت.

طوریکه ما در مورد کمالات نجات دهنده تفکر
میکنیم، ما می‌خواهیم که در تصویر پاکی او
کاملاً تغییر و تجدید شویم. یک گرسنگی و
تشنگی روح وجود خواهد داشت تا مانند او

شویم کسیکه ما او را میپرستیم. هر چه بیشتر افکار ما در مورد مسیح باشد، ما بیشتر در مورد او با دیگران صحبت خواهیم کرد و از او به جهان نمایندگی خواهیم کرد.

کتاب مقدس فقط برای دانشمند نوشته نشده است؛ بر عکس، این برای مردم عام طرح شده بود. حقایق بزرگ لازم برای نجات به اندازه ظهر واضح میگردد؛ و هیچکس اشتباه نخواهد کرد و راه خود را از دست نخواهد داد مگر آنهاییکه قضاوت خود را به عوض اراده خدا که واضحاً آشکار شده است دنبال میکنند.

ما نباید شهادت هیچ مرد را در مورد اینکه کتاب مقدس چه تدریس میکند بگیریم، مگر باید کلمات خدا را برای خود ما مطالعه کنیم. اگر ما

به دیگران اجازه دهیم تا تفکر ما را انجام دهند،
ما انرژی های فلج و توانایی های منقبض شده
خواهیم داشت. قدرت های نجیب ذهن ممکن با
فقدان تمرین روی موضوعات شایسته تمرکز
آنها چنان کوچک شود که توانایی خود را در
درک معنی عمیق کلام خدا از دست بدهد. اگر
ذهن در ردیابی رابطه موضوعات کتاب مقدس،
مقایسه کردن کتاب مقدس با کتاب مقدس و
چیزهای روحانی با روحانی بکار برده شود،
بزرگ خواهد شد.

هیچ چیز بیشتر از مطالعه کتاب مقدس برای
تقویت عقل محاسبه شده وجود ندارد. هیچ کتاب
دیگری برای بالا بردن افکار، برای دادن نیرو
به دانشکده ها، مانند حقایق گسترده و نجیب
انجیل، اینقدر قوی نیست. اگر کلام خدا طوریکه

باید مطالعه میشد، مردان یک وسعت ذهن، یک نجیب بودن شخصیت، و یک ثبات هدف داشتند که در این زمان ها به ندرت دیده میشود.

مگر از خواندن عجولانه کتاب مقدس سود کمی بدست میاید. یکی ممکن تمام کتاب مقدس را بخواند و در عین حال در دیدن زیبایی آن یا درک معنی عمیق و پنهان آن ناکام بماند. یک متن تا زمانی که اهمیت آن برای ذهن واضح گردد و ارتباط آن با پلان نجات آشکار گردد مطالعه شده است، ارزش بیشتری نسبت به مطالعه بسیاری از فصول بدون هدف مشخص در نظر دارد و بدون دستورالعمل مثبت بدست آمده است. کتاب مقدس خود را با خود نگه دارید. طوریکه شما فرصت دارید، آنرا بخوانید؛ متون را در حافظه تان درست کنید.

حتی زمانی که شما در سرک ها قدم میزنید شما ممکن یک متن را بخوانید و در مورد اش تفکر کنید، که از اینرو آنرا در ذهن ثابت میسازد.

ما نمیتوانیم بدون توجه جدی و مطالعه دعا کننده حکمت را بدست بیاوریم. بعضی از بخش های کتاب مقدس در حقیقت خیلی واضح است که نادرست فهمیده شود، مگر بخش های دیگر وجود دارد که معنی اش در سطح نیست تا در یک نگاه دیده شود. کتاب مقدس باید با کتاب مقدس مقایسه شود. باید تحقیق محتاطانه و تامل با دعا وجود داشته باشد. و چنین مطالعه به طور غنی بازپرداخت خواهد شد. طوریکه معدنچی رگ های فلز قیمتی را که در زیر سطح زمین پنهان شده اند کشف میکند، کسیکه بشکل پشتکار کلمه خدا را به عنوان گنجینه

پنهان جستجو میکند حقیقت های با ارزش ترین
را پیدا خواهد کرد که از دید جوینده بی پروا
پنهان شده است. کلمات الهام، که در قلب تفکر
میشود، مانند جریان های که از چشمه زندگی
جریان دارد خواهد بود.

هیچگاه نباید کتاب مقدس بدون دعا مطالعه
گردد. قبل از باز کردن صفحات آن ما باید
برای روشنگری روح القدس بخواهیم، و این
داده خواهد شد. زمانیکه ناتانایل به عیسی آمد،
نجات دهنده فریاد زد، "ببین یک اسرائیلی
واقعاً، که در او هیچ فریب نیست!" نتانیل گفت،
"تو مرا از کجا میشناسی؟" عیسی پاسخ داد،
"قبل از اینکه فیلیپ تو را صدا بزند، زمانیکه
تو زیر درخت انجیر بودی، من تو را دیدم."
یوحنا 1:47، 48. و عیسی ما را در مکان های

مخفی دعا نیز خواهد دید اگر ما او را برای نور
جستجو کنیم تا بدانیم حقیقت چیست. فرشتگان
از جهان نور با آنهاییکه در تواضع قلب در
جستجوی هدایت الهی هستند خواهند بود.

روح القدس نجات دهنده را بالا و تجلیل میکند.
این دفتر او است تا مسیح، خلوص صداقت او،
و نجات بزرگ که ما از طریق او داریم را
ارائه کند. عیسی میگوید، "او از من خواهد
گرفت، و آنرا به شما نشان خواهد داد. " یوحنا
16:14. روح حقیقت یگانه معلم موثر حقیقت
الهی است. خدا چگونه باید به نسل بشر احترام
بگذارد، بخاطریکه او پسر خود را داد تا برای
آنها بمیرد و روح خود را به عنوان معلم و
راهنمای مداوم انسان منصوب کرده است!

فصل 11—امتیاز دعا

از طریق طبیعت و وحی، از طریق تدبیر او، و توسط تاثیر روح او، خدا با ما صحبت میکند. مگر اینها کافی نیستند؛ ما همچنان نیاز داریم تا قلب های خود را به او بریزیم. برای اینکه زندگی و انرژی روحانی داشته باشیم، ما باید با پدر بهشتی خود رابطه واقعی داشته باشیم. ذهن ما ممکن به طرف او کشیده شود؛ ما ممکن در مورد کارهای او، رحمت های او، و برکات او تفکر کنیم؛ مگر این به تمام معنی، ارتباط با او نیست. برای اینکه با خدا ارتباط برقرار کنیم، ما باید در مورد زندگی واقعی خود چیزی برای گفتن به او داشته باشیم.

دعا باز کردن قلب به خدا مانند یک دوست است. نه اینکه این برای اینکه به خدا بدانیم که ما چه هستیم ضروری باشد، بلکه برای اینکه ما را قادر به دریافت او سازد. دعا خدا را به ما پایین نمیآورد، مگر ما را به او میرساند.

زمانیکه عیسی روی زمین بود، او به شاگردان خود یاد داد که چگونه دعا کنند. او به آنها هدایت کرد تا نیازهای روزانه خود را در مقابل خدا ارائه کنند و تمام مراقبت های خود را به او واگذار کنند. و اطمینان که او به آنها داد که درخواست های آنها باید شنیده شود، برای ما نیز اطمینان است.

خود عیسی، در حالیکه در بین انسان ها زندگی میکرد، معمولاً در دعا بود. نجات دهنده ما خود

را با نیازها و ضعف ما شناسایی کرد، در اینکه او یک التماس کننده، یک درخواست کننده شد، که از پدرش منابع تازه قدرت میخواست، تا او بتواند برای وظیفه و محاکمه آماده شده بیرون بیاید. او در همه چیز نمونه ما است. او یک برادر در ضعف های ما است، "در تمام نقاط مانند ما وسوسه شده است؛" مگر منحیث یک بی گناه طبیعت او از شر عقب نشینی کرد؛ او مبارزات و شکنجه روح را در دنیای گناه تحمل کرد. انسانیت او نماز را به یک ضرورت و یک امتیاز تبدیل کرد. او در ارتباط با پدرش راحتی و شادی یافت. و اگر نجات دهنده انسان ها، پسر خدا، نیاز به دعا را احساس میکرد، چقدر بیشتر باید انسان های ضعیف و گناهکار نیاز به دعای پرشور و دوامدار را احساس کنند.

پدر بهشتی ما منتظر است تا برکت کامل خود
را به ما اعطا کند. این امتیاز ما است که تا
حدی زیادی در چشمه عشق بی حد بنوشیم. این
چه تعجب آور است که ما اینقدر کم دعا میکنیم!
خدا آماده و مایل است تا دعای صادقانه فروتن
ترین فرزندان خود را بشنود، و با این حال از
طرف ما در آشکار ساختن خواسته های خود به
خدا بی میلی آشکار زیادی وجود دارد.
فرشتگان بهشت در مورد انسان های بیچاره و
بیچاره که در معرض وسوسه قرار دارند چه
فکر کرده میتوانند، زمانیکه قلب عشق بی
نهایت خدا به آنها مشتاق است، آماده است تا به
آنها بیشتر از چیزی که آنها میتوانند بخواهند یا
فکر کنند بدهد، و با این حال آنها خیلی کم دعا
میکنند و چنین دارند ایمان کم؟ فرشتگان دوست

دارند که در مقابل خدا تعظیم کنند؛ آنها دوست دارند که نزدیک او باشند. آنها ارتباط با خدا را بالاترین شادی خود میدانند؛ و با این حال اطفال زمین، کسانی که به کمک زیادی نیاز دارند که فقط خدا میتواند بدهد، به نظر میرسد که از راه رفتن بدون نور روح او، همراهی حضور او راضی هستند.

تاریکی شیطانی کسانی را که از نماز غفلت می کنند، احاطه می کند. وسوسه های زمزمه شده دشمن آنها را به گناه وسوسه میکند؛ و این همه به علت این است که آنها از امتیازات که خدا در انتصاب الهی دعا به آنها داده است استفاده نمیکنند. چرا پسران و دختران خدا باید از دعا کردن بی میل باشند، در حالیکه دعا کلید در دست ایمان برای باز کردن انبار بهشت است،

جاییکه منابع بیکران قادر مطلق گرامی دارند؟
بدون دعای بی وقفه و مشاهده دقیق ما در خطر
بی احتیاط شدن و انحراف از راه درست قرار
داریم. دشمن بشکل دوامدار در جستجوی
مسدود کردن راه به کرسی رحمت است، تا ما
با التماس و ایمان صادقانه فیض و قدرت
مقاومت در مقابل وسوسه را بدست نیاوریم.

شرایط معین وجود دارد که بر اساس آن ما
ممکن توقع داشته باشیم که خدا دعا‌های ما را
بشنود و پاسخ دهد. یکی از نخستین اینها این
است که ما نیاز خود را به کمک از او احساس
میکنیم. او وعده داده است، "من بالای کسی که
تشنه است آب خواهم ریخت، و سیل را روی
زمین خشک خواهم ریخت." اشعیا 44:3.
آنهاييکه گرسنه و تشنه صداقت هستند، کسانی که

در جستجوی خدا هستند، شاید یقین داشته باشند که آنها سیر خواهند شد. قلب باید به نفوذ روح باز باشد، در غیر آن برکت خدا دریافت شده نمیتواند.

نیاز بزرگ ما خود یک بحث است و به طور فصیح از طرف ما درخواست میکند. مگر باید از خداوند جستجو گردد تا این کارها را برای ما انجام دهد. او میگوید، "بخواید، و این به شما داده خواهد شد. " و "او کسیکه پسر خود را دریغ نکرد، مگر او را برای همه ما تحویل داد، چگونه او با او هم همه چیز را رایگان به ما نخواهد داد؟" متی 7:7؛ رومیان 8:32.

اگر ما در قلب های خود بی عدالتی را در نظر بگیریم، اگر ما به هر گناه شناخته شده چسبیده

باشیم، خداوند به ما گوش نخواهد داد؛ مگر
دعای روح توبه کننده و پشیمان همیشه قبول
میشود. زمانی که تمام اشتباهات شناخته شده
اصلاح گردد، ما ممکن باور کنیم که خدا به
درخواست های ما پاسخ خواهد داد. شایستگی
خود ما هیچگاه ما را به نفع خدا نخواهد داد؛ این
شایستگی عیسی است که ما را نجات خواهد
داد، خون او که ما را پاک خواهد کرد؛ با این
حال ما در رعایت شرایط پذیرش کار باید انجام
دهیم.

عنصر دیگر دعای غالب ایمان است. "کسی که
به خدا می آید باید باور داشته باشد که او وجود
دارد و او پاداش دهنده کسانی است که با مشقت
او را جستجو می کنند." عبرانیان 11:6. عیسی
به شاگردان خود گفت، "هر چیزی که شما

میخواهید، زمانیکه دعا میکنید، باور کنید که شما آنها را دریافت کرده اید، و شما آنها را خواهید داشت. "مارک 11:24. آیا ما او را به کلمه او میگیریم؟

اطمینان وسیع و نامحدود است، و او که وعده داده است وفادار است. زمانیکه ما چیزهایی را که خواسته ایم دریافت نمیکنیم، در زمانیکه ما میخواهیم، ما هنوز هم باید باور کنیم که خداوند میشوند و او به دعا‌های ما پاسخ خواهد داد. ما چنان گمراه و کوتاه بین هستیم که بعضی اوقات چیزهایی را میخواهیم که برای ما نعمت نباشد، و پدر آسمانی ما با عشق به دعا‌های ما با دادن چیزی که برای بالاترین خیر ما خواهد بود پاسخ میدهد—آنچه که ما خود ما میخواهیم اگر با دید روشنفکر الهی ما میتوانستیم تمام چیزها

را طوریکه واقعاً هستند ببینیم. زمانیکه معلوم میشود که دعا‌های ما پاسخ داده نشده است، ما باید به وعده پایبند باشیم؛ زیرا زمان پاسخ دادن یقیناً فرا خواهد رسید، و ما برکتی را که بیشتر نیاز داریم دریافت خواهیم کرد. مگر ادعا کردن اینکه دعا همیشه به همان شیوه و برای چیزی مشخص که ما می‌خواهیم پاسخ داده خواهد شد، فرضیه است. خدا خیلی عاقل است تا اشتباه کند، و خیلی خوب است تا هر چیز خوب را از آنهاییکه راست قدم می‌زنند دریغ کند. پس از اعتماد کردن به او نترسید، درحالی‌که شما پاسخ فوری دعا‌های تان را نمی‌بینید. به وعده مطمئن او اتکاء کنید، "بخواید، و به شما داده خواهد شد."

اگر ما با شک ها و ترس های خود مشوره بگیریم، یا تلاش کنیم تا هر چیزی را که نمیتوانیم واضحاً ببینیم حل کنیم، قبل از اینکه ایمان داشته باشیم، حیرت ها فقط افزایش و عمیق تر خواهد شد. اما اگر ما با احساس ناتوانی و وابستگی، همانطور که واقعاً هستیم، به سوی خدا بیاییم و در ایمان فروتنانه و اعتماد خواسته های خود را به او که دانش او بی نهایت است، کسیکه همه چیز را در خلقت می بیند، و کسیکه همه چیز را با اراده و کلام او اداره میکند، آشکار سازیم، او میتواند و به فریاد ما توجه خواهد کرد، و اجازه خواهد داد که نور به قلب های ما بدرخشد. از طریق دعای صادقانه ما با ذهن لایتناهی به ارتباط می آییم. ما ممکن در آن زمان هیچ شواهد قابل توجهی نداشته باشیم که صورت فدایی ما در شفقت و

عشق بالای ما خم شده است، اما این حتی چنین است. ما ممکن لمس قابل دید او را احساس نکنیم، مگر دست او در عشق و لطافت ترحم آمیز بالای ما است.

زمانیکه ما می‌خواهیم از خدا رحمت و برکت بخواهیم ما باید یک روحیه عشق و بخشش در قلب های خود داشته باشیم. چگونه میتوانیم دعا کنیم، "قرض های ما را ببخش، طوریکه ما بدهکاران خود را میبخشیم،" و در عین حال یک روحیه نابخشودنی را غرق کنیم؟ متی 6:12. اگر ما توقع داشته باشیم که دعا‌های خود ما شنیده شود ما باید دیگران را به همان شیوه و به همان اندازه که امیدواریم بخشیده شویم ببخشیم.

استقامت در نماز شرط دریافت قرار داده شده است. اگر ما در ایمان و تجربه رشد کنیم باید همیشه دعا کنیم. ما باید "در دعا فوری" باشیم، تا "در دعا ادامه دهیم، و در همان با شکرگزاری تماشا کنیم." رومیان 12:12؛ کولسیان 4:2. پیتر مومنان را تشویق میکند تا "هوشیار باشند، و برای دعا بیدار باشند." 1 پطرس 4:7. پولس هدایت میدهد، "در همه چیز با دعا و التماس با شکرگزاری اجازه دهید درخواست های شما به خدا معلوم گردد." فیلیپیان 4:6. جود میگوید، "مگر شما، عزیزان، در روح القدس دعا میکنید، خود را در عشق خدا نگه دارید." جودا 20، 21. دعای بی وقفه اتحاد ناشکسته روح با خدا است، تا زندگی از خدا به زندگی ما جریان یابد؛ و از زندگی ما، پاکی و تقدس به خدا برمیگردد.

در نماز نیاز به پشتکار وجود دارد؛ اجازه ندهید هیچ چیز مانع شما شود. تمام تلاش خود را انجام دهید تا ارتباط بین عیسی و روح خودتان را باز نگه دارید. هر فرصتی را برای رفتن به جایی که دعا کردن معمول است جستجو کنید. آنهاییکه واقعاً در جستجوی ارتباط با خدا هستند در جلسه نماز دیده خواهند شد، وفادار به انجام وظیفه خود و جدی و مشتاق برای بدست آوردن تمام مزایای که میتوانند بدست بیاورند. آنها هر فرصتی را برای قرار دادن خود در جایی که بتوانند شعاع های نور را از بهشت دریافت کنند، بهبود خواهند بخشید.

ما باید در حلقه خانواده نماز بخوانیم، و بالاتر از همه ما نباید از نماز پنهانی غفلت کنیم، زیرا

این زندگی روح است. این برای روح ناممکن است که شکوفا شود در حالیکه دعا غفلت میشود. نماز خانوادگی یا عمومی به تنهایی کافی نیست. در تنهایی بگذارید روح به چشم بازرسی کننده خدا باز شود. دعای مخفی باید فقط توسط خدای نمازشنوا شنیده شود. هیچ گوش کنجکاو نیست که بار چنین درخواست ها را دریافت کند. در دعای مخفی روح از تاثیرات اطراف آزاد است، از هیجان آزاد است. آرام، مگر با اشتیاق، این به دنبال خدا خواهد رسید. نفوذ شیرین و پایدار خواهد بود که از کسیکه در مخفی میبیند، کسیکه گوش اش برای شنیدن دعای که از قلب بوجود میاید باز است. با ایمان آرام و ساده روح با خدا ارتباط برقرار میکند و شعاع های نور الهی را برای تقویت و

حفظ آن در درگیری با شیطان برای خود جمع میکند. خداوند برج قدرت ما است.

در کمد تان دعا کنید، و طوریکه شما کار روزانه تان را انجام میدهید بگذارید قلب تان اغلب اوقات به خدا بالا برده شود. این طوری بود که حنوک با خدا قدم زد. این دعا‌های خاموش مانند بخور گرانبها در برابر عرش فیض بلند می شوند. شیطان نمیتواند بالای کسی که قلب اش روی خدا ثابت شده است غلبه کند.

هیچ زمان یا مکان وجود ندارد که در آن تقدیم کردن یک درخواست به خدا نامناسب باشد. هیچ چیز وجود ندارد که بتواند ما را از بالا بردن قلب های خود در روحیه دعای جدی مانع شود. در میان ازدحام سرک، در وسط یک تعامل

تجارتی، ما ممکن یک درخواست را به خدا
بفرستیم و برای هدایت الهی التماس کنیم،
طوری‌که نحیمیا زمانیکه درخواست خود را قبل
از پادشاه ارتشرشس کرد انجام داد. یک کمد
اشتراک ممکن هر جا که ما باشیم یافت گردد.
ما باید دروازه قلب را بشکل دوامدار باز داشته
باشیم و دعوت ما بالا می‌رود تا عیسی بیاید و
منحیث یک مهمان بهشتی در روح بماند.

درحالی‌که ممکن یک فضای آلوده و فاسد در
اطراف ما وجود داشته باشد، ما نیازی به تنفس
میانمای آن نداریم، مگر ممکن در هوای
خالص بهشت زندگی کنیم. ما ممکن هر دروازه
را به روی تصورات ناپاک و افکار نامقدس با
بالا بردن روح به حضور خدا از طریق دعای
صادقانه ببندیم. آنهایی‌که قلب های شان برای

دریافت حمایت و برکت خدا باز است در یک فضای مقدس تر از زمین قدم خواهند زد و با بهشت ارتباط دوامدار خواهند داشت.

ما باید دیدهای متمایز تر در مورد عیسی داشته باشیم و درک کامل تری از ارزش واقعیت های ابدی داشته باشیم. زیبایی تقدس این است که قلب های فرزندان خدا را پر کند؛ و اینکه این ممکن است انجام شود، ما باید در جستجوی افشاگری های الهی چیزهای آسمانی باشیم.

بگذارید روح بیرون و به بالا کشیده شود، تا خدا به ما یک نفس از جو آسمانی عطا کند. ما ممکن به خدا چنان نزدیک باشیم که در هر آزمایش غیرمنتظره افکار ما به طور طبیعی به

سوی او برگردد طوریکه گل به آفتاب
برمیگردد.

خواسته ها، شادی ها، غم ها، مراقبت ها و
ترس های خود را در مقابل خدا نگه دارید. شما
نمیتوانید او را بار کنید؛ شما نمیتوانید او را
خسته کنید. او کسیکه موهای سر شما را
شمارش میکند نسبت به خواسته های اولاد
هایش بی تفاوت نیست. "خداوند بسیار رقت
انگیز و مهربان است. " جیمز 5:11. قلب عشق
او توسط غم های ما و حتی توسط اظهارات ما
در مورد آنها متاثر شده است. هر چیزی را که
ذهن را گیج میسازد به او ببرید. هیچ چیز برای
تحمل او خیلی بزرگ نیست، بخاطریکه او
جهان ها را نگه میدارد، او بالای تمام امور
جهان حکومت میکند. هیچ چیز که به هیچ وجه

نگران صلح ما باشد برای او خیلی کوچک نیست تا متوجه شود. هیچ فصل در تجربه ما برای خواندن او خیلی تاریک وجود ندارد؛ هیچ حیرت وجود ندارد که برای او کشف کردن آن خیلی سخت باشد. هیچ مصیبت نمیتواند برای کوچکترین اولاد های او اتفاق بیافتد، هیچ اضطراب روح را اذیت نمیکند، هیچ خوشحالی، هیچ دعای صادقانه از لب ها فرار نمیکند، که پدر بهشتی ما در مورد آن بی توجه است، یا هیچ علاقه فوری به آن ندارد. "او قلب های شکسته را شفا میدهد و زخم های آنها را میبندد. "مزمور 147:3. روابط بین خدا و هر روح به اندازه ای متمایز و کامل است که گویا روح دیگری روی زمین وجود ندارد تا مراقبت از او را به اشتراک بگذارد، نه روح دیگری که او پسر محبوب خود را برایش داده است.

عیسی گفت، "شما به نام من بخواهید: و من به شما نمیگویم که من برای شما از پدر دعا خواهم کرد: بخاطریکه پدر خود شما را دوست دارد. " "من شما را انتخاب کرده ام: ... تا هر چیزی که شما از پدر به نام من بخواهید، او آنرا به شما بدهد. " یوحنا 16:26، 27؛ 15:16.

مگر دعا کردن به اسم عیسی چیزی بیشتر از ذکر کردن آن نام در آغاز و پایان یک دعا است. این دعا کردن در ذهن و روح عیسی است، در حالیکه ما به وعده های او باور داریم، به لطف او اتکاء میکنیم، و کارهای او را انجام میدهیم.

خدا به این معنی نیست که هیچ یک از ما باید زاهد یا راهب شویم و از جهان بازنشسته شویم

تا خود را به عبادت ها وقف کنیم. زندگی باید
مانند زندگی مسیح باشد—بین کوه و جمعیت.
کسی که کاری جز نماز انجام نمی‌دهد، به
زودی از نماز خواندن باز خواهد ماند و یا
نمازش به روال رسمی تبدیل خواهد شد.
زمانیکه مردان خود را از زندگی اجتماعی دور
میکنند، از ساحه وظیفه عیسوی و تحمل
صلیب؛ زمانیکه آنها از کار کردن برای استاد،
کسیکه برای آنها با جدیت کار کرده است،
متوقف میشوند، آنها موضوع دعا را از دست
میدهند و هیچ انگیزه برای ارادت ندارند.
دعاهای آنها شخصی و خودخواهانه میشود. آنها
نمیتوانند در مورد خواسته های بشریت یا اعمار
پادشاهی مسیح دعا کنند، و برای قدرت که با آن
کار کنند التماس کنند.

ما زمانیکه امتیاز یکجا شدن با هم را برای تقویت و تشویق یکدیگر در خدمت خدا نادیده میگیریم یک ضرر را تحمل میکنیم. حقایق کلام او وضوح و اهمیت خود را در ذهن ما از دست میدهد. قلب های ما از روشن شدن و تحریک شدن توسط نفوذ تقدیس کننده آنها متوقف میشوند و ما در معنویت کاهش میابیم. در ارتباط ما منحصراً عیسویان ما با فقدان همدردی با یکدیگر چیزهای زیادی را از دست میدهیم. کسیکه خود را به خود میبندد موقعیت را که خدا طرح ریزی کرده است را پر نمیکند. پرورش درست عناصر اجتماعی در طبیعت ما را به همدردی با دیگران میرساند و وسیله توسعه و نیرومندی برای ما در خدمت به خدا است.

اگر عیسویان با هم یکجا میشدند، با یکدیگر در مورد عشق خدا و حقایق گرانبهای رستگاری صحبت میکردند، قلب های خود شان تازه میشد و آنها یکدیگر را تازه میکردند. ما ممکن روزانه در مورد پدر بهشتی خود بیشتر یاد بگیریم، و یک تجربه تازه از لطف او بدست بیاوریم؛ بعد ما میخواهیم در مورد عشق او صحبت کنیم؛ و طوریکه ما این کار را انجام میدهیم، قلب های خود ما گرم و تشویق خواهد شد. اگر ما بیشتر در مورد عیسی فکر و صحبت میکردیم، و کمتر در مورد خود، ما باید حضور او را خیلی بیشتر داشته باشیم.

اگر ما در مورد خدا هر زمانیکه شواهد مراقبت او از ما داشته باشیم فکر کنیم، ما باید او را همیشه در افکار خود نگه داریم و باید خوشحال

باشیم که در مورد او صحبت کنیم و او را
ستایش کنیم. ما در مورد چیزهای زمانی
صحبت میکنیم بخاطریکه ما به آنها علاقه
داریم. ما در مورد دوستان خود صحبت میکنیم
بخاطریکه ما آنها را دوست داریم؛ خوشی‌ها و
غم‌های ما با آنها گره خورده است. مگر ما
دلیل بی‌نهایت بیشتر برای دوست داشتن خدا
نسبت به دوست داشتن دوستان زمینی خود
داریم؛ این باید طبیعی‌ترین چیز در جهان باشد
که او را در تمام افکار ما اول قرار دهیم، تا در
مورد خوبی او صحبت کنیم و در مورد قدرت
او بگوییم. هدیه‌های غنی که او به ما اعطا
کرده است در نظر گرفته نشده است تا افکار و
عشق ما را آنقدر جذب کند که ما نباید چیزی
برای دادن به خدا داشته باشیم؛ آنها بشکل
دوامدار ما را از او یادآوری میکنند و ما را در

پیوندهای عشق و سپاسگزاری از خیرخواه
بهشتی ما میبندند. ما خیلی نزدیک زمین های
پست زمین زندگی میکنیم. بیایید چشمان خود را
به دروازه باز پناه گاه بالا بالا کنیم، جایی که
نور جلال خدا در صورت مسیح می درخشد،
کسیکه "همچنان قادر به نجات دادن آنهاییکه از
طریق او به خدا می آیند است." عبرانیان 7:25.

ما نیاز داریم تا خدا را بیشتر "برای نیکی او، و
برای کارهای شگفت انگیز او به اولاد انسان
ها" ستایش کنیم. مزمور 107:8. تمرینات
عبادت ما نباید کاملاً در درخواست و دریافت
باشد. اجازه بدهید ما همیشه در مورد خواسته
های خود فکر نکنیم و هیچگاه در مورد مزایای
که دریافت میکنیم فکر نکنیم. ما خیلی زیاد دعا
نمیکنیم، مگر ما در شکر کردن خیلی دریغ

میکنیم. ما دریافت کنندگان ثابت رحمت های
خدا هستیم، و با این حال چقدر سپاسگزاری کم
ابراز میکنیم، چقدر کم او را برای چیزی که او
برای ما انجام داده است ستایش میکنیم.

در قدیم خداوند به اسرائیل دستور داد، زمانیکه
آنها برای خدمت او با هم یکجا شدند، "شما باید
در مقابل خداوند خدای تان غذا بخورید، و شما
باید از هر چیزی که دست تان را روی آن
میگذارید، شما و خانواده های تان که در آن
خداوند خدای تان شما را برکت داده است،
خوشحال شوید." تثنیه 12:7. آنچه برای جلال
خدا انجام می شود باید با نشاط، با آهنگ های
ستایش و شکرگزاری انجام شود، نه با غم و
تاریکی.

خدای ما یک پدر مهربان و مهربان است.
خدمات او نباید به عنوان یک تمرین دلخراش و
ناراحت کننده دیده شود. این باید یک لذت باشد
که خداوند را پرستش کنیم و در کار او اشتراک
کنیم. خدا نمیخواهد که اولاد هایش، کسانی که
برای آنها نجات بزرگ فراهم شده است، طوری
عمل کنند که گویا او یک کارمند سخت و دقیق
است. او بهترین دوست آنها است؛ و زمانی که
آنها او را پرستش میکنند، او توقع دارد که با
آنها باشد، تا آنها را برکت و تسلی دهد، و قلب
های آنها را با شادی و عشق پر کند. خداوند
میخواهد که اولاد هایش در خدمت او تسلی
بگیرند و در کار او بیشتر از سختی لذت ببرند.
او میخواهد که آنهايي که برای عبادت او میایند
افکار گرانبها مراقبت و عشق او را با خود
ببرند، تا آنها در تمام کارهای زندگی روزمره

خوشحال شوند، تا آنها لطف داشته باشند تا در تمام چیزها صادقانه و وفادارانه رفتار کنند.

ما باید در مورد صلیب جمع شویم. مسیح و او که مصلوب شده است باید موضوع تفکر، گفتگو و شادترین احساس ما باشد. ما باید هر نعمت را که از خدا دریافت میکنیم در افکار خود نگهداریم، و زمانیکه ما عشق بزرگ او را درک میکنیم ما باید مایل باشیم تا همه چیز را به دست که برای ما به صلیب میخکوب شده است اعتماد کنیم.

روح ممکن به بهشت نزدیکتر روی بال های ستایش صعود کند. خدا در محاکم بالا با آهنگ و موسیقی پرستش میشود، و طوریکه ما سپاسگزاری خود را ابراز میکنیم ما به پرستش

میزبانان آسمانی نزدیک میشوند. "هر کسی که
ستایش میکند" خدا را تجلیل میکند. مزمور
50:23. بیایید با خوشحالی محترمانه با
"شکرگزاری و صدای ملودی" به پیش خالق
خود بیاییم. اشعیا 51:3.

فصل 12—با شک چه باید کرد

بسیاری، مخصوصاً آنهاييکه در زندگي عيسوي جوان هستند، بعضي اوقات با پيشنهادات شک گرايي مشکل دارند. در انجيل چيزهاي زيادي وجود دارد که آنها نمیتوانند آنرا توضيح دهند، يا حتی درک کنند، و شيطان از اينها برای تکان دادن ايمان آنها به کتاب مقدس به عنوان یک وحی از طرف خدا استفاده میکند. آنها میپرسند، "من چگونه میتوانم راه درست را بدانم؟ اگر انجيل در حقيقت کلام خدا باشد، چگونه میتوانم از اين شک ها و حيرت ها آزاد شوم؟"

خدا هیچگاه از ما نمیخواهد که باور کنیم، بدون ارائه شواهد کافی که ايمان خود را بر اساس آن استوار کنیم. وجود او، شخصيت او، صداقت

کلمه او، همه توسط شهادت که به دلیل ما توسل میکند، تاسیس شده است؛ و این گواهی فراوان است. مگر خداوند هیچگاه احتمال شک را از بین نبرده است. ایمان ما باید روی شواهد استوار باشد، نه روی نمایش. آنهاییکه میخواهند شک کنند فرصت خواهند داشت؛ درحالیکه آنهاییکه واقعاً میخواهند حقیقت را بدانند شواهد زیادی پیدا خواهند کرد که ایمان خود را روی آن استوار کنند.

این برای ذهن های محدود ناممکن است تا شخصیت یا کارهای یکی لایتناهی را بشکل کامل درک نماید. به تیزترین عقل، تحصیل کرده ترین ذهن، آن موجود مقدس باید همیشه در راز پوشیده بماند. آیا شما میتوانید با جستجو کردن خدا را پیدا کنید؟ آیا تو میتوانی قادر

مطلق را تا کمال پیدا کنی؟ این به اندازه بهشت
بالا است؛ تو چه میتوانی انجام دهی؟ عمیق تر
از جهنم؛ تو چه میتوانی بدانی؟" ایوب 11:7،
8.

پولس رسول فریاد میزند، "ای عمق ثروت هم
حکمت و هم دانش خدا! چقدر قضاوت های او
غیر قابل جستجو است، و راه های او قابل کشف
نیست! رومیان 11:33. مگر در حالیکه "ابر ها و
تاریکی دور او هستند،" "عدالت و قضاوت
اساس تخت او است." مزمور 97:2، R.V. ما
تا این لحظه میتوانیم تعاملات او را با خود و
انگیزه های که توسط آن او تحریک میشود را
درک کنیم، تا بتوانیم عشق و رحمت بی حد و
حصر را که با قدرت بی نهایت متحد شده اند
تشخیص دهیم. ما میتوانیم به اندازه که دانستن

آن برای نفع ما است مقاصد او را بدانیم؛ و
فراتر از این ما باید هنوز هم به دست که قادر
مطلق است، قلب که پر از عشق است اعتماد
کنیم.

کلام خدا، مانند شخصیت مؤلف الهی اش،
اسرار را ارائه میکند که هیچگاه توسط
موجودات محدود نمیتواند بشکل کامل درک
گردد. ورود گناه به جهان، تجسم مسیح،
بازسازی، رستاخیز، و بسیاری از موضوعات
دیگر که در انجیل ارائه شده است، اسرار خیلی
عمیق برای توضیح ذهن انسان است، یا حتی
بشکل کامل درک کند. مگر ما هیچ دلیلی برای
شک کردن در کلمه خدا نداریم بخاطریکه ما
نمیتوانیم اسرار تدبیر او را درک کنیم. در جهان
طبیعی ما بشکل دوامدار با اسرار که ما

نمیتوانیم درک کنیم احاطه شده ایم. متواضع
ترین اشکال زندگی یک مشکل را ارائه میکند
که عاقل ترین فیلسوفان در تشریح آن قادر
نیستند. همه جا شگفتی های فراتر از شناخت ما
وجود دارد. آیا ما باید تعجب کنیم که در جهان
روحانی همچنان اسرار وجود دارد که ما
نمیتوانیم آنرا درک کنیم؟ مشکل فقط در ضعف
و باریک بودن ذهن انسان نهفته است. خدا در
کتاب مقدس به ما شواهد کافی در مورد
شخصیت الهی آنها داده است، و ما نباید در
کلمه او شک کنیم زیرا ما نمیتوانیم تمام اسرار
تدبیر او را بفهمیم.

پیتر رسول میگوید که در کتاب مقدس "چیزهای
وجود دارد که درک کردن اش سخت است،
آنهاييکه بی یاد گرفته اند و بی ثبات هستند آنرا

... برای نابودی خود میبچند. " 2 پطرس
3:16. مشکلات کتاب مقدس توسط شکاکان به
عنوان یک استدلال علیه کتاب مقدس تشویق
شده است؛ مگر تا حالا از این، آنها یک شواهد
قوی الهام الهی آنرا تشکیل میدهد. اگر این شامل
هیچ حساب خدا نبود مگر چیزی که ما
میتوانستیم به آسانی درک کنیم؛ اگر عظمت و
عظمت او توسط ذهن های محدود درک گردد،
درینصورت کتاب مقدس دارای اعتبارات
غیرقابل انکار اقتدار الهی نخواهد بود. عظمت
و رمز و راز موضوعات ارائه شده باید الهام
بخش ایمان به آن به عنوان کلام خدا شود.

انجیل حقیقت را با سادگی و یک سازگاری
کامل با نیازها و آرزوهای قلب انسان آشکار
میسازد، که ذهن های بسیار پرورش یافته را

شگفت زده و مسحور کرده است، در حالیکه
فروتن ترین و بی فرهنگ ترین ها را قادر
میسازد تا راه نجات را تشخیص دهند. و با این
حال این حقایق به سادگی بیان شده بر
موضوعات بسیار بلند، بسیار دور رس، و بی
نهایت فراتر از قدرت درک انسان قرار دارد که
ما میتوانیم آنها را فقط به این دلیل قبول کنیم که
خدا آنها را اعلام کرده است. از اینرو پلان
رستگاری برای ما باز شده است، تا هر روح
بتواند قدم های را که او باید در توبه به سوی
خدا و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح بردارد،
ببیند تا در راه تعیین شده خدا نجات یابد؛ مگر
در زیر این حقیقت ها، که به آسانی درک
میشوند، اسرار نهفته است که پنهان کردن جلال
او است—اسرار که ذهن را در تحقیق اش غلبه
میکند، مگر جستجوگر صادق حقیقت را با

احترام و ایمان الهام میبخشد. هر چه بیشتر او کتاب مقدس را جستجو کند، عقیده او عمیق تر می شود که این کلام خدای زنده است و عقل انسان در برابر عظمت وحی الهی تعظیم می کند.

تصدیق کردن اینکه ما نمیتوانیم حقایق بزرگ کتاب مقدس را بشکل کامل درک کنیم فقط قبول کردن است که ذهن محدود برای درک لایتناهی کافی نیست؛ آن انسان، با دانش محدود انسانی اش، نمیتواند اهداف همه شناسی را درک کند.

بخاطریکه آنها نمیتوانند تمام اسرار آنرا درک کنند، شکاک و کافر کلام خدا را رد میکنند؛ و تمام کسانی که ادعا میکنند که به کتاب مقدس باور دارند در این نقطه از خطر آزاد نیستند.

رسول میگوید، "برادران، مراقب باشید، مبادا در هیچ یک از شما قلب بد بی ایمانی، در دور شدن از خدای زنده وجود داشته باشد."

عبرانیان 3:12. این درست است که آموزه های کتاب مقدس را از نزدیک مطالعه کنیم و تا آنجا که در کتاب مقدس آشکار شده اند، "چیزهای عمیق خدا" را جستجو کنیم. 1 کورینثیان 2:10.

درحالیکه "چیزهای مخفی به خداوند خدای ما تعلق دارد،" "آن چیزهای که آشکار شده است به ما تعلق دارد." تثنیه 29:29. مگر این کار شیطان است تا قدرت های تحقیقی ذهن را منحرف سازد. یک غرور مشخص با در نظر داشت حقیقت کتاب مقدس مخلوط شده است، از اینرو اگر مردان نتوانند هر بخش از کتاب مقدس را به رضایت خود توضیح دهند، احساس بی صبری و شکست می کنند. این برای آنها

خیلی تحقیر آمیز است که تصدیق کنند که آنها کلمات الهام شده را نمیفهمند. آنها مایل نیستند که با صبر صبر کنند تا زمانی که خدا مناسب ببیند که حقیقت را به آنها آشکار سازد. آنها احساس میکنند که حکمت انسانی بدون کمک آنها برای اینکه آنها را قادر به درک کتاب مقدس سازد کافی است، و در انجام دادن این کار ناکام میمانند، آنها عملاً صلاحیت آنرا رد میکنند. این درست است که بسیاری از تیوری ها و دکتورین های که بصورت مشهور از کتاب مقدس مشتق شده اند هیچ اساس در تدریس آن ندارند، و در حقیقت با تمام متن الهام برخلاف است. این چیزها سبب شک و سردرگمی بسیاری از ذهن ها شده است. آنها، اما، به کلام خدا متهم نیستند، بلکه به انحراف انسان در آن متهم میشوند.

اگر این برای موجودات مخلوق شده ممکن بود
تا به یک درک کامل خدا و کارهای او برسند،
پس، با رسیدن به این نقطه، برای آنها هیچ
کشف بیشتر حقیقت، هیچ رشد در دانش، هیچ
انکشاف بیشتر ذهن یا قلب وجود نداشت. خدا
دیگر عالی نخواهد بود؛ و انسان، با رسیدن به
حد دانش و دست آورد، از پیشرفت دست خواهد
کشید. خدا را شکر کنیم که چنین نیست. خدا
لایتناهی است؛ در او "تمام گنجینه های حکمت
و دانش" است. کولسیان 2:3. و تا ابدیت مردان
ممکن همیشه جستجو کنند، همیشه یاد بگیرند، و
با این حال هیچگاه گنجینه های حکمت، خوبی و
قدرت او را تمام نکنند.

خدا در نظر دارد که حتی در این زندگی حقایق
کلام او همیشه برای مردم او آشکار گردد. فقط
یک راه وجود دارد که این دانش را میتوان
بدست آورد. ما میتوانیم فقط از طریق روشنایی
آن روح که توسط آن کلمه داده شده است به
درک کلام خدا برسیم. "چیزهای خدا را هیچ
کس نمیداند مگر روح خدا؛" "زیرا روح همه
چیز را جستجو میکند، بله، چیزهای عمیق خدا.
" 1 کورینثیان 2:11، 10. و وعده نجات دهنده
به پیروان خود این بود، "زمانیکه او، روح
حقیقت، بیاید، او شما را به تمام حقیقت هدایت
خواهد کرد.... زیرا او از من دریافت خواهد
کرد و نشان خواهد داد آنرا به شما. یوحنا
13:16، 14.

خدا میخواهد که انسان قدرت های استدلال خود را بکار ببرد؛ و مطالعه کتاب مقدس ذهن را تقویت و بالا خواهد برد طوری که هیچ مطالعه دیگری نمیتواند. مگر ما باید از خدایی کردن عقل که تابع ضعف و ضعف بشریت است، مراقب باشیم. اگر ما نمیخواهیم که کتاب مقدس را برای درک خود ابری داشته باشیم، تا واضح ترین حقایق درک نشوند، ما باید سادگی و ایمان یک طفل کوچک را داشته باشیم، آماده یادگیری، و التماس کمک روح القدس. یک حس قدرت و حکمت خدا، و ناتوانی ما در درک عظمت او، باید ما را با تواضع الهام بخشد، و ما باید کلمه او را باز کنیم، طوری که ما با هیبت مقدس به حضور او داخل میشویم. زمانیکه ما به انجیل میرسیم، عقل باید یک صلاحیت برتر

از خود را تصدیق کند، و قلب و عقل باید به من
بزرگ تعظیم کند.

چیزهای زیادی وجود دارد که ظاهراً مشکل یا
مبهم است، که خدا آنرا برای آنهاييکه در
جستجوی درک آنها هستند واضح و ساده خواهد
ساخت. مگر بدون هدایت روح القدس ما بشکل
دوامدار مسؤل دست زدن کتاب مقدس یا تفسیر
نادرست آنها خواهیم بود. خواندن های زیادی
از کتاب مقدس وجود دارد که بدون سود و در
بسیاری از موارد یک آسیب مثبت است.
زمانیکه کلام خدا بدون احترام و بدون دعا باز
میشود؛ زمانیکه افکار و محبت ها روی خدا
ثابت نباشد، یا در هماهنگی با اراده او نباشد،
ذهن با شک ها ابری میشود؛ و در مطالعه کتاب
مقدس، شک و تردید تقویت می شود. دشمن

کنترول افکار را در دست میگیرد، و او
تفسیری را پیشنهاد میکند که درست نیستند. هر
زمانیکه مردان در کلمه و عمل در جستجوی
هماهنگی با خدا نباشند، پس، به هر اندازه که
آنها یاد گرفته باشند، آنها در درک کتاب مقدس
در معرض اشتباه قرار میگیرند، و اعتماد
کردن به توضیحات آنها مصون نیست. آنهاييکه
به کتاب مقدس برای یافتن اختلافات نگاه
میکنند، بینش روحانی ندارند. با دید تحریف
شده آنها دلایل زیادی برای شک و بی باوری
در چیزهایی که واقعاً ساده و ساده هستند،
خواهند دید.

هر طور که آنها میتوانند آنرا پنهان کنند، علت
واقعی شک و شک و تردید، در بسیاری قضایا،
عشق به گناه است. آموزه ها و محدودیت های

کلام خدا برای قلب مغرور و گناه پرور خوش
آمدید نیست و آنهاییکه حاضر به اطاعت از
الزامات آن نیستند آماده اند تا در مورد اقتدار آن
شک کنند. برای رسیدن به حقیقت، ما باید یک
تمایل صادقانه برای دانستن حقیقت و یک
رضایت قلبی برای اطاعت از آن داشته باشیم.
و تمام کسانی که با این روحیه به مطالعه کتاب
مقدس می آیند شواهد فراوانی پیدا خواهند کرد
که این کلام خدا است و آنها ممکن است درک
حقایق آن را بدست آورند که آنها را برای نجات
عاقل می کند.

مسیح گفته است، "اگر کسی بخواهد که اراده او
را انجام دهد، او از آموزه خواهد دانست." "جان
7:17، آر وی به عوض پرسش کردن و در
مورد چیزی که شما نمیفهمید، به نور که از قبل

بالای شما میدرخشد توجه کنید، و شما نور
بیشتر دریافت خواهید کرد. به لطف مسیح، هر
وظیفه را که برای درک شما واضح شده است
انجام دهید، و شما قادر خواهید بود تا آنهاییکه
حالا در مورد اش شک هستید را درک و انجام
دهید.

یک شواهد وجود دارد که برای همه باز است،
– تحصیل کرده ترین، و بی سواد ترین، –
شواهد تجربه. خدا ما را دعوت میکند تا حقیقت
کلام او، حقیقت وعده های او را برای خود
ثابت کنیم. او به ما میگوید "چشید و ببینید که
خداوند خوب است." مزمور 34:8. به عوض
اتکاء به کلمه شخص دیگری، ما باید برای خود
ما مزه کنیم. او اعلام میکند، "بخواید، و شما
دریافت خواهید کرد." یوحنا 16:24. وعده

های او برآورده خواهد شد. آنها هیچگاه ناکام نشده اند؛ آنها هیچگاه نمیتوانند شکست بخورند. و طوریکه ما به عیسی نزدیک میشویم، و در عشق کامل او خوشحال میشویم، شک و تاریکی ما در روشنی حضور او از بین خواهد رفت.

پولس رسول میگوید که خدا "ما را از قدرت تاریکی نجات داده است و ما را به پادشاهی پسر عزیز خود منتقل کرده است." کولسیان 1:13. و هر کسی که از مرگ به زندگی عبور کرده است قادر است "مهر خود را بگذارد که خدا راست است." جان 3:33. او میتواند گواهی دهد، "من به کمک نیاز داشتم، و من آنرا در عیسی یافتم. هر خواست برآورده شد، گرسنگی روح من برآورده شد؛ و حالا کتاب مقدس برای من وحی عیسی مسیح است. آیا شما میپرسید که

چرا من به عیسی باور دارم؟ بخاطریکه او
برای من یک نجات دهنده الهی است. چرا من
به کتاب مقدس باور دارم؟ بخاطریکه من یافته
ام که این صدای خدا به روح من است. ما
ممکن در خود شاهد داشته باشیم که کتاب مقدس
درست است، که مسیح پسر خدا است. ما میدانیم
که ما افسانه های حیلہ گرانه را دنبال نمیکنیم.

پیتر برادران خود را تشویق میکند تا "در فیض
و دانش خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح
رشد کنند." 2 پطرس 3:18. زمانیکه مردم خدا
در فیض رشد میکنند، آنها بشکل دوامدار یک
درک واضح تر از کلام او بدست خواهند آورد.
آنها نور و زیبایی جدید را در حقایق مقدس آن
تشخیص خواهند داد. این در تاریخ کلیسا در
تمام عصرها درست بوده است، و از اینرو تا

آخر ادامه خواهد داشت. "راه صالحان مانند نور سپیده دم است که تا روز کامل بیشتر و بیشتر می‌درخشد. " امثال 4:18، R.V.، حاشیه.

با ایمان ما میتوانیم به آخرت نگاه کنیم و تعهد خدا را برای رشد عقل، متحد شدن استعدادهای انسانی با الهی، و هر قدرت روح که با منبع نور در تماس مستقیم قرار می‌گیرد، درک کنیم. ما ممکن خوشحال باشیم که تمام چیزی که ما را در تدبیر خدا گیج کرده است بعداً واضح خواهد شد، چیزهای که درک کردن اش سخت است بعداً یک توضیح پیدا خواهد کرد؛ و جاییکه ذهن های محدود ما فقط سردرگمی و مقاصد شکسته را کشف کرد، ما کاملترین و زیباترین هماهنگی را خواهیم دید. حالا ما از طریق یک شیشه، تاریک میبینیم؛ مگر بعد رو به رو: حالا

من تا حدی میدانم؛ مگر بعد من خواهم دانست
طوریکه من شناخته شده ام. 1 کورینتیان
13:12.

فصل 13—خوشحال شدن در خداوند

فرزندان خدا فراخوانده شده اند تا نمایندگان مسیح باشند و خوبی و رحمت خداوند را نشان دهند. طوریکه عیسی شخصیت واقعی پدر را به ما آشکار ساخته است، از اینرو ما باید مسیح را به جهانی که عشق لطیف و ترحم آمیز او را نمیشناسد آشکار سازیم. عیسی گفت، "همانطور که تو مرا به جهان فرستادی، من هم آنها را به جهان فرستاده ام." "من در آنها، و تو در من؛ ... تا جهان بداند که تو مرا فرستاده ای. یوحنا 17:18، 23. پولس رسول به شاگردان عیسی میگوید، "شما آشکاراً اعلام شده اید که نامه مسیح هستید،" "که توسط همه مردم شناخته شده و خوانده شده است." 2 کورینتیان 3:3، 2. در هر یک از اطفال خود، عیسی یک نامه به

جهان میفرستد. اگر شما پیرو مسیح هستید، او یک نامه را به خانواده، قریه، سرک، جاییکه شما زندگی میکنید میفرستد. عیسی، که در شما زندگی میکند، میخواهد با قلب های آنهایکه با او آشنا نیستند صحبت کند. شاید آنها کتاب مقدس را نمیخوانند، یا صدایی را که در صفحات آن با آنها صحبت میکند نمیشنوند؛ آنها عشق خدا را از طریق کارهای او نمی بینند. مگر اگر شما یک نماینده واقعی عیسی باشید، این ممکن است که از طریق شما آنها هدایت خواهند شد تا چیزی از خوبی او را بدانند و برای دوست داشتن و خدمت او برنده شوند.

عیسویان به عنوان حاملان نور در راه بهشت قرار دارند. آنها باید نور را که از طرف مسیح بر آنها میدرخشد به جهان منعکس کنند. زندگی

و شخصیت آنها باید طوری باشد که از طریق آنها دیگران یک تصور درست از مسیح و خدمت او بدست بیاورند.

اگر ما از مسیح نمایندگی کنیم، ما خدمت او را جذاب جلوه خواهیم داد، طوریکه واقعاً است. عیسویان که غم و اندوه را به روح خود جمع میکنند، و زمزمه میکنند و شکایت میکنند، به دیگران یک نمایش نادرست از خدا و زندگی عیسویی میدهند. آنها این تصور را میدهند که خدا از خوشحال بودن اولاد هایش راضی نیست، و در این آنها علیه پدر آسمانی ما گواهی دروغین میدهند.

شیطان زمانیکه میتواند اطفال خدا را به بی باوری و ناامیدی هدایت کند، خوشحال میشود.

او خرسند است که میبیند ما به خدا بی اعتماد هستیم، در مورد رضایت و قدرت او برای نجات ما شک میکنیم. او دوست دارد که ما احساس کنیم که خداوند با تدبیر خود به ما آسیب خواهد رساند. این کار شیطان است تا پروردگار را به عنوان فاقد شفقت و ترحم نشان دهد. او حقیقت را در مورد او اشتباه بیان میکند. او تخیل را با نظریات نادرست در مورد خدا پر میکند؛ و به عوض اینکه در مورد پدر آسمانی ما روی حقیقت تمرکز کنیم، ما همچنان اغلب اوقات ذهن خود را روی نمایش های نادرست شیطان متمرکز میکنیم و با بی اعتمادی به او و زمزمه کردن علیه او به خدا بی احترامی میکنیم. شیطان همیشه در جستجوی این است که زندگی مذهبی را به یک زندگی غم انگیز تبدیل کند. او میخواهد که این کار سخت و مشکل

بنظر برسد؛ و زمانیکه عیسوی این دید مذهب
را در زندگی خود ارائه میکند، او از طریق بی
باوری خود، دروغ شیطان را حمایت میکند.

بسیاری ها، با قدم زدن در مسیر زندگی، روی
اشتباهات و ناکامی ها و ناامیدی های شان
تمرکز میکنند، و قلب های شان از غم و اندوه و
دلسردی پر میشود. زمانیکه من در اروپا بودم،
یک خواهر که این کار را انجام میداد، و کسیکه
در پریشانی عمیق بود، برای من نوشت و
خواست تا یک کلمه تشویق کننده بگویم. شب
بعد از اینکه من نامه او را خواندم من خواب
دیدم که من در یک باغ هستم، و یکی که معلوم
میشد مالک باغ است مرا از مسیر های آن
هدایت میکرد. من گل ها را جمع آوری میکردم
و از عطر آنها لذت میبرد، زمانیکه این

خواهر، کسیکه در کنار من قدم میزد، توجه من را به بعضی از درختان ناخوشایند که مانع راه او میشدند جلب کرد. آنجا او سوگواری و غمگین بود. او در مسیر قدم نمیزد، راهنمای را دنبال میکرد، مگر در بین خارها و خارها قدم میزد. او سوگواری کرد، "اوه، آیا این یک تاسف نیست که این باغ زیبا با خارها خراب شده است؟" بعد راهنما گفت، "خارها را رها کنید، زیرا آنها فقط شما را زخمی خواهند کرد. گلاب ها، زنبق ها، و صورتی ها را جمع آوری کنید.

آیا در تجربه شما نقاط روشن وجود نداشته است؟ آیا شما بعضی از فصل های گرانبها را نداشته اید که قلب شما در پاسخ به روح خدا با شادی میتپید؟ زمانیکه شما به فصول تجربه

زندگی تان نگاه میکنید آیا شما بعضی صفحات
خوشایند را پیدا نمیکنید؟ مگر وعده های خدا،
مانند گل های خوشبو، در کنار راه شما در هر
دست نمیروید؟ آیا شما اجازه نخواهید داد که
زیبایی و شیرینی آنها قلب شما را با شادی پر
کند؟

خارها و خارها فقط شما را زخمی و غمگین
خواهند کرد؛ و اگر شما فقط این چیزها را جمع
آوری کنید و آنها را به دیگران ارائه کنید، آیا
شما، علاوه بر اینکه خودتان خوبی خدا را
تحقیر میکنید، مانع راه رفتن در مسیر زندگی
اطرافیان تان نمیشوید؟

این عاقلانه نیست که تمام خاطرات ناخوشایند
زندگی گذشته را با هم جمع کنیم، - شرارت ها

و ناامیدی های آن، – تا در مورد آنها صحبت کنیم و در مورد آنها سوگواری کنیم تا زمانی که ما با دلسردی غرق شویم. یک روح دلسرد با تاریکی پر میشود، نور خدا را از روح خود خاموش میکند و یک سایه را روی مسیر دیگران می اندازد.

خدا را شکر برای تصاویر درخشان که او به ما ارائه کرده است. بیایید اطمینان های مبارک عشق او را با هم یکجا کنیم، تا بتوانیم بشكل دوامدار به آنها نگاه کنیم: پسر خدا تاج و تخت پدرش را ترک میکند، الوهیت خود را با بشریت پوشاند، تا او بتواند انسان را از قدرت شیطان نجات دهد؛ پیروزی او از طرف ما، باز کردن بهشت به روی مردان، آشکار ساختن اتاق حضور برای دید انسان جایی که خدا از

جلال خود پرده بر میدارد؛ نژاد سقوط کرده از
گودال ویرانی که گناه آنرا فرو برده بود، دوباره
به ارتباط با خدای لایتناهی آورد، و از طریق
ایمان به فدایی ما آزمایش الهی را تحمل کرد،
در صداقت مسیح پوشید و به تخت او ارتقا یافت
—این تصاویر است که خدا میخواهد ما در
مورد اش تفکر کنیم.

زمانیکه معلوم میشود که ما در مورد عشق خدا
شک داریم و به وعده های او بی اعتماد هستیم
ما به او بی احترامی میکنیم و روح القدس او را
غمگین میکنیم. اگر یک مادر بشکل دوامدار از
او شکایت میکردند، طوریکه گویا او آنها را
خوب نمیخواست، در حالیکه تمام تلاش زندگی
او این بود که منافع آنها را پیش ببرد و به آنها
راحتی بدهد، چه احساسی خواهد داشت؟ فرض

کنید که آنها باید به عشق او شک کنند؛ این قلب
او را خواهد شکست. هر پدر و مادر چگونه
احساس خواهد کرد که توسط اطفال اش با او
چنین رفتار صورت گیرد؟ و چگونه پدر
آسمانی ما میتواند ما را در نظر بگیرد زمانیکه
ما به عشق او اعتماد نداریم، که سبب شده است
او پسر تنها زاده اش را بدهد تا ما زندگی داشته
باشیم؟ رسول مینویسد، "کسیکه پسر خود را
دریغ نکرد، مگر او را برای همه ما تحویل داد،
چگونه او با او همچنان همه چیز را به ما
رایگان نخواهد داد؟" رومیان 8:32. و با این
حال چه تعداد، با اعمال خود، اگر نه به کلمه،
می گویند، "خداوند این را برای من معنی نمی
دهد. شاید او دیگران را دوست دارد، مگر او
مرا دوست ندارد.

تمام اینها به روح خود شما آسیب میرساند؛
برای هر کلمه شک که شما میگویید و سوسه
های شیطان را دعوت میکند؛ این تمایل به شک
کردن را در شما تقویت میبخشد، و این از شما
فرشتگان خدمت کننده غمگین میسازد. زمانی که
شیطان شما را و سوسه میکند، یک کلمه شک یا
تاریکی نفس نکشید. اگر شما انتخاب کنید که
دروازه را به پیشنهادات او باز کنید، ذهن شما با
بی اعتمادی و پرسش های سرکش پر خواهد
شد. اگر شما احساسات خود را بیان کنید، هر
شک که شما ابراز میکنید نه تنها بالای خودتان
عکس العمل نشان میدهد، بلکه این یک دانه
است که در زندگی دیگران جوانه میزند و میوه
خواهد داد، و این ممکن ناممکن باشد تا با تاثیر
کلمات شما مقابله کنید. ممکن است شما خودتان
از فصل و سوسه و از دام شیطان بهبود یابند،

اما دیگرانی که تحت تاثیر نفوذ شما قرار گرفته
اند، ممکن است نتوانند از بی باوری که شما
پیشنهاد کرده اید، فرار کنند. چقدر مهم است که
ما فقط آن چیزهایی را صحبت کنیم که قدرت
روحانی و زندگی میدهد!

فرشتگان گوش میدهند تا بشنوند که شما در
مورد استاد آسمانی تان به جهان چه نوع
گزارش میدهید. بگذارید گفتگوی شما از او
باشد که زنده است تا برای شما در مقابل پدر
شفاعت کند. زمانیکه دست دوست را میگیری،
بگذارید ستایش خدا بر لب ها و در قلب تان
باشد. این افکار او را به عیسی جذب خواهد
کرد.

همه آزمایش دارند؛ تحمل کردن غم ها سخت است، وسوسه ها که مقاومت کردن اش سخت است. مشکلات خود را به همنوعان خود نگو، بلکه همه چیز را به خدا در دعا حمل کنید. این را یک قاعده بسازید که هیچگاه یک کلمه شک یا دلسردی را بیان نکنید. شما میتوانید با کلمات امید و شادی مقدس، برای روشن ساختن زندگی دیگران و تقویت تلاش های آنها کارهای زیادی انجام دهید.

روح شجاع زیادی وجود دارد که توسط وسوسه به شدت تحت فشار قرار گرفته اند، تقریباً آماده اند تا در درگیری با خود و قدرت های شر بیهوش شوند. چنین کسی را در مبارزه سخت او دلسرد نکنید. او را با کلمات شجاعانه و امیدوار کننده که او را در راه اش تشویق خواهد

کرد تشویق کنید. از اینرو نور مسیح ممکن از شما بدرخشد. "هیچ یک از ما برای خود زندگی نمیکنیم." رومیان 14:7. توسط نفوذ ناخودآگاه ما دیگران ممکن تشویق و تقویت شوند، یا آنها ممکن دلسرد شوند و از مسیح و حقیقت دفع شوند.

بسیاری وجود دارند که یک نظریه اشتباه در مورد زندگی و شخصیت مسیح دارند. آنها فکر میکنند که او فاقد گرما و آفتابی بود، که او سختگیر، شدید و بی شادی بود. در بسیاری قضایا تمام تجربه مذهبی توسط این دیدهای تاریک رنگ آمیزی شده است.

این اغلب اوقات گفته میشود که عیسی گریه کرد، مگر او هیچگاه شناخته نشده بود که لبخند

بزنند. نجات دهنده ما در حقیقت یک مرد غم انگیز بود، و با غم و اندوه آشنا بود، بخاطریکه او قلب خود را به تمام مصیبت های مردان باز کرد. مگر درحالیکه زندگی او خود-انکار بود و با درد و مراقبت تحت الشعاع بود، روح او خرد نشده بود. صورت او یک حالت غم و اندوه و پشیمانی را نداشت، مگر همیشه یک حالت آرامش صلح آمیز را داشت. قلب او یک چشمه زندگی بود، و هر جا که او میرفت او استراحت و صلح، شادی و شادی را با خود میبرد.

نجات دهنده ما عمیقاً جدی و شدیداً جدی بود، مگر هیچگاه غم انگیز یا غمگین نبود. زندگی آنها یکی که از او تقلید میکنند پر از هدف صادقانه خواهد بود؛ آنها یک حس عمیق مسئولیت شخصی خواهند داشت. لیویتی سرکوب خواهد

شد؛ هیچ شادی پرشور، هیچ شوخی بی ادبانه
وجود نخواهد داشت؛ مگر مذهب عیسی مانند
یک دریا صلح میدهد. این نور شادی را
خاموش نمیکند؛ این نه شادی را مهار میکند و
نه صورت آفتابی و خندان را ابری میکند.
مسیح نیامد تا به او خدمت شود بلکه برای
خدمت کردن آمد؛ و زمانی که عشق او در قلب
سلطنت میکند، ما از مثال او پیروی خواهیم
کرد.

اگر ما اعمال نامهربان و ناعادلانه دیگران را
در ذهن خود در اولویت قرار دهیم، ما این را
ناممکن خواهیم یافت که آنها را طوریکه مسیح
ما را دوست داشته است دوست داشته باشیم؛
مگر اگر افکار ما روی عشق و ترحم شگفت
انگیز مسیح برای ما تمرکز کند، همان روح به

دیگران جریان خواهد یافت. ما باید یکدیگر را دوست داشته باشیم و به یکدیگر احترام بگذاریم، بدون در نظر داشت نواقص و نواقص که ما نمیتوانیم از دیدن آن کمک کنیم. تواضع و بی اعتمادی به خود باید پرورش داده شود، و لطافت صبور با عیب های دیگران. این تمام خودخواهی های باریک کننده را از بین میبرد و ما را دل بزرگ و سخاوتمند خواهد ساخت.

زبور نویس میگوید، "به خداوند توکل کن و خوب عمل کن؛ از اینرو تو در زمین زندگی خواهی کرد، و یقیناً تو تغذیه خواهی شد. مزمور 37:3. "به خداوند توکل کن." هر روز بارها، مراقبت ها و حیرت های خود را دارد؛ و زمانیکه ما ملاقات میکنیم که چگونه آماده صحبت کردن در مورد مشکلات و آزمایشات

خود هستیم. بسیاری از مشکلات قرض گرفته شده مداخله میکنند، بسیاری از ترس ها اغراق میشوند، چنین یک وزن اضطراب بیان میشود، که یکی ممکن فرض کند که ما هیچ نجات دهنده دلسوز و دوست داشتنی نداشتیم که آماده شنیدن تمام درخواست های ما باشد و در هر زمان نیاز به ما کمک کند .

بعضی ها همیشه میترسند و مشکل را قرض میگیرند. هر روز آنها با نشانه های عشق خدا احاطه شده اند؛ هر روز آنها از نعمت های تدبیر او لذت میبرند؛ مگر آنها این برکات فعلی را نادیده میگیرند. ذهن آنها بشکل دوامدار روی چیزی نامطلوب که آنها میترسند ممکن اتفاق بیافتد تمرکز میکند؛ یا بعضی از مشکلات ممکن واقعاً وجود داشته باشد که، درحالیکه

کوچک است، چشمان آنها را در مقابل چیزهای زیاد که نیاز به سپاسگزاری دارد کور میکند. مشکلات که آنها با آن روبرو میشوند، به عوض اینکه آنها را به سوی خدا، یگانه منبع کمک آنها، سوق دهد، آنها را از او جدا میکند بخاطریکه آنها ناآرامی و پشیمانی را بیدار میکند.

آیا ما خوب است که اینگونه بی ایمان باشیم؟ چرا باید ناسپاس و بی اعتماد باشیم؟ عیسی دوست ما است؛ تمام بهشت به رفاه ما علاقمند است. ما نباید اجازه دهیم که سردرگمی ها و نگرانی های زندگی روزمره ذهن را اذیت کند و ابرو را ابری کند. اگر ما این کار را انجام دهیم همیشه چیزی برای اذیت کردن و اذیت کردن خواهیم داشت. ما نباید به یک درخواست

که فقط ما را ناراحت و خسته میکند، مگر به ما در تحمل آزمایشات کمک نمیکند، غرق شویم.

شما ممکن در تجارت گیج باشید؛ چشم انداز شما ممکن تاریک تر و تاریک تر شود، و شما ممکن با از دست دادن تهدید شوید؛ مگر دلسرد نشوید؛ مراقبت خود را به خدا بگذارید، و آرام و شاد بمانید. برای حکمت دعا کنید تا امور تان را با احتیاط مدیریت کنید، و از اینرو از ضرر و فاجعه جلوگیری کنید. هر کاری که میتوانید از طرف خود انجام دهید تا نتایج مطلوب بدست بیاورید. عیسی کمک خود را وعده داده است، مگر نه جدا از تلاش ما. زمانیکه، با اتکاء به کمک کننده ما، شما هر کاری که میتوانید انجام داده اید، نتیجه را با خوشحالی قبول کنید.

این اراده خدا نیست که مردم او باید با احتیاط
سنگین شوند. مگر پروردگار ما ما را فریب
نمیدهد. او به ما نمیگوید، "نترسید؛ هیچ خطری
در مسیر شما وجود ندارد. او میداند که
آزمایشات و خطرات وجود دارد، و او با ما
واضحاً برخورد میکند. او پیشنهاد نمیکند که
مردم خود را از دنیای گناه و شر بیرون کند،
مگر او آنها را به یک پناه گاه شکست ناپذیر
اشاره میکند. دعای او برای شاگردانش این بود،
"من دعا نمیکنم که تو آنها را از جهان بیرون
کنی، مگر اینکه تو آنها را از شر حفظ کنی."
او میگوید، "در جهان، شما مصیبت خواهید
داشت: مگر خوشحال باشید؛ من بر جهان غلبه
کرده ام. یوحنا 17:15؛ 16:33.

در موعظه خود روی کوه، مسیح به شاگردان خود درس های گرانبها در مورد ضرورت اعتماد کردن به خدا تدریس کرد. این دروس برای تشویق اطفال خدا در تمام سنین طرح ریزی شده بودند، و آنها به زمان ما پر از آموزش و راحتی رسیده اند. نجات دهنده پیروان خود را به پرندگان هوا اشاره کرد زیرا آنها ترانه های ستایش خود را بدون افکار مراقبت به صدا در می آوردند، زیرا "آنها نه می کارند و نه درو می کنند." و با این حال پدر بزرگ نیازهای آنها را فراهم میسازد. نجات دهنده میپرسد، "آیا شما از آنها خیلی بهتر نیستید؟" متی 6:26. روزی دهنده بزرگ برای انسان و حیوان دست خود را باز میکند و تمام مخلوقات خود را فراهم میسازد. پرندگان هوا تحت توجه او نیستند. او غذا را در صورت حساب های

آنها نمی اندازد، مگر او برای نیازهای آنها تهیه میکند. آنها باید دانه های را که او برای آنها پراکنده کرده است جمع آوری کنند. آنها باید مواد را برای لانه های کوچک خود آماده کنند. آنها باید به جوانان خود غذا بدهند. آنها با آواز خواندن به کار خود بیرون میروند، زیرا "پدر آسمانی شما آنها را تغذیه میکند." و "آیا شما خیلی بهتر از آنها نیستید؟" آیا شما به عنوان عبادت کنندگان باهوش و روحانی، ارزش بیشتری از پرندگان هوا دارید؟ آیا مؤلف وجود ما، محافظ زندگی ما، کسیکه ما را به تصویر الهی خود تشکیل داده است، اگر ما به او اعتماد کنیم، ضروریات ما را فراهم نخواهد کرد؟

مسیح شاگردان خود را به گل های مزرعه اشاره کرد که به وفور غنی رشد میکردند و در

زیبایی ساده که پدر آسمانی به آنها داده بود، به عنوان بیان عشق خود به انسان می درخشیدند. او گفت، "سبک های مزرعه را در نظر بگیرید که چگونه رشد میکنند." زیبایی و سادگی این گل های طبیعی از شکوه سلیمان خیلی بیشتر است. زیباترین لباس که توسط مهارت هنر تولید شده است نمیتواند با فضل طبیعی و زیبایی درخشان گل های خلقت خدا مقایسه شود. عیسی میپرسد، "اگر خدا علف های مزرعه را که امروز است و فردا به تنور انداخته میشود، اینگونه لباس بپوشاند، آیا او شما را بیشتر لباس نخواهد داد، ای ایمان کم؟" متی 6:28، 30. اگر خدا، هنرمند الهی، به گل های ساده که در یک روز از بین میرود رنگ های ظریف و متنوع شان را بدهد، او چقدر مراقبت بیشتری برای آنهايیکه به تصویر خود او خلق شده اند خواهد

داشت؟ این درس مسیح یک سرزنش به فکر مضطرب، حیرت و شک، قلب بی ایمان است.

خداوند تمام پسران و دختران خود را خوشحال، صلح آمیز و مطیع خواهد داشت. عیسی میگوید، "من صلح خود را به شما میدهم: نه طوریکه جهان میدهد، من به شما میدهم. نگذارید قلب شما ناراحت شود و نه بگذارید که بترسد. "من این چیزها را به شما گفته ام تا شادی من در شما باقی بماند، و تا شادی شما کامل باشد. " جان 14:27؛ 15:11.

خوشبختی که از انگیزه های خودخواهانه، خارج از مسیر وظیفه جستجو میشود، نامتعادل، مناسب و گذرا است؛ این از بین میرود، و روح با تنهایی و غم پر میشود؛ مگر در خدمت خدا

شادی و رضایت وجود دارد؛ عیسوی رها
نمیشود تا در مسیرهای نامعلوم قدم بزند؛ او به
پشیمانی ها و ناامیدی های بیهوده رها نشده
است. اگر ما لذت های این زندگی را نداشته
باشیم ما ممکن هنوز هم در نگاه کردن به
زندگی فراتر خوشحال باشیم.

مگر حتی اینجا عیسویان ممکن لذت ارتباط با
مسیح را داشته باشند؛ آنها ممکن نور عشق او،
راحتی همیشگی حضور او را داشته باشند. هر
قدم در زندگی ممکن ما را به عیسی نزدیک
سازد، ممکن به ما یک تجربه عمیق تر از
عشق او بدهد، و ممکن ما را یک قدم به خانه
مبارک صلح نزدیک سازد. بعد بیایید اعتماد
خود را از دست ندهیم، بلکه اطمینان قوی داشته
باشیم، قوی تر از هر زمان دیگری. "تا این

لحظه خداوند به ما کمک کرده است،" و او تا آخر به ما کمک خواهد کرد. 1 ساموئل 7:12.

بیایید به ستون های یادگاری نگاه کنیم، یادآوری های آنچه که پروردگار برای تسلی ما و نجات ما از دست ویرانگر انجام داده است. بیایید تمام رحمت های لطیف را که خدا به ما نشان داده است در حافظه خود تازه نگه داریم، - اشک های که او پاک کرده است، درد های که او تسکین داده است، اضطراب ها را از بین برده است، ترس ها را از بین برده است، خواسته ها را فراهم کرده است، نعمت های که او اعطا کرده است، - از اینرو تقویت میکند خود ما برای همه چیز که در مقابل ما در جریان باقیمانده زیارت ما است.

ما نمیتوانیم مگر منتظر حیرت های جدید در
درگیری آینده باشیم، مگر ما ممکن به چیزی که
گذشته است و همچنان به چیزی که در آینده
است نگاه کنیم، و بگوییم، "تا حالا خداوند به ما
کمک کرده است." "همانطور که روزهای تو
است، قدرت تو نیز خواهد بود." تثنیه 33:25.
این آزمایش از قدرتی که برای تحمل آن به ما
داده می شود تجاوز نخواهد کرد. بعد بیایید کار
خود را فقط در جایی که آنرا پیدا میکنیم آغاز
کنیم، با این باور که هر چه ممکن است
بیاید، قدرت متناسب با آزمایش داده خواهد شد.

و به زودی دروازه های بهشت برای پذیرش
فرزندان خدا باز خواهد شد و از لب های پادشاه
جلال برکت مانند غنی ترین موسیقی روی
گوش های آنها خواهد افتید، "بیا، ای برکت های

پدر من، پادشاهی آماده شده را به ارث ببرید
برای شما از آغاز جهان. متی 25:34.

بعد از نجات یافته ها به خانه که عیسی برای
آنها آماده میکند خوش آمدید گفته میشود. آنجا
یاران آنها پست زمین، دروغگو، بت پرست،
ناپاک و بی ایمان نخواهند بود؛ مگر آنها با
آنهاييکه بر شیطان غلبه کرده اند و از طریق
فیض الهی شخصیت های کامل را تشکیل داده
اند، همکاری خواهند کرد. هر تمایل
گناهکارانه، هر نقص، که آنها را اینجا رنج
میدهد توسط خون مسیح از بین رفته است، و
تعالی و درخشش جلال او، که از درخشش
آفتاب خیلی فراتر است، به آنها داده شده است.
و زیبایی اخلاقی، کمال شخصیت او، از طریق
آنها میدرخشد، که ارزش آن از این شکوه

ظاهری فراتر است. آنها بدون عیب در مقابل
تخت بزرگ سفید هستند، که در وقار و
امتیازات فرشتگان شریک هستند.

با در نظر داشت میراث باشکوه که ممکن او
باشد، "یک انسان در بدل روح خود چه خواهد
داد؟" متی 16:26. او ممکن فقیر باشد، مگر او
در خود ثروت و وقار دارد که جهان هیچگاه
نمیتواند آنرا اعطا کند. روح که از گناه آزاد و
پاک شده است، با تمام قدرت های نجیب اش که
به خدمت خدا اختصاص داده شده است، ارزش
فوق العاده دارد؛ و در بهشت در حضور خدا و
فرشتگان مقدس در مورد یک روح نجات یافته
شادی وجود دارد، شادی که در آهنگ های
پیروزی مقدس بیان شده است.

